

چشم انداز ™

CHASHM ANDAAZ

شماره ۷۲ بهمن و اسفند ۱۳۷۸ ניסן תש״ס אדר ב׳ תש״ס No. 72 February/March 2000

نوروز و جشن پوریم و پسخ "عید آزادی" را به ایرانیان و همکیشان عزیز تبریک می‌گوییم

بهاء ۳ دلار

مرغ کاشر امپایر



Better Tasting and Better for You, Every Time



تازه، با عطر و طعم سنتی یهودی

در دسترس شماست

مرغ کاشر امپایر، بدون هورمون و با دانه‌های گیاهی تغذیه می‌شود

چه افتخار بزرگیست که فرزندان برجسته اجتماع ما "افتخار" برای خود و خانواده و جامعه میآفرینند

سارا و ارون هیکلی

دو فرزند خانم و آقای دکتر موسی هیکلی در مسابقه Donbosco که در مدرسه آکادمیک هیلل چندی پیش برگزار شد به مقامهای اول و دوم نایل آمدند





این مسابقهٔ سنجش ریاضیات در مدارس لوس‌آنجلس می‌باشد که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

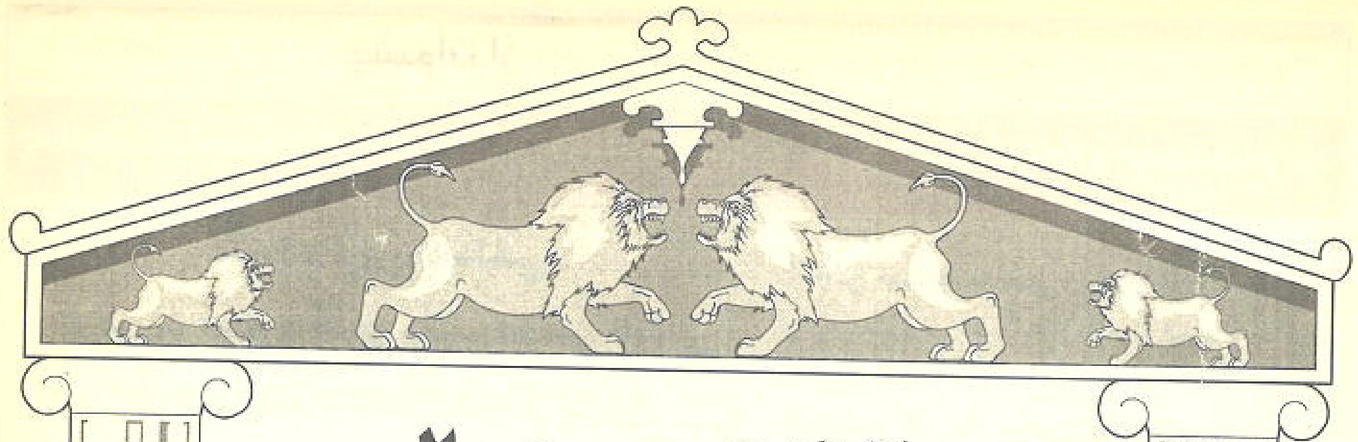
خانم و آقای دکتر موسی هیکلی از جمله والدین نمونه‌ای هستند که بایستی بوجود خود آنها هم در اجتماع افتخار کرد چراکه دکتر موسی هیکلی یکی از پزشکان حاذق و انسان دوست می‌باشند و خانم ایشان خانم فروغ هیکلی یکی از خانم‌ها و مادران برجسته‌ایست که واقعاً کوشش ایشان برای تربیت و تحصیل و پرورش فرزندان هم چون مادری روشنفکر و دلسوز قابل ستایش است.

به همّت این مادر خوب چهار فرزند این خانواده همگی از موسیقی و از آشنایی با فرهنگ و زبان فارسی بهره‌مند می‌باشند و سارا علاوه بر سنتور، ساز زیبای شرقی، در نواختن پیانو چند آهنگ زیبا را خلق نموده است و «ارون» در رشته نواختن پیانو و بخصوص سنتور از تبحر خاصّی برخوردار است.

یکی از رازهای موفقیت این افتخارات وجود و آفرینش روح تدّین صحیح در این خانواده می‌باشد که محیطی گرم و سالم را در این زمان آشفته و گسیخته در فرهنگ را ایجاد کرده است، ضمن تبریک به آقا و خانم فروغ هیکلی و ارج نهادن به زحمات ایشان برای پرورش نونهالانی چون این دو خواهر و برادر عزیز که باعث افتخار ما می‌باشند، امیدواریم هر روز شاهد موفقیتهای بیشتر آنها در ارکان زندگی و جامعه باشیم.

این افتخار بزرگ را به «سارا» و «ارون» هیکلی تبریک می‌گوییم.

سازمان سیامک



واشنگتن موچوال

وام بزرگ

بدون کاغذ بازی - بدون دردسر

* بامراجعه مستقیم به بانک « واشنگتن موچوال » وامهای شما بدون درخواست اوراق مالیاتی و کمترین هزینه در اسرع وقت انجام میگیرد
* اگر قصد خرید خانه دارید بنفع شما خواهد بود که قبل از خرید برای وام خود اقدام کنید و بدون هیچ خرجی Pre-approval دریافت کنید
* اگر قصد Refinance دارید این بانک درمقایسه با هربانک دیگر در دادن بیشترین CASH - OUT مقام اول را دارد

* NO INCOME OR ASSET VERIFICATION
* AVAILABLE ON PURCHASE AND REFINANCE
* LOAN AMOUNT TO $ 2.5 MILLION
* SPECIAL PROGRAMS FOR SELF EMPLOYED BORROWERS AND FOREIGN NATIONALS
* FREE PRE-APPROVAL (FULLY UNDERWRITTEN)
* WASHINGTON MUTUAL IS #1 IN CASH - OUT REFINANCE PROGRAM

NO LIMIT TO CASH OUT



ELI ASIL
LOAN CONSULTANT
(310) 998 - 1568
(310) 777 - 2301

برای اطلاعات بیشتر با ایلای اصیل تماس بگیرید

BEVERLY HILLS OFFICE

Programs subject to change. Certain restrictions and conditions apply.

Low Doc : We reserve the right to request additional documentation
Borrower Pre-approval subject to acceptable property appraisal

واشنگتن موچوال

AUTHORIZED DEALER FOR

LA CELLULAR • AIR TOUCH • PACIFIC BELL

& SPRINT



PREPAID PLAN

- *NO CREDIT*
- *NO CONTRACT*

35 c per min.



Dish Network
Unbeatable Deal
Complete System



- No Activation Fee
- Locale or Nationwide Coverage
- Numeric & Alphanumeric Service
- Voice Mail

$99.00 Pager +
One year local Service
& Voice Mail



SkyOne

CELLULAR & PAGING

Talk about
Two way Radio

$89.00 + Tax each

Downtown	Culver City	West Hollywood
1125-2 Maple Ave. Los Angeles, CA 90015	9636 Venice Blvd. Culver City, CA 90232	8350 Santa Monica Blvd., S-102 W. Hollywood, CA 90069
800.200.1000	888.839.2337	800.558.2080

KEVIN PEZESHKI, M.D.

Obstetrics, Gynecology and Infertility

Graduate of University of Southern California School of Medicine (USC)

دکتر کیوان پزشکی

جراح و متخصص بیماریهای زنان، زایمان و نازائی

فارغ التحصیل از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی (USC)

- *Obstetrical Care*
- *Laser Surgery (Laparoscopy, Hysteroscopy)*
- *Cancer Screening (PAP Smear)*
- *Infertility Treatments*
- *Ultrasound*
- *Breast Disease & Mammography*
- *Menstrual Disorders*
- *Hormonal Imbalance*
- *Sterilization*
- *Family Planning & Contraception*
- *STD & PID*
- *Pelvic Pain & Endometriosis*
- *Menopause & Osteoporosis*
- *Urinary Incontinence*

. زایمان بدون درد
. جراحی زنان، اشعه لیزر
. چک آپ و تشخیص سرطان زنانگی
. درمان نازائی
. اولتراساند
. بیماریهای سینه و مموگرافی
. اختلالات قاعدگی
. اختلالات هورمونی
. بستن لوله های رحم
. تشکیل خانواده و جلوگیری از حاملگی
. تشخیص و درمان بیماریهای مقاربتی
. دردهای مزمن لگن
. پیشگیری از یائسگی و پوکی استخوان
. درمان عدم کنترل ادرار

Affiliated with Northridge Hospital

18546 Roscoe Blvd. Suite 200, Northridge, California 91324

Tel.: (818) 700-5686

مبارک باد

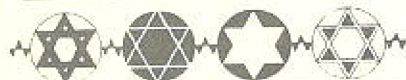
MAZAL TOV
SIMCHA (CELEBRATION) DIRECTORY

Engagement . Wedding . Bar/Bat Mitzva . Showers . Brit . Birthday . Anniversaries

پیمان اخلاقی
تک نوازی و تدریس پیانو
(۳۱۰) ۲۰۸ - ۲۹۲۷

نقره فروشی

نو بهار
بزرگترین وارد کننده نقره‌های ایران با
قیمت‌های غیر قابل رقابت
(۲۱۳) ۶۲۴ - ۵۱۷۴



French Bakery
قنادی شیرینی‌سرا
(بدون مصرف روغن حیوانی)
6900 Reseda Blvd. Reseda, CA 91335
(818)996-5104
18000 Ventura Blvd. Encino, CA 91316
(818)757-1248
12231 Santa Monica Blvd.
Los Angeles, CA 90409
(310)207-7120

دی جی: سامی
(۸۱۸) ۶۸۲ - ۸۱۶۳

کارت عروسی

زیباترین کارتهای عروسی
برمیتصوا - بت میتصوا
در مدت چهار روز
Print Run - Westwood
(310) 824-5150

قنادی

قنادی لوبالـه (کاشر)
(۳۱۰) ۶۵۹ - ۴۹۶۶
شیرینی و نانها بدون استفاده از فرآورده‌های شیری ساخته میشود.
قنادی وی‌ینا
(۳۱۰) ۳۹۵ - ۱۱۱۵

خداوند خاطره را آفرید تا در پائیز گل سرخ داشته باشیم «ولتر»

ثبت یک خاطره زیبا، شیرینی جاودانه‌ای را برای تمام زندگی میسر میکند

آلبرت طبیبیان

شاهکار هنر عکاسی را با آخرین تکنیک‌های
کامپیوتری امروزه پیوند داده تا گل سرخ
بی نظیری به گلخانه زندگی‌تان هدیه کند



Albert Tabibian
Photographer

1416 Westwood Blvd. #206. Los Angeles
(310) 475-2144
(روبروی شرکت کتاب)

16200 Ventura Blvd., Suite 416, Encino
(818) 981-0830

TODAH RABAH! !תודה רבה

از شما متشکریم

بدون شما کارهای خیریه ما انجام نمی‌شد

یوسف یگانه افرا - ایرج نورمند - امان حوری زاده - داوید ارزانی پور - روزیتا ابرامی - باشی بندری - فریده رفی - ل. سلیمانی - ایرج قدسیان - فرزانه کهن اریه - یافا دیان - نسرین طالع حکیمی - سارا مهرپویان - نعمت رحیمیان - عزیز سیمانطوب - یوسف دماوندی - فاطمه مدیکال گروپ - پوران سیانی - هما و سیروس باختری - مجید آبائی - مینو حکیمیان - شری نورا - هوشنگ کهن - اسحق رحمانوتی - سهراب زُجحانی - فریبا نوریان - سعید سرشاد - ژوزف ژانت میخائیل - ایرج نفیسی - نعومی گوهر - فریبا نوریان - شاهین تهرانی - مینو کوتال - داریوش دیان - س. ابراهیم زاده - فرناز بسالا - کنگاوری تراست - آقای مهربان - بوریس پولوار - مهران حاجیان - رحیم گیلیاردی - مهرناز مهرخواه - فرامرز پاکزاد - بنیامین گلشن - مهرداد نوید بخش - کورش افراسیان - شهلا سنبلیان - اختر برلوا.



دخترک نحیف و خردسالی در گوشه خیابان نظرم را جلب کرد.
با تن پوشی نازک، بدنی لرزان از سرما، گرسنه و
در حسرت یک خوراک گرم، با نگاهی منتظر به کنجی خزیده بود.
با دیدن او دگرگون شدم. شکوه کنان رو به خدا فریاد برآوردم که:
«چرا؟ پروردگارا این درد برای چیست؟ جوابم را بده -
آخر چرا برای این درد چاره‌ای نمی‌اندیشی؟»
و خداوند چنین پاسخم را داد:

برای این درد چاره اندیشیدم.

تو را آفریدم.



چشـم انـداز

Published by:
International Judea Foundation
P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212

سردبیر: داریوش فاخری
دبیران تهیه مقالات: دکتر ربرت صالح ربیع و مینو مقیمی
مدیر داخلی: شهرام سیمان
سردبیر بخش پزشکی: دکتر نیسان بامداد
مدیر اجرایی: لیلی کاهن
مدیر اداری سازمان سیامک: دکتر لاوی
روابط عمومی: عاشر آرام نیا
مترجمان: دکتر بدیع بدیع‌الزمانی، ژوزف مبسری، پیمان اخلاقی، منیژه شایسته (یوم طوبیان)، مینو ذهابیان (کوتال)، فریده شبانفر، شهره نوفر، رزا کیائی
نویسندگان همراه: پرفسور امنون نتصر (اورشلیم)، دکتر ژاله پیرنظر (برکلی - کالیفرنیا)، مینو شبانفر (حکیمیان)، فریبار نیکبخت (لوس‌آنجلس)، مینو مقیمی

با همیاری دیگر افراد هیئت اجرائی سازمان سیامک، اختر برلوا، رویا برلوا، سعید بنایان و فریدون فولادی

نمایندهٔ مجله چشم‌انداز در نیویورک: مهری صبی
تایپ‌ست: مینو حمودوت
امور هنری: انتشارات نازگل

چشم‌انداز، نشریه‌ایست برای بازتاب افکار و دستاوردهای یهودیان دنیا، هدف ما روشنگری واقعیت‌های یهودیت، مسایل، آرزوها و امید یهودیان، مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف‌های بشردوستانه انسان‌های جهان می‌باشد.

نظرهای نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست.

چشم‌انداز، در انتخاب مقاله‌های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی‌ها به عهده‌ی صاحبانشان است. نوشته‌های رسیده، بازپس فرستاده نمی‌شود. نامه‌های بدون نام و نشانی، قابل استفاده نخواهد بود. در صورت تمایل، از مقالات شما، با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا استفاده می‌شود.

شماره تلفن سازمان سیامک:
(۳۱۰)۸۴۳-۹۸۴۶
آدرس سازمان: 9717 West Pico Blvd.

در این شماره میخوانید

شماره ۷۲ بهمن و اسفند ۱۳۷۸

ניסן תש"ס אדר ב תש"ס

No. 72 February/March 2000

کپی و نقل مطالب چشم‌انداز بدون اجازه کتبی ممنوع و قابل تعقیب می‌باشد



در جستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده‌ایم

داریوش فاخری

ز دست غیر ننالم چرا که همچو حباب
همیشه خانه خراب هوای خویشتنم

از دیدن منشور هیئت ربانوت ایرانی، که به دست من دادند غرق در حیرت شدم، چندین بار آن را از اول تا آخر خواندم. مدت زمانی بود می‌خواستم در مورد دین‌داری دین سالاران و بی تفاوتی از دین گریزان‌های جامعه مفصل‌تر از پیش بنویسم - چرا که این دین را به جامعه خودمان داریم و میبایستی راه یک گفتگو در این باره برای همه باز شود.

به این مناسبت عین این منشور را که به امضای حاخامیم و راب شوفط تهیه، امضاء و در ضمن آن بیعت جوانترهای در این حرفه را هم گرفته‌اند را در کنار این مقاله چاپ کرده تا خواننده بتواند در صورت تمایل دسترسی به متن اصل را داشته باشد.

اصولاً دین داری یهودیان، هر جای دنیا که باشند یکدست و همگون نیست. دین داری ما یهودیان بر یک زمینه خاکستری و در آن در نوسان است. عده‌ای کمی رقیق‌تر به اصول و خصوصاً تشریفات و سنتها پای‌بندند و عده‌ای کمی غلیظ‌تر. ولی قدر مسلم آنکه نه سفید سفید داریم و نه سیاه سیاه. پس همین قدر که دعوا سر میزان و درجه خاکستری بودن افراد جامعه است پس جای بحث می‌ماند و به همین دلیل این نوشتار نیز به میهمانی چشمانتان آمده است.

این از مردم عادی، بگذارید نگاهی بیاندازیم به رهبریت مذهبی. رهبری مذهبی در این جامعه را برخی از مردم خصوصاً بزرگسالان ما، کورکورانه و از سر تقلید بر خود پذیرفته‌اند. بدون آنکه شرایط احراز این مقام را بدانند و یا از حاخام و یا ربای مورد نظر بطلبند. و این بسیار عجیب است. شما وقتی دکتر می‌روید میزان تحصیلات و تخصص و انتشارات و سخنرانیهای مهم و اعتبار و تأییدیه‌هایی که دکتری که جسم‌تان را در اختیارش می‌گذارید تا به سلامتی آن بپردازد از آموزشگاههای معتبر گرفته، برایتان کمال اهمیت را دارد، در صورتی که شخصی و اشخاصی که قرار است به سلامت روح شما بپردازند از زیر چنین بررسی موشکافانه‌ای و ذره‌بینی رد نمی‌شوند که این البته باعث تأسف است هم برای تک‌تک ما و هم برای امروز و فردای جامعه.

بله می‌بینیم که در این اجتماع کسانی که با حداقل پرسشی برای پیدا کردن منبع و تکیه‌گاهی روحانی سر در گم و حیران‌اند. می‌بینند که رهبری مذهبی به سواد نیست - به اعتقاد نیست - به عمل نیست - به میزان کتب و مقالات منتشره در سطح جهانی و یا کشوری نیست - بلکه به این است که آیا چند نفر با هیاهو دور یک نفر سینه بزنند و به دیگران جرأت حرف زدن ندهند. می‌بینیم جماعت با یک حرکت حساب شده بین مقامات مذهبی قسمت شده‌اند. هر کسی عده‌ای را دور خود جمع کرده و مثل نمایندگان سیاسی این کشور بر اساس طرز تفکرات و یا سطوح مختلف جامعه نمایندگی آنان را بر عهده گرفته است. در چنین محیطی یک ربای برای ارتدکسهای دو آتشه است، یکی برای منطقهٔ ولی است یکی برای منطقهٔ پیکو، یکی هم برای آدمهای بی اعتقادتر و رقیق‌تر مذهبی پیش‌نمازی می‌کند.

رابطه، یک رابطهٔ مثبت و سازنده از آن نوعی که جوانترهای تحصیلکرده و تشنهٔ روحانیت در پی آن از این کلاس به آن کلاس و از این سمینار به آن سمینار می‌روند بوجود نمی‌آید.

مقصودم از رابطه، رابطهٔ دو طرفه است نه آنکه ربای فقط از بالای منبر مطمئن و بی خطر مجالس ترحیم که هیچکس آنجا را جای

منشور هیئت ربانوت ایرانی

جامعهٔ یهودیان ایرانی یکی از کهنسال‌ترین و پر دوام‌ترین جوامع یهودی جهان محسوب می‌شود که نزدیک به بیست و هفت قرن با کمال افتخار و ایثارگری مشعلِ فروزانِ یهودیت را بدوش کشیده و با عشق و فداکاری زندگی خود را بر شالودهٔ رهنمودهای کتاب آسمانی «توراتنو هقدوشا» پایه‌گذاری و اداره کرده و از طریق تعلیم و تربیت، ارزش‌های والای تورای مقدس را به نسل‌های بعد از خود انتقال داده است. ماندگاری ما در پهنادشتِ تاریخ پر فراز و نشیب ایران دلیلی به جز وابستگی و پیروی ما از تورا و قوانین آن ندارد.

حال که بنا به جبر زمان و دگرگونی‌های سیاسی، به آمریکا یعنی سرزمین آزادی‌های مذهبی، فردی، اجتماعی و سیاسی کوچ کرده‌ایم، جامعهٔ کهنسالِ ما مقابلِ انگیزه‌های جدید دینی، و در برابر دیدگاه‌ها، مشرب‌های فکری جدید و ناآشنا و برداشت‌های متفاوت و اکثراً ناصحیح از میراث‌های اصیلِ یهود قرار گرفته است. تفاوت‌های رفتارهای مذهبی و عمل به قوانین تورا در میانِ جوامعِ دیگر بخصوص یهودیانِ آمریکایی برای اکثریت همکیشان، که از زیربنای واقعی فلسفهٔ تاریخی و تقسیم بندی‌های درون جامعهٔ یهودیان آمریکایی آگاهی ندارند، باعث پرسش، سر درگمی، و یا تمایل به سوی این مسلک‌ها و برداشت‌ها شده و همین امر نوعی تحیّر و سرگشتگی در میان جامعه بوجود آورده است.

از این رو ما خدمتگزاران و دوستدارانِ جامعه که نگران سلامتِ روحی، فکری و معنوی و انسجام روحانیِ عمومِ همکیشان و نسل‌های آینده می‌باشیم، در این برهه از تحولاتِ اثرگذار تاریخی و اجتماعی، وظیفهٔ خود می‌دانیم که خطِ مشی کلیِ دینی و روحانیِ جامعه را چنانکه اجدادِ عظیم‌الشأنِ ما از آن پیروی کرده و به ما میراث داده‌اند، برای اطلاع و آگاهی همگان به صورت منشوری تنظیم و در اختیار همکیشان بگذاریم تا هویتِ واقعی و راه اصلی زندگی یهودی را دانسته و از آن پیروی کنند.

۱ - ما اولین قوم موحد در جهان بوده، به یگانگی آفریدگار و قدرت لایزال و بی انتهای او ایمان کامل داریم و در طول تاریخ شاهد تَجلیّات جلالش در کوه سینای و تمامی دوران تاریخ پر از فراز و نشیب خود بوده و او را تعیین کنندهٔ مسیر تاریخ بشریت و قوم یهود می‌دانیم که مشیّت او حاکم بر همه کائنات و موجودات می‌باشد.

۲ - ما به آسمانی بودن تورای مقدس و وحی آن به وسیله آفریدگار به حضرت مُشه ربنو ایمان قاطع داریم.

۳ - ما باور داریم، در طیِ سالیان طولانیِ گالوت آنچه باعث پا بر جایی و بقاء قوم یخود گردیده، تورا و تورای شفاهی، چنانکه در تلمود منعکس می‌باشد، بوده است. پس وظیفه و مسئولیت ما حفظِ این موهبت الهی و گوهرِ گرانبها و آموزش آن به طور گسترده و عمیق در میان همه طبقات جامعه به ویژه نسل جوان است.

۴ - ما یهودیان ایرانی جزو یهودیان شرقی محسوب می‌شویم و در پیروی از قوانین شرعی و فقهی تورا، تابع بزرگان علم تورای «سفارادی» و «شولحان عاروخ» می‌باشیم.

۵ - مرجعیتِ مقام ربانوت اعظم وقت در سرزمین مقدس ایسرائل را بر خود پذیرفته‌ایم. فتاوی و رهنمودهای مُعظم‌له در همه سطوح نافذ، معتبر و برای ما واجب‌الاجرا است.

۶ - خانواده و سلامت روابط خانوادگی از مهمترین اهداف ما می‌باشد. بنابراین قوانین مربوط به ازدواج و طلاق را که حافظ تمامیت قومی ما در طول تاریخ می‌باشند، طبق قوانین

تورای مقدس آنچنان که بزرگانِ علمای سفارادی و همانطور که مقام اعظمِ ربانوت تفسیر، تعبیر و تعیین می‌کنند، واجب‌الاجرا می‌دانیم.

۷ - ساختار جامعهٔ دینی ما تابع قوانین تورا است. گروه بندی‌ها و برداشت‌های مذهبی یهودیان آمریکایی که خود را یهودی کنسرواتیو یا ریفورم و یا ریکانستراکشنیست می‌نامند، از دیدِ مقام اعظمِ ربانوت در ارض مقدس و ما مردود و خلافِ سنت‌های دیرینهٔ جامعهٔ یهودیان جهانِ بخصوصِ ایرانیان می‌باشد. ازدواج و طلاق‌ها و پذیرش غیر همکیشان و تغییر مذهب آن‌ها به یهودیت، فقط از طریق راوهای موردِ قبول مراجع مذهبی اسرائیل مورد تأیید می‌باشد. اما بوسیله راوهای این گروه‌ها مطلقاً قابل قبول نیست. حخامیم جامعه یهودیان ایرانی همواره پیرو و مورد تأیید رهبران اعظم مرکز یهودیت یعنی ارض مقدس بوده و می‌باشند. بنابراین رواهایی که مورد تأیید مقام اعظم ربانوت نباشند، به عنوان رهبران مذهبی و تعیین کنندهٔ راه و روش دینی برای جامعهٔ ما محسوب نمی‌شوند.

۸ - اهمیت کنیساها در حفظ موجودیت و بقای ما در دوران تاریخ طولانیِ گالوت غیرقابل انکار است. بعد از ویرانی معبد مقدّس یروشالیم، کنیسا تبدیل به «میقداش مِعَط» یعنی قُدس کوچک شده و نقشی اساسی در جامعه یهودی داشته است. بنابراین روش اداره کنیسا، مراسم تفیلا و قرائت تورا می‌باید مانند گذشته باشد. طرز نشستن زنان و مردان در کنیسا نیز طبق سنت‌های دیرینه رایج در بیت همیقداش که جایگاه ویژه کهنیم، لِویِم، ئیسرائیلیم و جایگاه ویژه زنان معلوم و مشخص بود و مورد قبول پدران و مادران ما در ایران و سنّتی ریشه‌دار بین آنها محسوب می‌شد، به مورد اجرا در آید.

۹ - برای حفظِ وحدت، سلامت جامعه، تسلسل و دوام آن می‌باید از ازدواج‌های مختلط با غیر همدین قویاً خودداری شود.

۱۰ - کشور اسرائیل در قلب و روانِ یهودیانِ ایرانی همواره جاویدان بوده و مرکزیت مذهبی آن برای قوم یهود غیرقابل انکار است. ما وظیفهٔ مذهبی هر یهودی می‌دانیم که در حد امکان می‌باید سعی کند در این سرزمین سکنی گزیند و یا خود و خانواده به دیدار آن بروند، به ویژه جوانان را با آن سرزمین و مرکزیت آن در تاریخ گذشته، حال و آینده قوم یهود آشنا گردانیم.

۱۱ - کلیّتِ جامعه و رهبران، مسئول حفظ و حراستِ آتش فروزان تورا و یهودیت می‌باشند و می‌باید در ترویج دانش یهودیت و برپایی مدارس روزانهٔ یهودی، تمامی منابع مالی و روحانی خود را بسیج کرده و بکار برند.

۱۲ - شبات، اعیاد یهودی و حفظ موازین کشروت، گره‌های محکم روحانی، وابستگی ما با آفریدگار، با تورا، با قوم یهود و سرزمین مقدس اسرائیل می‌باشند. بنابراین، آیین‌های ویژه و سنت‌های مربوط به آنها را نه تنها گرامی می‌داریم بلکه عملاً در نگهداری و عمل به آنها می‌کوشیم.

تفیلاها و درخواست‌های قلبی ما از درگاه پروردگار توانا این است که ما جامعهٔ یهودیان ایرانی بتوانیم میراث‌های یهودی را که با ایثارگریِ گذشتگانمان به ما سپرده شده است، با افتخار حفظ کرده و با درستی به آیندگان بسپاریم و در این برههٔ پر از تحولات و خطرات در تاریخ اجتماعی خویش، بتوانیم اتحاد، اتفاق، همبستگی، صلح و صفا و صمیمیت را بین خود حفظ کرده و برای یکدیگر نقطه اتکا و دوستی باشیم. پروردگار حیّ و قیوم حافظ و نگهبان همگان باشد. آمین.

بحث و سؤال و جواب نمی‌داند برای مردم حرف بزند، که این هم به ضرر اجتماع و هم به ضرر من و هم به ضرر مقام مذهبی است.

چرا که هیچکداممان نمی‌توانیم بدون وجود یک رابطه سازندهٔ دو طرفه در کمال خود بکوشیم و یهودیت یعنی تقلای انسان در رسیدن به کمال خود و کمک به بهبود و رسیدن به کمال جامعه است همانگونه که مفسران و علمای یهود این اصل را تمامی هدف و عمل کرد «مُشه»، معلم ما یهودیان می‌دانند.

من و بسیاری از کسانی که همچون من در جستجوی این چشمه فیض دربدر مکتبها و فلسفه‌های جهانی بوده‌ایم، با سنجش عملکرد دین سالاران این جامعه در آرزوی انسانی هستیم که سرمشق نفس واقعی و زیبای یهودیت باشد ولی حیران و سرگردان مانده‌ایم. و حالا رسیده‌ایم به این منشور هیئت ربانوت شهر لس آنجلس.

بگذارید این منشور هیئت ربانوت ایرانی را با هم مروری بکنیم.

می‌نویسند «دلیل عمده (بهتر است از دلایل عمده باشد) ماندگاری جامعه یهودیان ایرانی (که درست است باقیمانده این جامعه در جهان خوانده شود) در تاریخ پر فراز و نشیب ایران، وابستگی و پیروی ما از تورا و قوانین آن است».

چون من فردی هستم که برای اجتماع می‌نویسم نمی‌توانم همه چیز را فقط از بُعد مذهبی آن ببینم پس بنابراین دلیل ماندگاری همین نه مانده را که در پی قتل عامها و تغییر دین دادنهای اجتماع و کوچ‌های گاه بگاه و نجس شماری یهودیان از طرف اکثریت انجام شده را نیز باید در نظر بگیرم چرا که در پارگراف بعد بسیار کارساز خواهد بود.

در پارگراف بعد می‌نویسند: «حالا که به جبر زمان به **سرزمین آزادیهای مذهبی، فردی، اجتماعی و سیاسی** کوچ کرده‌ایم».

آیا صدور این منشور برای مقابله با این همه آزادی است؟ آیا با صدور این فتوای دیکتاتور مآبانه می‌خواهید به جنگ این آزادی‌هایی که باعث و نتیجه بحث‌ها و تبادل نظرهای بین انسانها، فلسفه‌ها و طرز تفکرها شده بروید؟

می‌نویسند: «اکثریت همکیشان ما در برابر این دیدگاهها و...و بخاطر عدم آگاهی از زیربنای واقعی فلسفه تاریخی و...درون جامعه آمریکایی آگاهی ندارند، متمایل به سوی این مسلک‌ها شده و نوعی تحیّر و سرگشتگی در جامعه بوجود آمده است».

آقایان حاخامیم کدامتان مسئولیت این عدم آگاهی، شکست واقعی دین داری جامعه و پای‌بندی واقعی به ارزشهای یهودیت در جامعه ما را در عرض ۵۰ سال گذشته به عهده می‌گیرید؟ شما و دیگرانی که جایزه ۵ قرن و ۶ قرن و ۷ قرن ارشاد و خدمت مذهبی میگیرید یا به یکدیگر می‌دهید بگوئید پس چرا در عرض یک کوچ ۲۰ ساله این همه آدم از دین بیرون می‌رود؟ این همه جوان ازدواج مختلط می‌کنند ازدواج یهودی دیگر سر نمی‌گیرد؟ - در کنیساهایتان به ندرت جوان تحصیلکرده و آزاده اندیشی پیدا می‌شود؟ خانواده‌ها و ازدواجها از هم

KAMRAN ABRAHAM TORBATI, M.D., FACOG



DIPLOMATE OF AMERICAN BOARD OF OBSTETRICS & GYNECOLOGY
FELLOW OF THE AMERICAN COLLEGE OF OBSTETRICS & GYNECOLOGY

دکتر کامران تربتی

جرّاح متخصّص زنان، زایمان و نازائی از آمریکا

Laparoscopic & Laser Surgery
Hysterosopic Endomerial Ablation & Alternatives to Hysterectomy
Vaginal Delivery After Cesarin Section
Infertility, Insemination, Sex Selection & Ultra Sound
Family Planning
Pelvic Pain & Endometriosis
Check Up & Cancer Screening
Menopause & PMS
Urinary Incontinence

* تخصّص در جرّاحی لاپاروسکوپی با اشعه لیزر
* کنترل خونریزی‌های غیر طبیعی با روش هیستروسکوپی
* زایمان طبیعی بدون درد و پس از سزارین قبلی
* نازائی و تلقیح مصنوعی و تعیین جنسیت نوزاد و سونوگرافی
* تنظیم خانواده و جلوگیری از حاملگی ناخواسته
* دردهای لگن و اندومتریوسیس
* چک‌آپ و پیشگیری از سرطان لگن و پستان
* یائسگی و اختلالات هورمونی
* اختلالات کنترل ادرار

عضو کادر بیمارستان‌های:
CEDARS-SINAI & TARZANA MEDICAL CENTER

ENCINO: (818) 906-2496 / 90-OBGYN
5363 BALBOA NO. 245

WESTWOOD: (310) 209-2900
10921 Wilshire Blvd. Suite 806

می‌باشند؟ و... آیا این همه آدم از چه کسی سرخورده‌اند؟

متملقین و چاپلوسان حرفه‌ای فقط روحانی قرن و رهبر مذهبی انتخاب می‌کنند. کسانی را که فاقد قدرت ایجاد رابطه با یک جوانند. کسانی که حتی قدرت خواندن یک روزنامه روزانه را ندارند در مملکتی که از کتاب و روزنامه و مجله و اینترنت سرشار است و سالی فقط ۶۰۰۰۰ تیتر مختلف کتاب در آن به چاپ می‌رسد و اطلاعات چنان بر سر و مغز هر کس می‌ریزد که جای تنفس برای کسی نمی‌ماند. و بعد می‌خواهید وارد هر مجلسی که می‌شوید همه جلو پای روحانی قرن! برخیزند.

حالا ببینید این هیئت که در برابر این **«تحول عظیم ناشی از این کوچ اخیر»** خود را خدمتگزار و دوستدار جامعه می‌نامد و **نگران سلامت روحی، فکری و معنوی و انسجام روحانی همه است** منشوری صادر نموده و از جامعه اطاعت بی قید و شرط می‌طلبد. نه آنکه برنامه‌ای عملی که بر اساس مشارکت آحاد و سازمانهای جامعه و اعضای این هیئت باشد طرح و پیشنهاد گردد که بتواند گره گشای معضلات و مسایل جامعه باشد.

در این منشور می‌گویند وظیفهٔ خود می‌دانیم خط مشی کلی دینی را به صورت منشوری تنظیم تا ما هویت واقعی و راه اصلی زندگی یهودی را دانسته و از آن **پیروی** کنیم.

ربای داوید شوفط در جلسه ارائه این منشور گفت که «البته ما چماق و سرنیزه نداریم» ولی از تمامی جملات این منشور بوی چماق و سرنیزه می‌آید و گفتار شخص ایشان و شاید دیگران نیز نمی‌تواند انکاری بر نیت احتمالی و شاید آرزوی آنان باشد.

آقایان حاخامیم می‌بایستی بجای منشوری که ما از آن **باید پیروی** کنیم برنامه‌ای را برای ترغیب و تشویق ارائه می‌کردند.

از این منشور بیشتر این بو به مشام می‌رسد که این افراد بیشتر دل نگران از دست دادن موقعیت اجتماعی خود هستند تا دل نگران جوانان و آینده این جامعه.

آقایان حاخامیم، زمان حال و آینده‌ای که تنها بر بستری از گذشته‌ای که در ایران داشته‌ایم بنا شود بیشتر رویایی است تا عملی. کما اینکه یکدوره‌ای افرادی در هیئت شما عبا می‌پوشیدند ولی حالا نمی‌پوشند.

افسانه خوان گذشته بودن چاره‌ساز درد ما نیست باید افسانه ساز آینده بود. باید کاری کنیم که آیندگان از شجاعت و ایثار و آینده‌نگری، صداقت و ایمان واقعی ما در مقابله با تمام سختی‌هایی که امروز داریم و چگونگی پیروز ما بر آنان افسانه‌ها بگویند.

امر و نهی، صدور فتوا، همین است که است «اگر مثل ما نیستی و چون ما نیستی پس از ما نیستی» نه با نفس واقعی و زیبای یهودیت جور در می‌آید و نه پسندیده جامعه است و در غایت باعث انزوای هر چه بیشتر شما و جوانانمان از جامعه می‌گردد.

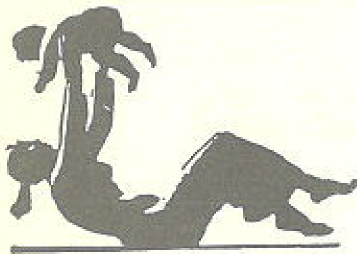
بگذارید مروری بر منشور بکنیم.

مادهٔ ۱ منشور - خداوند:

من هم چون بسیاری دیگر به خداوند

شما شایسته بهترین‌ها هستید

دکتر آونر منظور



متخصص بیماریهای زنان، زایمان و نازائی

اسیستان پروفسور دانشگاه UCLA

با ۱۷ سال سابقه درخشان طبابت

جرّاحی‌های ترمیمی
بـی اختیاری ادراری

بورلی هیلز　(310) 271 - 2400

ایمان کامل دارم اما نه فقط بخاطر اینکه در طول تاریخ، اجدادم شاهد تجلیات و معجزات او بوده‌اند بلکه بخاطر همانطور هم که حیئم لوتزاتو گفته بود **«همین تکرار بی وقفه طبیعت»** بخاطر هر لحظه - هر طلوع - هر غروب - هر بهار و هر زمستانی که می‌آید و می‌رود که معجزه زیبای پروردگاری است که همه را دوست دارد و در انحصار هیچ کس و گروهی نیست و به گفته **تامار فرانکیل** این خداوند تجلی ارزشهای خوبی است که انسانها برای یک زندگی شرافتمندانه توأم با عزت نفس و مقدس به آن احتیاج دارند. ارزشهایی که ما را انسان و به خداوند نزدیک نگاه می‌دارد.

مادهٔ ۲ منشور - تورات:

بنظر من تورات مثل کتاب نت یک سمفونی زیباست. شنوندگانی که شاهد اجرای این سمفونی هستند تا حدود بسیار زیادی از رهبر ارکستر - درک او از این سمفونی و قدرت برانگیختن اعضای ارکستر برای اجرای آنچه او از این نت‌ها استنباط کرده و ارائه هر چه زیباتر آن، تأثیر می‌پذیرند.

درست همانطوری که اجرای سمفونی نوشته شده‌ای از بتهوون بدون آنکه نُتی از آن کم یا زیاد شود با اجراهای مختلفی توسط ارکستر سمفونی‌های مختلف جهان بصورتهای گوناگونی اجرا می‌شود.

برای همین است که ما تلمودمان به این قطوری است. اگر همه علمای ما با هم متفق‌القول بودند که تلمود بیش از یک صفحه نبود.

برای همین است که علمای یهود، همان کسانی که اجداد باارزشمان صدایشان می‌کنیم می‌گویند **تورا می‌تواند به ۴۹ طریق تفسیر شود** Shoher, Tob 12

برای همین است که خداوند حرف آخر را در دین ما نمی‌زند و به مشه می‌گوید بر **اساس رأی اکثریت عمل کن و آن را به رأی عمومی بگذار** R. Yannai یهودیت چون شاید دیگر ادیانی که شما هم متأسفانه دارید با این طرز تفکر از علمای آن تقلید می‌کنید - دین تحمیق و تعبد نیست - یهودیت دین پرسش است - در یهودیت ما با خدایمان حرف می‌زنیم. چون فرزندی که پیش پدرش می‌رود با او بحث می‌کنیم و از او نظر می‌خواهیم. و او چون پدری مهربان و نه حاکمی سفاک و عقده‌ای به من گوش می‌دهد. و یا پدری نیست که آنقدر از من دور باشد که واسطه‌ای برای گفتگو بین من و خودش بگذارد تا به حرف پاره وجود خودش گوش بدهد. نه تنها پیامبران و اجداد ما که علمای یهود نیز به این پرسش و بحث و گفتگو و قهر و آشتی فرزند و پدری دست زده‌اند.

خداوند نه از من و نه از شما نوکری بی قید و شرط می‌خواهد. برای همین است که یهودیت از ما می‌خواهد که خداوند را هم با **عقل** و هم با **قلبمان** دوست داشته باشیم و نه از راه ترس. **ربای شیمون بن الیعزر** می‌گوید: **آنکه از روی عشق و محبت (به ویژه پرهیزکاری) رفتار می‌کند بزرگتر از کسی است که از ترس به خداوند کاری را انجام می‌دهد.**

مادهٔ ۳ منشور: راز پا بر جایی و بقاء یهودیت عوامل بسیار داشته و جایی که می‌رسیم به وظیفه و مسئولیت ما، نه تنها حفظ تورا و آموزش آن بلکه رفتار و عملکرد ما بسیار مهم‌تر است و نمی‌دانم چرا شما این نکته را از قلم انداخته‌اید؟ بقول **ربای جاشوا هشل** یهودیت به سه B احتیاج دارد:

Believing - Behaving & Belonging

علاوه بر آنکه ما بایستی برنامه‌هایی اصولی و اساسی در این موارد داشته باشیم خود نیز بایستی سرمشقی در این مورد باشیم.

تنها گفتن **«حفظ و آموزش بطور گسترده و عمیق در میان نسل جوان»** بیشتر شعار است تا برنامه. چه برنامه‌ای اجرا کرده - می‌کنید و خواهید کرد؟ صادقانه و عملی‌تر است تا شعار.

مادهٔ ۴ - چرا می‌گویید «ما یهودیان ایران جزو یهودیان شرقی محسوب می‌شویم»؟ چرا

دکتر فرید افرا

اولین و تنها جراح عمومی ایرانی با فوق تخصص در زیبایی و کاشت موی سر

کاشت و زیبایی مو با متد جدید Hair Micro Transplant

برداشتن پوست اضافی بدون مو Scalp Reduction

جابجا کردن پوست با مو Skin Flap Rotation

(310) 859-0416

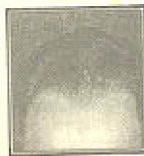
عضو کالج جراحان آمریکا و بین‌المللی متخصص جراحی عمومی

دارای بُرد تخصصی جراحی از آمریکا با ۳۳ سال سابقه کار

جراحی: • سرطان‌های پستان • دستگاه گوارش

• تیروئید • واریس • بواسیر • فتق

• خال‌های پوستی و سرطانی


بعد از کاشت مو

9025 Wilshire Blvd., Suite 300

Beverly Hills, CA 90211

تلفن ۲۴ ساعته (310) 859-0416

Fax: (310) 859-0474


قبل از کاشت مو

می‌گویید «ما تابع بزرگان علم **تورای سفارادی** هستیم»؟ چرا این همه جدایی می‌افکنید. این جدایی در غایت به نفع کیست؟ مگر ما چند تا **تورا** داریم؟ ما به پژواک صدای پدر بزرگان و مادر بزرگانمان گوش می‌دهیم.

ما یهودی هستیم هر جا که باشیم و زمان و مکان عامل مهمی در یهودیت ما نبوده و نبایستی باشد. یهودی برای من یهودی است و متأسفانه برای دشمنان من هم یهودی است چه در ایران زاده شده باشد و چه در آرژانتین، چه ۴۰ سال پیش به دنیا آمده باشد و چه ۴۰۰ سال پیش. شاید یکی دیگر از عوامل بقای ما که شما به آن اشاره نکرده‌اید در همین با هم بودنمان است که شما و رهبرانتان در اسرائیل سعی در طبقه‌بندی و مرزبندی آن می‌کنید و کاری بغایت اشتباه و خطرناک هم برای ما و هم برای کشور اسرائیل است.

این منشور فراخوان یک همبستگی نیست بلکه از آن بوی جدایی فرزندان اسرائیل می‌آید.

ربه مناخیم شنیرسون، ربه فقید خباد این دوران نیز بر اساس فهم و درک خود از عقاید تورات و بزرگان پیش از خود و با توجه به شرایط دورانی که در آن می‌زیست و بر خلاف روش مذهبیونی که کسانی که رفتاری چون آنان ندارند را از خود دور نگاه می‌داشتند و دارند روشی متفاوت را برگزید.

او آغوش خود را بر تمام یهودیان، خارج از میزان رفتار مذهبیشان گشود و با ایجاد یک شبکه منظم و اصولی در اکناف نقاط جهان فرزندان کسی که از داشتن فرزند محروم بود به پاسداری تورا - حفظ و آموزش آن بصورت عمیق و گسترده بخصوص در میان نسل جوان جامعه دنیا مشغولند. هزاران کنیسا و مؤسسهٔ آموزشی از هنگ کنگ تا هاوایی از روسیه تا کوچکترین دهکده‌های ایالات میانه آمریکا باز کرده‌اند. ولی البته ما بنا به مقتضیات شرقی‌مان **فقط شعار می‌دهیم و دستور صادر می‌کنیم.**

مادهٔ ۵ منشور: با حافظ موافقم که می‌گوید: **کفر است در این مذهب خودبینی و خود رأیی.** آیا واقعاً ما بایستی به یک ولایت فقیه دیگر گردن بگذاریم؟ آیا ما هم چون مسلمین به جایی رسیده‌ایم که یک نفر، یک انسان دیگر برای ما فتوا صادر کند؟

قبلاً هم نوشتم در دین یهود حتی خداوند حرف آخر را نمی‌زند - پس چطور یک انسان می‌تواند حرف آخر را بزند؟ این بردگی را پذیرفتن یعنی خدایی که یهودیت به دنیا شناسانده را به دور انداختن. **دین یهود دین تحمیق نیست، دین تطبیق است.** فرهنگ و ذهنیت بردگی مذهبی از آن یهودیان نیست.

ربای یوحانان بن زکای بخاطر شرایط دوران مراسم **Sota** را از میان برداشت. وگرنه حالا شما هم مجبور بودید در این دوران و زمان به زنی متهم به خیانت همسرش معجونی را بخورانید که با قدرت معجزه آسای آن اگر زن مجرم بود شکمش باد کند و بمیرد و اگر مجرم نبود بلایی سرش نیاید!!

وقتی می‌گویید «رهنمودهای معظم‌الله در **همه سطوح** نافذ - معتبر و برای ما **واجب‌الاجرا است**» یعنی انسانی چون من که فهم دارد - شعور دارد - قلب دارد و پاره‌ای از وجود خداوند است - تمام شئونات زندگی خود را در اختیار یک انسان دیگری چون خودش بگذارد تا برایش تصمیم بگیرد که چه بخورد یا چه بنوشد و چگونه زندگی کند و کجا حق دفن شدن داشته باشد؟

بعل شم طوو می‌گفت: «**مهم نیست که هر روز چه تعداد از فرامین تورا را اجرا کنید بلکه با چه روحیه و ذهنیتی از آن‌ها پیروی می‌کنیم مهم است**». آیا مقصودتان از این ربای اعظم که دستوراتش واجب‌الاجرا است **ربای بخشی دوران** است؟ آیا ایشان همان شخصیتی است که گفته هر کسی یک ربای ریفورم را نابود کند چون ایساخار

دُکتر فَرداد فروزانْ‌پور متخصّص جرّاحی عمومی - فوق تخصّص جرّاحی زیبائی

Dr. Fardad Forouzanpour
Cosmetic and General Surgery
435 North Roxbury Drive,
Suite 405
Beverly Hills, CA 90210
Phone: (310) 247-8577
Fax: (310) 247 - 9732

4937 Las Virgenes Road,
Suite 104
Calabasas, CA. 91302
Phone: (818) 880-0799
Fax: (818) 880 - 6689
FINANGING AVAILABLE

. Face & Neck Lift, Eyelid Surgery
. Eyebrow & Forehead Lift
. Breast Augmentation, Reduction & Lift
. Body Liposuction Sculpturing & Tummy Tuck
. Cosmetic Nose Surgery
. Chin & Cheek Implants
. Collagen & Fat Injections
. Botox Injections
. Chemical Peel & Laser Resurfacing
. Surgery for Cancer of the Breast, GI Tract & Skin
. Repair of Hernias & Hemorrhoids

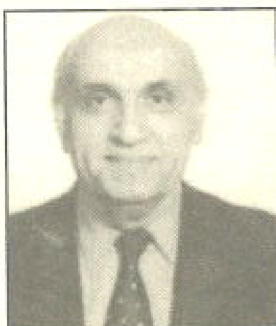
کشیدن صورت، گردن و پلک چشم
جرّاحی ابرو و پیشانی
بزرگ کردن، کوچک کردن و بالا بردن سینه
برداشتن چربی اضافی و جرّاحی شکم
جرّاحی زیبایی بینی
جرّاحی و بزرگ کردن چانه و گونه
تزریق کولیژن
تزریق BOTOX
پیل شیمیایی و لیزری
جرّاحی سرطانهای پستان، دستگاه گوارشی و پوست
جرّاحی فتق و بواسیر

خدمات مالی کمپانی مورگیج استور

وام مسکن شما در شرکت ما عمل شده و پرداخت خواهد شد

ایرج اسحقیان

مشاور در امور وام



وامهای
*** مسکن * ساختمان**
***شاپینگ سنتر * بیزینس**
***آپارتمان بیلدینگ**
***آفیس بیلدینگ**
و سایر وامها برای اکثر نقاط آمریکا

(310) 300 - 4444 EXT 137
PGR (310) 239 - 8700

هفت روز هفته

(800) 900 5626 EXT 137

دوران حضرت مُشه گناهی مرتکب نشده ـ قهرمان و شایسته بهشت است؟ و بعد در برابر سیل اعتراضات جهانی گفت این حرف را نزده‌ام. این است درک او از تعلیمات انسانی تورا؟

و یا شاید این ربای اعظم که قرار است ولایت فقیه ما در یهودیت باشد کسی جز **عوبدیا یوسف** نیست که گفته بود به امید خدا وقتی حزب شاس و مذهبیون طرفداران آن که دارند کم‌کم در اسرائیل و سیاست آن قدرت خود را افزایش می‌دهند) رهبری دولت را به عهده گرفتند کسانی که در اسرائیل سیگار می‌کشند را در ملاء عام شلاق خواهند زد!!

و آیا آن مقامات اعظم که دستوراتشان در **«تمام سطوح نافذ و قابل اجرا است»** می‌دانند که ربای داوید شوفط و پدرشان اجازه می‌دهند که در روز شبات کارمندان پارکینگ کنیسای نصخ، ماشین شرکت کنندگان در تفیلا را پارک کنند و با این کارشان نه تنها رانندگی در شبات را تقبیح نمی‌کنند بلکه، مسئول ترغیب آنهم هستند. کاری که شما از هیچ ربای کنیسایی حتی در ریفورم‌ترین کنیساهای این مملکت نمی‌بینید.

پس دستورات این مقامات اعظم برای ما واجب‌الاجراست و نه برای شما؟

مادهٔ ۶ منشور: باز هم که تشریفات دین یهود بیشتر از راه چاره مشکلات جامعه برایتان اهمیت دارد. باز هم که بزرگان علمای سفارادی هر جور که **قوانین ازدواج و طلاق را تفسیر، تعبیر و تعیین می‌کنند واجب الاجراست!**

ولی راه چاره چیست؟ چرا این همه ازدواج مختلط داریم؟ چرا اسمیلاسیون و انحلال یهودیت غوغا می‌کند؟ چرا پسرانمان سرافکنده و مستأصل به سن ۵۰ و بالای ۵۰ می‌رسند و از ازدواج دوری می‌کنند؟ چرا دخترانمان مسن و مسن‌تر می‌شوند و ازدواج نمی‌کنند؟ چرا طلاق، این بلای خانمانسوز دارد چون سرطان این جامعه را از پا می‌اندازد

و بچه‌هایمان برای اولین بار در طول تاریخ جامعه‌مان دارند بدون پدر و یا مادر بزرگ می‌شوند و بار سنگین و مهلک این آموزش ناکافی خدا می‌داند چه به سر آیندهٔ ما خواهد آورد.

ما در خانه‌هایمان با خشونت‌های خانوادگی روبرو هستیم آینده روحی این بچه‌ها و این خانواده‌ها چه خواهد شد؟ برنامه‌ای این مقامات اعظم!! دارند و یا شما دارید؟ یا فقط به فکر چگونگی اجرای مراسم عروسی و عزا هستید؟

باور کنید من بخاطر کارهای اجتماعی (بدون دستمزد مالی) خودم با این جوانان و با جامعه (طیفهای مذهبی و غیر مذهبی) زیاد بحث می‌کنم. **نسل امروز نمی‌پرسد چگونه بلکه می‌پرسد چرا؟** جوان امروز می‌خواهد بداند برای چه باید یهودی بود نه آنکه چگونه مراسم و تشریفات آن را طبق دستور یک نفر در اسرائیل و یا اینجا اجرا کند که می‌ترسم، می‌ترسم اگر به او راه بدهیم بیرون آمدن خورشید را هم کار خودش بداند. از شماها می‌پرسم اگر این دستورات واجب‌الاجراست پس چرا ربای داوید شوفط فرزندان کسانی که توسط رباهایی که از نظر این مقامات مورد قبول نیستند ازدواج کرده‌اند را «میلا» می‌کنند؟

حاخامیم عزیز:

به جوانان دستور ندهید، دلیل ماندن بدهید. کمک کنید تا بفهمند که انسانیت در وجودشان شکل پذیر است. باید کمک کنیم تا این جوان بفهمد که تنها از این راه انسانی با ارزش می‌تواند باشد و می‌تواند و نیاز دارد که این انسانیت را در درون خود شکل بدهد. کمک کنیم تا دلیل این شکل پذیری را درک کند.

در تلمود می‌خوانیم: «**خوش آن جامعه‌ای که بلند پایگان آن به سخنان زیردستان گوش فرا می‌دهند - زیرا که در چنین اجتماعی زیردستان نیز به بزرگان گوش فرا خواهند داد**».

تنها استناد کردن به متون مذهبی نشانه کیفیت لازمه برای مقام مذهبی و عالم بودن نیست.

مدام تکرار نکنید که چه کسی را قبول دارید و چه کسی را قبول ندارید و بدتر از آن اینکه دو استاندارد نداشته باشید. **مدام تکرار نکنید** که چه کسانی «رهبر مذهبی و تعیین کننده راه و روش دینی» می‌توانند باشند یا نباشند. رهبری یعنی چه؟ **سرمشق باشید.** مثل معلم یک ورزشکار تربیت بدنی "GYM" که امروزه خیلی‌ها به آنجا می‌روند. کجا دیده‌اید که کسی بخواهد برود ورزش بکند اگر معلم ورزش آنجا سیگار بکشد. بدنی نحیف یا بدترکیب داشته باشد - مردم را از راه ترس و یا تحکم و زور و تهدید و قهر و تحقیر و سرزنش به طرف ورزش و ورزشگاه بیاورد؟

مردم به GYM می‌روند که شبیه معلم آنجا بشوند، مردم به کنیسا می‌آیند که از لحاظ روحانی شبیه معلم خود بشوند. معلمی که از راه خوشرویی و دوستی - مهر - محبت خود الگویی از آنچه است که می‌گوید بشوند نه کسی که دایم و تنها در این فکر است بر تمام شئونات و نکات زندگی شما دخالت کند و هیچ احساس فردی به شما نداشته باشد. به مردم نزدیک شوید تا مثل مربی ورزش خصوصی - دکتر خانوادگی و وکیل خانوادگی - **ربای خانوادگی** داشته باشند که با او درد دل کنند و از او راه چاره بخواهند. پیشنهاد می‌کنم کلمات «**می‌باید**» را از

خبری از انجمن پزشکان ایرانی

انجمن پزشکان ایرانی به استقبال نوروز می‌رود.

بدینوسیله به آگاهی کلیه پزشکان و رشته‌های وابسته پزشکی می‌رساند

که انجمن پزشکان ایرانی جشن نوروز ۱۳۷۹ را روز

یکشنبه ۱۹ مارچ ۲۰۰۰ از ساعت ۷ بعدازظهر تا یک بامداد در هتل معروف

بورلی ویلشر با حضور خواننده مشهور مارتیک برگزار می‌نماید.

از همکاران پزشک، دندانپزشک و رشته‌های وابسته تمنا دارد

برای دریافت کارت ورودی با تلفن شمار ۴۵۸۱ - ۴۶۶ (۳۲۳) با

دفتر انجمن تماس حاصل فرمایند.

منشورتان در آورید و به جای آن بگویید **شایسته است.** اگر واقعاً «**اتحاد، اتفاق، همبستگی، صلح و صفا و صمیمیت و برای یکدیگر نقطه اتکاء و دوستی بودن**» را در همانطور که در مادهٔ ۱۲ اعلام کرده‌اید هدف شما می‌باشد - احتیاج به ایجاد یک رابطه دارید. یک رابطه مثبت و سازنده بین خودتان و خوانندگان منشورتان. این رابطه بجز آنکه بر اساس احترام متقابل باشد برقرار نمی‌ماند. بر اساس حکم شما و اجرای بی چون و چرای من و ما برقرار نمی‌ماند.

اگر من باید آن کسی بشوم که شما می‌خواهید تا مرا قبول داشته باشید، پس شما مرا دوست ندارید خودتان را دوست دارید.

از آنجا که شما زیر این منشور را امضاء کرده‌اید پس حتماً اعتقاد کامل دارید به آنچه نوشته‌اید. پس بگذارید من هم با این نوشته با تمام شما حرف بزنم.

آقایان حاخام یدیدیا شوفط - یهوشوع نتن‌الی - اسحق بعلنث - اوریئل داویدی و راب داوید شوفط به شما پیشنهاد می‌کنم برای خاطر جامعه‌ای بهتر - به خاطر اجدادمان و کسانی که پس از ما می‌آیند به این حرفها گوش کنید.

من اعتقاد دارم که وجود یک ربای می‌تواند برای جامعه مفیدتر باشد تا یک فیلمساز هالیوودی. و آیا براستی ما کدام یک را به عنوان معلم فرزندانمان انتخاب خواهیم کرد؟ ما در اینجا رباهای خوب و باگذشت ایرانی الاصل هم داریم.

اما من و پدرانی چون من برده کسی نمی‌شویم. ما می‌خواهیم شما به ما سرایت کنید. مثل یک عطر خوش، مثل یک خاطرهٔ زیبا، مثل یک دیدار عاشقانه روح ما را گرم کنید - احساس خوشایندی روح و جان ما را، دیدار شما، پر کند.

در یک کتابخانه هم کتاب پر است. متون مذهبی را دانستن و تکرار کردن از شما سرمشقی که ما دنبالش هستیم را به ما نمی‌دهد.

۱ - با مردم سر صحبت را باز کنید - هر چند نفرتان با هم، ماهی یکبار در یک جلسه گردهمایی بنشینید و حرف مردمی را که شاید با شما حتی هم عقیده نیستند را بشنوید با آنها بحث کنید.

اگر عاشقید، خطر کنید. چرا که به قول «**حلاج**»: **عشق وقتی به امن و امان می‌رسد که با خطری روبروی گردد.**

بیایید با هم بچه‌ها را به خانه برگردانیم، بیایید به جای فتوا دادن، خلاق باشیم، ابتکار به خرج بدهیم، به خواسته‌های آنان حساسیت نشان دهیم - گذشت داشته باشیم و خودمان و وقت‌مان را ایثار کنیم - تحمل و درک و گاه قبول عقاید طرف مقابل، شجاعت، صداقت و آینده‌نگری می‌خواهد. این گونه باشیم.

۲ - برنامه‌ای برای مقابله با معضلات اجتماعی بریزیم، با گروه‌ها و سازمانهای اجتماعی همکاری کنید تا این بار به مقصد برسد.

۳ - دست به انتشار افکار و عقاید خود بزنید، تا ننویسید عیب و هنرتان نهفته است. بنویسید بگذارید مردم عیب و هنرتان را بدانند. این کار هم شما را انسانهای کاملتری می‌کند و انتخاب ما را هم آسانتر.

۴ - در هیئت ربانوت عقایدتان را یکی کنید - دست به یک خانه تکانی بزنید - در پی چاره پیدا کردن و نه در پی پاره کردن باشید. اول خودتان یکدست فکر کنید و مهم‌تر اینکه تمامتان به حرف‌هایتان عمل کنید.

۵ - اگر در فکر جوانانید. ازدواج و طلاق شما را دل نگران کرده. اگر از فرار و بی تفاوتی جوانان می‌ترسید. قرار بگذارید که در این جامعه پول زده، وبازده، خودتان دنبال مادیات نروید. برای مراسم عروسی و ختم و ختنه کنان که میتصوا است و نباید پولی گرفت از مردم پول نگیرید همانطوری که گویا ربای بعلنث و ربای زرگری نمی‌گیرند. باور کنید درسی که از این راه به مردم می‌دهید بسیار با ارزش است. جوانان می‌فهمند که تمام ارزشهای دنیا پول نیست و رابطه روحانی‌ای وجود دارد که اگر از هر کجا سر خوردند به آنجا رو بیاورند. من ضمانت می‌کنم که جامعه نیز در ازای این حرکت شایسته جوابگوی نیازهای مادی سرمشقهای مذهبی خود خواهد بود.

فاجعه ازدواج و طلاق جامعه بخاطر خرجهای سرسام‌آور و مسابقه مالی بین اکثر آدمهای فاقد حس اعتماد و تازه به دوران

EDEN MEMORIAL PARK

11500 Sepulveda Blvd., Missionhills

برای خود و بازماندگانتان آرامش خاطر بخرید.

ژاک پوگاش

در خدمت جامعه یهودیان ایرانی

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ژاک پوگاش Jacques Pougatsch با تلفن ۷۱۶۱ - ۴۴۱ - ۸۰۰

و یا با نازی با تلفن ۶۹۶۳ - ۴۷۳ (۳۱۰) تماس حاصل فرمائید.

رسیده است. قرار بگذارید همانطور که اگر غذا کاشر نبود به میهمانی نمی‌روید و براحتا نمی‌گویید حد نصابی برای خرج عروسی بگذارید در عروسیهای بسیار پر خرج شرکت نکنید. باور کنید ازدواجها بیشتر و با دوام‌تر خواهند شد و جوانانمان می‌توانند این خرج زائد را سرمایه تحصیل همان بچه‌هایی بکنند که تحصیلات یهودی ندارند (شاید بخاطر اینکه خانواده‌شان هنوز دارند قسط عروسی می‌دهند).

۷ - از کسی که در کنیسای شما آمده و ماشینش را برایش پارک کرده‌اید پول براخای تورا نگیرید.

۸ - از دادن شعار بپرهیزید. نگویید فلان حاخام ۷۰ سال به ارشاد مردم مشغول بوده اینها شعار است واقعیت ندارد مردم ممکن است به این شعارها گوش بدهند ولی وقتی **دیدند** ثمره این ارشادها جز تحلیل دین و فرار از مذهب و پای بندی سست به قوانین نیست **وقتی می‌بینند** که این فرد حتی یک مقاله نمی‌نویسد که مبادا حد سوادش معلوم شود. **وقتی می‌بینید** که تا به حال هیچ شاگردی توسط او تربیت نشده - مدرسه‌ای ایجاد نکرده - شجاعت لازمه برای پایمردی در اجرای قوانین تورا را نداشته و ندارد و هر جا باد می‌آمده طرف باد را گرفته از دین سر می‌خورند - آن وقت است که فقط همان کسانی که مقام مذهبی‌ای را می‌خواهند که حرف دل آنان را بزند دورش می‌مانند ولی یک نسل بعد از ۲۰ سال دوری از ایران اینگونه بی تفاوت می‌شود. از هم می‌پاشد و از بین می‌رود. این جنایت روحانی است این خیانتی روحانی است که به بزرگداشت کسانی بنشینیم که فاقد بزرگی‌اند. این حرکت شایسته متملقین و چاپلوسان است. کسانی که آبرویی هم در جامعه ندارند. شما چنین نباشید - خوب باشید مردم بی تفاوت نمی‌شوند.

۹ - کسانی که بخاطر ضعف جسمی - زبان انگلیسی، آشنایی به محیط و فاقد درک انعطاف پذیری فرهنگی امروزه‌اند را بازنشسته کنید. خواستید فقط با آنان مشورت کنید. به فکر ارزشهای خوب باشید و آنچه که برای جامعه مفیدتر است. به آن ارزشها عمل کنید مردم را در کنار خود خواهید داشت.

۱۰ - ما در سازمان سیامک حاضریم در مخارج تشکیل کلاسهای بحث‌های دینی و روحانی در مدارس و دانشگاهها با شما همکاری کنیم تا جوانانمان با نفس زیبا و ارزشهای یهودیت آشنا شوند.

صفحات این نشریه در اختیار و منتظر جواب شماست. □

شالم

همه با هم در راه هدف مقدس سازمان آرم به پیکار برخیزیم و حمایت از آنرا وظیفه خود بدانیم.

تلفن: ۲۰۶۴ - ۲۲۲ (۸۱۸)

Sadaf®

شرکت صدف، عرضه کننده محصولات غذائی

با بالاترین کیفیت،

فرا رسیدن ایام پسح را خدمت کلیه

هموطنان کلیمی تبریک می‌گوید.

انواع سبزیجات خشک و ادویه‌جات و همچنین

ادویه هلليق

تحت نظر ربای بوکسپن بسته بندی گردیده است.

انتخاب صدف، انتخاب بهترین‌هاست

www.sadaf.com

پخش در کلیه فروشگاههای ایرانی

دو مقاله پیرامون بحران انحلال اجتماعی

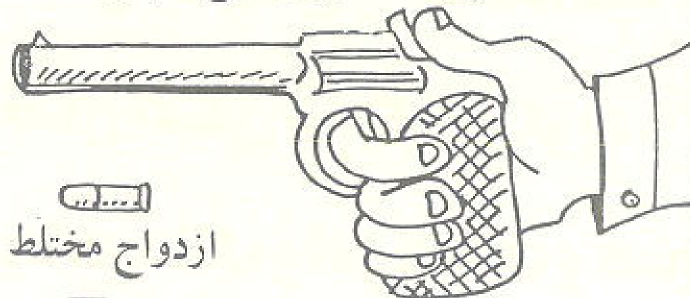
آسیمیلاسیون و یهودیان در آمریکا
برگرفته از: Jewish Times
به قلم: I. M. Atzub *
برگردان: پیمان اخلاقی

نوشتار نخست:

عمر یهودیت آمریکایی به پایان می‌رسد:

June 30, 2025

مرگ این اجتماع که زمانی از انرژی حیاتی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، تکان دهنده خوانده شده است!



توضیح مترجم:
دو مقاله‌ای که در پی می‌آیند، به گونه‌ای طنزآمیز، مسئلهٔ انحلال اجتماعی (assimilation) و در نتیجه از بین رفتن یهودیان آمریکا را در اجتماع آمریکا مطرح می‌کنند. هر دو از یکی از ویژه‌نامه‌های Jewish Times، نشریهٔ ستاد National Jewish Outreach Program برگرفته شده‌اند. تاریخ انتشار نشریه: ۳۰ ژوئن ۲۰۲۵ می‌باشد!

* نام نویسنده استعاری است.
واژهٔ atzub در عبری به معنای «غمگین» می‌باشد.
عبارت را این گونه بخوانید:
I am Atzub
که به معنای «من غمگین هستم» می‌باشد!
م.

دیروز هنگامی که کنگرهٔ ملی یهود، آخرین سازمان عمدهٔ یهودی در آمریکا، درهای خود را بست، تاریخ یهودیت آمریکایی به پایانی تراژیک رسید.

روز جمعه، مارتین استاین برگ، رئیس این سازمان (NJC) اعلام کرد که تا تاریخ سی‌ام ژوئن ۲۰۲۵، این سازمان به فعالیت‌های خود پایان خواهد داد. کنگرهٔ ملی یهود (NJC) هنگامی تشکیل یافت که

جوانهای یهودی سالهای ۹۰









سازمانهای عمدهٔ یهودی که در قرن بیستم شکوفا شدند به عملیات خود پایان دادند و در ساختار یک سازمان ملّی به یکدیگر پیوستند.

ایلان شائین، یک جامعه شناس و متخصّص پیشرو در رابطه با انحلال اجتماعی و ازدواج مختلط، گفت: «کاملاً تکان دهنده است. جامعه شناسان آمریکا مدّتهای طولانی از سقوط زندگی اجتماعی یهودیت آمریکا نگران بوده‌اند، امّا هیچ یک از ما شتاب سرسام‌آور وقوع آن را پیش بینی نمی‌کرد.»

از اوایل دههٔ ۱۹۹۰ شمار بسیاری از سازمانهای یهودی آمریکایی، فعالیت‌های خود را متوقف ساخته‌اند، چراکه اعضای آنان به دوران پیری رسیده بودند و جوانان یهودی از جایگزینی آنان کوتاهی می‌کردند. **استاین برگ**، از NJC، گفت: «ما امیدوار بودیم که به دلیل طبیعت حیاتی کار ما، یهودیان جوان به سوی زندگی سازمانی یهودی جذب شوند.» در میان فعالیت‌هایی که وی بر شمرد، می‌توان از جذب مهاجر به ایالات متحده، پشتیبانی از کشور اسراییل، یادواره‌های هولوکاست، مراقبت از کودکان یهودی، مراقبت از سالمندان، اجتماعات و مرکز فرهنگی یهودی، بیمارستانهای یهودی، و دفاع در برابر فعالیت‌های یهود ستیزانه، نام برد. وی ادامه داد: «ما فکر می‌کردیم که برای جوانان ما چه چیزی می‌تواند والاتر و الهام‌بخش‌تر از این اهداف باشد؟ امّا جوانان یهودی کاملاً تحت تأثیر دلمشغولی‌های آمریکایی قرار گرفته بودند، و عمدتاً نسبتاً به دلمشغولی‌های یهودی بی تفاوت بودند.»

استاین برگ با تأنی و اندوه توصیف کرد که الهام بخشیدن به یهودیان جوان برای مشارکت در تلاش‌های انسان دوستانهٔ یهودی تا چه حدّ مشکل بود. او گفت: «برای این جوانان، بر خلاف والدین و اسلاف آنان، آن **سحر** در میان نبود. به عبارتی ساده‌تر، وسوسه‌های چاپلوسانهٔ آمریکا بیش از حدّ بزرگ بودند، و دلمشغولی‌های یهودی حتی نمی‌توانستند شروع به رقابت با مجریان اصلی فرهنگ آمریکا کنند.»

* تقصیر از چه کسی است؟

استاین برگ از اشاره به کسی و یا نسبت دادن سرزنش خودداری کرد. اما با اشاره به مطالعات همه جا حاضر زندگی یهودیت آمریکایی، که در طول نیمهٔ آخر قرن بیستم صورت گرفتند، وی تذکر داد که «مثل روز روشن بود که چرا یهودیان جوان خود را از دست می‌دادیم. به سادگی، بیشتر یهودیان جوان هرگز تجربهٔ یهودی مثبتی نداشتند که آنان را نسبت به هویت یهودی ایشان به هیجان آورد. به علاوه، آنان مطلقاً دربارهٔ یهودیت خود بی اطلاع بودند. آنان حقیقتاً هرگز شانسی برای بقا به عنوان یک یهودی نداشتند.»

استاین پیشنهاد کرد که در حالی که رهبران یهودی آمریکایی به خوبی از سرخوردگی جوانان آگاه بودند، به نظر می‌رسید که بیشتر سازمانهای عمدهٔ یهودی بی علاقه و یا ناتوان بودند که در راه رفع آن قدمی بردارند. او گفت: «ما اغلب نیاز برای الهام بخشیدن به یهودیان جوان در آمریکا را مورد بحث قرار می‌دادیم، امّا هر بار که به طور جدی طرحی را برای دسترسی و استقبال از یهودیان دلسرد و بی ارتباط با اجتماعی یهودی در اینجا را در نظر می‌گرفتیم، همیشه با نیازهای یهودیان در جاهای دیگر منحرف می‌شدیم. همواره یک بحران وجود داشت - جنگی در اسراییل، مهاجرت معجزه‌آسا از روسیه، نجات یهودیان از اتیوپی و سوریه... - که توجه ما و منابع ما را معطوف به خود می‌کرد. هنگامی که ما دریافتیم که نسلی کامل از یهودیان جوان ارتباطی اندک و یا تقریباً صفری با زندگی یهودی دارند، دیگر خیلی دیر شده بود که بتوان آنان را باز گرداند.»

* قربانیان موفقیّت

یهودیان آمریکا، نخست در سال ۱۶۵۴ در آمریکای شمالی ساکن شدند، و یکی از چشمگیرترین و موفق‌ترین اجتماعات را به وجود آوردند. بیشتر مهاجرین یهودی اولیه سفارادی بودند، که در مراکز شهرنشینی عمده ساکن شدند. حیثم سالومون، سرمایه‌دار «جنگ انقلاب»، یکی از نخستین قهرمانان ملی آمریکا بود. بعدها، مهاجران یهودی - آلمانی برخی از معتبرترین و محترم‌ترین

نهادهای آمریکا را بنیاد نهادند: [خانواده‌ها و مؤسسات] واربرگ، سلیگمان، لهمان، لوبس، اشتراوس، و گوگنهایم. امّا زندگی یهودی در آمریکا حقیقتاً پس از جنگ دوم جهانی به شکوفایی عصر طلایی خود رسید، هنگامی که یهودیان اروپای شرقی و فرزندان آنان آغاز به ایفای نقش‌های عمده در تمامی صحنه‌های نبرد در زندگی آمریکایی کردند. علوم، طب، حقوق، ادبیات، اقتصاد، آموزش، سیاست. بیش از ۲۵ درصد برندگان آمریکایی جایزهٔ نوبل، یهودی بودند. در حقیقت، مضمونی که در بیشتر موارد توسط دانش پژوهان جامعه شناسی یهودیت آمریکایی تکرار می‌شود این است که یهودیان آمریکا قربانیان موفقیت خود شدند.

در حالی که هنوز گروه‌های کوچکی از زندگی یهودی ارتدوکس در برخی از نواحی شهرنشین عمده به بقای خود ادامه می‌دهند، امسال، سال ۲۰۲۵، و بسته شدن کنگرهٔ ملّی یهود، بی شک به عنوان پایان تاریخی زندگی اجتماعی یهودی در آمریکا تصدیق خواهد شد. □



نوشتار دوم:

یهودیت رو به مرگ

مقاله‌ای تحقیقی

June 30, 2025

به قلم: حیئم خوربان *
برگردان: پیمان اخلاقی

*** نام نویسنده استعاری است. «خئیم» در زبان عبری به معنای «زندگی» و «خوربان» به معنای نابود شده است. عبارت را این گونه بخوانید: «زندگیِ ویران شده»!**

دانش پژوهان، زندگی یهودیت آمریکایی، در سراسر دنیا، از خود می‌پرسند: چگونه اتفاق افتاد؟ رهبریت یهودیت آمریکا در کجای کار اشتباه کرد؟ چگونه شد که یکی از بزرگترین اجتماعات یهودی در تمامی اعصار به پایانی چنین پر شتاب، نفس‌گیر، و اندوهبار دچار شد؟

کمتر از ۵۰ سال پیش، اجتماع یهودیت آمریکا به دختران و پسران برجسته‌اش افتخار می‌کرد: **هنری کیسینجر، باربارا استرایساند، پارل سایمون، استیون اسپیلبرگ، وودی آلن، باربارا والترز، آرتور گولابرگ، ادکاچ،** و حتی یک سناتور یهودی ارتدوکس به نام **ژوزف لیبرمن**، امّا امروز، با بسته شدن کنگرهٔ ملّی یهود، زندگی سازمان یافتهٔ یهودیت آمریکایی پایان می‌یابد. همراه آن بنی بریت‌ها، هداساها، هیأت رفاه یهودی، و حتی **The United Jewish Appeal**، نیز از میان خواهند رفت.

باربارا فریدمان، استاد مطالعات یهودیت امروزین در دانشگاه براندیس تا هنگام تعطیل آن در سال ۲۰۱۵، می‌گوید: «ما قادر بودیم که به گونه‌ای مؤثر نزول زندگی یهودی در آمریکا را ثبت کنیم، امّا به نظر می‌رسید که قادر نبودیم کاری برایش بکنیم. در سال ۱۹۷۷، هنگامی که الیهو برگمن، از مرکز مطالعات جمعیت در دانشگاه هاروارد، پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۷۶ بیش از ۱,۰۰۰,۰۰۰ (یک میلیون)، و محتملاً تا حداقل ۱۰۰,۰۰۰ (صد هزار) یهودی در آمریکا، باقی نخواهد ماند، این پژوهش مورد تمسخر قرار گرفت. امّا اینک واضح است که پیش‌بینی و تحلیل آماری او صرفاً بیش از حدّ درست بوده‌اند.» حتی سالها پیش، در سال

۱۹۹۰، تحقیقات نشان دادند که ۶۰۰،۰۰۰ یهودی آمریکایی، دقیقاً ۱۰ درصد جمعیت این کشور، به نگهداری مذاهبی غیر از یهودیت می‌پردازند. خانم فریدمان محاسبه می‌کند که در حال حاضر (سال ۲۰۲۵، م.) کمتر از نیم میلیون یهودی که خود را یهودی



می‌شناسد در آمریکا باقی مانده‌اند، که این شمار نیز به سرعت رو به کاهش دارد.

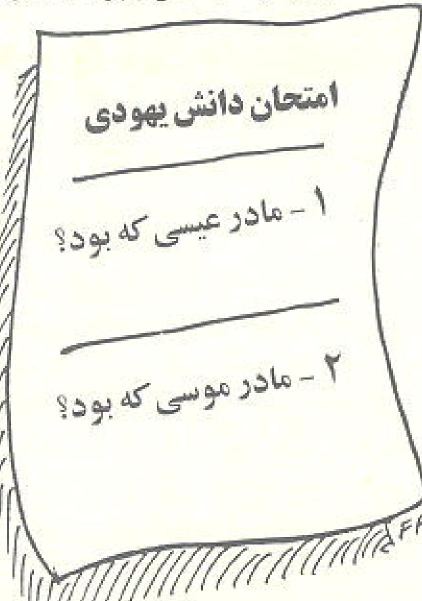
❊ علل فروپاش

دانش پژوهانِ زندگی یهودیت آمریکایی به شدت در جستجوی علل فروپاشی این اجتماع هستند که زمانی بیشتر از انرژی حیاتی فوق‌العاده‌ای بهره‌مند بود. بیشتر دانش‌پژوهان می‌گویند که ممکن نیست بتوان صرفاً روی یک نقطهٔ عطف به عنوان «آخرین میخ تابوت» برای یهودیت آمریکا انگشت گذارد.

یکی از جامعه شناسان مهم یهودی آمریکایی به نام استفان ال. کاهان، گفت: «این نه صرفاً یک واقعهٔ بزرگ، بلکه تأثیر مشترک وقایعی کوچک بود، که هر یک به انهدام نهایی زندگی یهودی در آمریکا کمک کردند. این تصمیم دانشگاه براندیس مبنی بر این که در کافه تریا گوشت خوک و میگو ارایه کند، یا پافشاری USJES برای حفظ یکی از مدیرانش که خود ازدواج مختلط کرده بود برای رهبری بنیاد کِبیر در این مؤسسه و یا تصمیم جنبش ریفورم برای به رسمیت شناختن انتقال هویت یهودی از طرف پدری، نبود که بر سرنوشت یهودیت آمریکای مهر نهایی را گذاشت. امّا هنگامی که همه را کنار هم می‌گذارید، و آن را ضرب در هزاران تصمیم افراد اجتماعات یهودی می‌کنید، می‌بینید که به گونه‌ای به تدریج تنهٔ سنت یهودی را خوردند - **این یکی بود** افول نهایی زندگی یهودی در آمریکا را قطعی کرد.»

در حالی که بیشتر دانش پژوهان زندگی یهودیت آمریکایی، با به اصطلاح «تئوری اضمحلالی» به عنوان علت نزول یهودیت آمریکایی موافق هستند، آنان اغلب بر دو عامل که به ویژه به این امر یاری رسانده‌اند، به طور اخصّ انگشت می‌گذارند: **انحراف مسیر منابع مالی به دیگر مقاصد مهم. و فقدان تحصیلات یهودی** که به کاهش ارزش یهودیت در سطحی گسترده منجر شد.

هال سونن شاین، رئیس اداری کنفرانس رؤسای نهادهای عمدهٔ یهودی، که در سال ۲۰۱۷ درهای خود را بست، گفت: «درست مثل داستان کفاشی است که بچه‌های خودش کفش نداشتند. ما بیلیونها بیلیون دلار برای دولت اسراییل، رفاه اجتماعی یهود، اسکان


امتحان دانش یهودی

۱ - مادر عیسی که بود؟

۲ - مادر موسی که بود؟

یهودیان شوروی، و نجات یهودیان اتیوپی و سوریه، جمع آوری می‌کردیم. در حالی که ما تلاش‌هایی فوق‌العاده را مصروف برادران و خواهرانمان در اقصی نقاط دنیا کردیم، به گونه‌ای مؤثر پسران و دختران خود را در آمریکا ترک کردیم.» سونن شاین اشاره کرد که شکی نیست که برای کوشش‌های نجات در سطح جهان، منابع مالی به شدت مورد نیاز بودند. اما یهودیان آمریکا، به گونه‌ای، تمرکز و واقع بینی را از دست دادند و از تثبیت اولویت‌های مناسب برای تضمین آیندهٔ یهودیت آمریکا کوتاهی کردند. سونن شاین اظهار می‌کند که در نتیجه هنگامی که آخرین نسل از انسان دوستان یهودی سنّتی، که هر ساله میلیونها دلار به UJA کمک می‌کردند، در اواخر ۱۹۹۰ دار فانی را وداع گفتند، هیچ یک از کودکان آنان تمایلی نداشتند که سنّت انسان دوستانهٔ یهودی خانوادهٔ خود را ادامه دهند.

سونن شاین اشاره می‌کند که به گونه‌ای کنایه‌آمیز، اجتماع یهودی چنان که سنّت یهودی می‌گوید: «از این نیمه طاس ماند، و از آن نیمه هم کچل»، چرا که دیگر نه پولی برای پرورش نسل بعدی اهداکنندگان از این سو، و نه پولی برای نجات یهودی و پشتیبانی از اسراییل از سوی دیگر باقی مانده بود. او می‌گوید: «اگر ما آن موقع آن چه را که اکنون می‌دانیم (سال ۲۰۲۵، م.) می‌دانستیم، یک سری فعالیت‌های گستردهٔ اضطراری را اعلام می‌کردیم تا برای آموزش عمیق و گستردهٔ یهودیان جوان و برای پرورش هویت یهودی سرمایهٔ کافی جمع آوری کنیم.»

❊ نزول تحصیلات یهودی

جلد پایانی نشریهٔ **Commenting** ، که انتشار آن در پاییز ۲۰۱۰ متوقف شد، خطابهٔ وداع جیسون بوچر، رئیس اداری خدمات آموزشی ایالات متحده (USJES) را ثبت کرده است. دکتر بوچر، با وضوحی افسرده کننده افول تحصیلات یهودی آمریکایی را به خاطر می‌آورد: «در همان سال ۱۹۹۰ آشکار بود که بنیاد تحصیلات یهودی آمریکایی تلوتلو می‌خورد. در ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۰، شمار کودکانی که در کلاس‌های عبری بعدازظهر و مدارس یکشنبه ثبت نام می‌کردند دچار نزول

ناگهانی ۳۰۰,۰۰۰ نفر شد، امّا این مسئله هرگز به «پرونده‌ای در مرکز توجه تبدیل نشد. یک دوجین راهبهٔ کارملی در آشویتس صومعه‌ای گشودند، و به گونه‌ای طعن‌آمیز، این مسئله هفته‌ها در صفحهٔ اول اخبار جای داشت، و سالها موردی برای دلمشغولی‌های اجتماعی یهود شد. امّا تحصیلات یهودی عمیق و گسترده صرفاً نمی‌توانست واکنشی جدی از سوی رهبران یهودیت آمریکا را برانگیزد. آنان اساساً این بحرانِ تاریخی را در تحصیلات یهودی نادیده می‌گرفتند. رهبران فدراسیون‌ها اغلب با چرب زبانی دربارهٔ تحصیلات یهودی صحبت می‌کردند: «ابر بنیاد مالی!»، «بزرگ بنیاد مالی!» همه گونه تبلیغ و



مبالغه! امّا حتی بزرگترین فدراسیون آمریکا، یعنی فدراسیون ناحیهٔ نیویورک، تنها به میزان **۹۰/۶۰ دلار در سال برای هر کودک** به تحصیلات یهودی کمک کرد. و این زمانی در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ بود، هنگامی که فدراسیون نیویورک ارقام بی سابقه‌ای از کمک‌های مالی را جمع‌آوری می‌کرد! آقا و خانم گروس برای تغییر این وضع دلیرانه به نبرد برخواستند. امّا بدون پشتیبانی عمومی رهبری اجتماعی، حتی صدها گروس نیز نمی‌توانستند تغییری ایجاد کنند.»

✻ انکار در سطح رهبری

در تحلیل نهایی، بهترین شیوه برای توصیف اجتماع یهودی آمریکایی در دوران‌های آخر خود این است: «اجتماعی که راه خود را گم کرد.» رهبری یهودی صرفاً از پذیرش گزارش‌هایی که اظهار می‌کردند اجتماعی یهودی دچار بیماری مرگباری شده است، امتناع می‌کردند. انکار شایع بود، طعن‌آمیز است که تنها کاری که یک نفر بایست می‌کرد این بود که ستونهای روزهای یکشنبه و دوشنبهٔ نشریات را باز کند تا به وضوح ببیند که چه اتفاقی می‌افتاد. رهبران یهودی، بی هیچ گونه شرمساری، ازدواج‌های مختلط فرزندان خود را در صفحات اجتماعی **نیویورک تایمز** اعلام می‌کردند. حتی متخصصین هولوکاست و مدیران موزه‌های یادبود هولوکاست آشکارا ازدواج فرزندان خود را در کلیساها اطلاع می‌دادند. به طعنی که در این وضعیت بود اعتراف نمی‌شود. سازمانهای یهودی مرتباً آمار معیوب بودن اجتماعی یهودی را «پاکسازی» می‌کردند. چارلز سیلبرمن و دیگر جامعه شناسان یهودی از «دوران طلایی» زندگی یهودیت آمریکا سخن می‌گفتند. امّا هنگامی که در سال ۱۹۹۰ در نیویورک تایمز، بطور همگانی اعلام شد که ۶۰۰,۰۰۰ یهودی آمریکایی به خارج از یهودیت گرویده‌اند، مطلقاً هیچ واکنشی وجود نداشت. گزارش مطالعات جمعیت یهودی آمریکای شمالی مبنی بر این که یک میلیون کودک یهودی آمریکایی به عنوان غیر یهودی و یا بدون هیچ مذهبی بزرگ می‌شوند، عملاً و حقیقتاً نادیده گرفته



شد.

رهبریت این اجتماع در اواخر قرن بیستم یک رهبریت انکار بود. این اجتماعی بود که بر پایهٔ بی سوادی بنیاد گذاشته شده بود، و توسط انسانهای خوش نیتی که تحصیلات پایهٔ یهودی اندکی داشتند هدایت می‌شد. در طول ۳,۳۰۰ سال تاریخ یهود حتی یک اجتماع یهودی نیز نتوانست در چالش با بی سوادی یهودی دوام آورد. یهودیان آمریکایی تصور کردند که می‌توانند بر آن سابقه فائق آیند، امّا متأسفانه، تاریخ تکرار شد. دوران طلایی یهودیت آمریکا به راهی رفت که دوران طلایی یهودیت اسپانیا رفته بود. امّا بر خلاف اسپانیا، این یهودیت آمریکا بود که خود را به دست خویش ویران کرد. □

> **«ما بیلیونها دلار...برای دولت اسرایل، برای اسکان و نجات یهودیان و...جمع‌آوری می‌کردیم، در حالی که به گونه‌ای مؤثر، پسران و دختران خود را در آمریکا ترک کردیم.»**

(✻ نام نویسنده استعاری است. واژهٔ Atzuu در عبری به معنای «غمگین» می‌باشد. عبارت را این گونه بخوانید:
I Am Atzuu ، که به معنای «من غمگین هستم» می‌باشد! م.)

✻ نام نویسنده استعاری است. «حیئم» در زبان عبری به معنای «زندگی» و «خوربان» به معنای «ویران شده» است. عبارت را این گونه بخوانید «زندگیِ ویران شده»!

کامل بین دو زوج وجود آید. هر یک دارای وظایف و مسئولیتهای خاص خود است. و طرفین با حفظ احترام این مرز نه تنها مخالفتی نکرده، بلکه باید همکاری و حمایت همه جانبه را رعایت نماید، و مهمتر آنکه بین دو زوج محرمیت (محرم) و صمیمیت فکری و جسمی کامل وجود داشته باشد. گر چه نظرگاه آنها در برخی موضوعات و معیارها یکسان و مشابه نخواهد بود. این خود گویای ارزش هنر زندگی کردن است.

آنچه که مسلم است تفاوتهای فکری زن و مرد به مراتب بیش از تفاوتهای ظاهری آنان است.

روابط زناشویی بسیار حساس و پیچیده است و شبیه محدودیت‌های اخلاقی نیاز به یک مراقبت خاص و استثنایی دارد که همان پای‌بند به اصول مذهبی که همان اخلاق است.

هضم و قبول تفاوتهای فکری و برداشتهای طبیعی و مفاد همزیستی و خلق کانون آرام و لذتبخش خانوادگی خود نشان دهنده کیاست و عقل درونی و شعور ذاتی طرفین می‌باشد که این هنری است ارزنده و قابل بخشش.

با وجود این من تصور می‌کنم که زندگی زناشوئی بین دو انسان زن و مرد بهترین و مهمترین مناسبات انسانیست.

כבדיה ואהביה

حرمت گذار و عشق بورز.

حرمتی که در خلوت دو انسان حفظ گردد، هزاران بار شیرین‌تر از حرمت در ملاء عام است که برای حفظ ظاهر در ملاء عام رعایت می‌شود. محرمیت و همسر را محرم اسرار دل خویش ساختن دولتمندی یک قبله را به انسان داده و روان آدمی را در کشاکش زندگی قدرت و توان می‌بخشد.

هر صبحگاه زن و شوهر برای یافتن قبله زمینی خود باید به دیگری رو کرده و نماز شکر ادا نمایند.

مبحث سوم – طلاق و خانه‌های بی روح

در لحظه طلاق و جدائی زن و مرد - فرشتگان نیز اشک می‌ریزند، و قربانگاه میگرید.

מסכת סוטה

در روایت آفرینش آمده است که در بخش دوم از خلقت که شامل جدا کردن آب از خشکیهاست خداوند انجام این گام عظیم آفرینش را با کلمه «نیک» مُهر نزده است. علی‌رغم همه بخشهای دیگر آفرینش، که بعد از تمام هر یک از آنان با رضایت خاطر و خشنود از خلاقیت هر یک از پروژه‌های خود را «نیک» خوانده است. וירא ה' כי טוב

در حالیکه در مورد روز دوم چنین نظریه بیان نشده است. علمای یهود با حکمت عمیق خود همگی بر این عقیده‌اند که با وجودی که عملی عظیم صورت گرفته ولی چون در حین خلقت نوعی **جدائی** صورت گرفته است این عمل شایسته تحسین و «نیک» خواندن نیست.

در مورد جدائی زن و مرد از بیان خدا **چنین آمده است: بهتر است که نام من بر آب شسته شود تا خانواده‌ای از هم پاشیده** گردد.

מסכת סוטה

طلاق نهادی است که در بیشتر ادوار و بیشتر کشورهای جهان به علت برخی عوامل اجازه صدور یافته است. هدف از طلاق نه به خاطر ایجاد خانواده بر اساس یکی از دو والد است، بلکه هدف از آن صرفاً بخاطر تخفیف آلام و سختیهائی است که به دلایل خاصی ادامه زندگی زناشوئی را تحمل ناپذیر می‌سازد.

طلاق در قانون یهود نیز به علت شناخت انسانها مطرح و در نظر گرفته شده است، و چه نیک که بدانیم که این جمله در ابتدا این مبحث آمده است.

بهتر است که نام من بر آب شسته شود تا کانون خانوادگی ویران شود

یکی از امور جالبی که درباره طلاق وجود دارد، تفاوت فاحشی است که بین سنت **Tradition** و قانون موجود می‌باشد. طلاق آسان (که وجود ندارد) به هیچ وجه دلیل افزایش تعداد طلاق نیست.

دکتر عزیزالله نورمند
استاد دانشگاه
متخصص بیماریهای کودکان از آمریکا
دارای برد تخصصی کودکان
عضو کادر پزشکی بیمارستانهای سیدر ساینای، سنت جونز، سانتامونیکا و تارزانا



مرکز خدمات بهداشتی و درمانی نوزادان، کودکان و نوجوانان

در منطقه سانتامونیکا
(310) 829-3311

در منطقه تارزانا
با پارکینگ رایگان
(818) 609-9997

ایمان،

داروی پر قدرت



پژوهش‌های علمی، باورهای عامیانه را تأیید می‌کند

ترجمه: شهره نوفر

ضرب‌المثل «**ایمان در عمل**» این روزها در کنیسای استیون وایز لوس‌آنجلس معنی تازه‌ای بـه خـود گـرفته است. در گردهم‌آئی‌های هفتگی عده‌ای از بانوان با استفاده از حرکات موزون و نیایش‌های صبحگاهی روح و جسم خود را به حرکت در می‌آورند.

خانم روبرتا شوایتزر، پرستار و یکی از شرکت کنندگان در این گردهم‌آئی‌ها جلسات هفتگی را بسیار آرامش بخش توصیف می‌کند. خانم شوایتزر، استادیار دانشگاه ایالتی نوادا، با توجه به این برنامه دست به تحقیقی زده است. در این تحقیق که بروی بیمارانی که از روماتیسم و آرتروز رنج می‌برند انجام شده پژوهشهایی بین ورزش معمول با تفکرات روحانی و نیایش همراه با حرکات موزون انجام گردیده که نتایج آن هنوز در دسترس نیست. وی همچنین تدریس کلاسی را بدست گرفته که در آن افراد با کمک و توسل به تفکرات روحانی و ایمان مذهبی به مقابله با بیماری خود می‌روند.

باورهای عامیانه در مورد اینکه کمکهای روحی که از ایمان مذهبی سرچشمه می‌گیرند می‌تواند به سلامتی عمومی شخص اثر گذارده باشد، عقیده‌ای تازه نیست. بی شک همه کم و بیش داستانهای متعددی از اشخاص متفاوت شنیده‌ایم که بیماران لاعلاج با ایمان قوی و عقیده راسخ توانسته‌اند بر بیماری خود غلبه کنند و یا بر خلاف عقیده پزشکان عمر طولانی‌تری داشته باشند. جالب توجه این است که این عقاید عامیانه هر روز بیش از روز پیش جنبه علمی بخود می‌گیرد و تحقیقات متعددی بروی این فرضیه در حال انجام است.

دکتر Dale Matthews استادیار دانشکده پزشکی، دانشگاه جورج تان در شهر واشنگتن این نکته را اینگونه توجیه می‌کند: «ما نمی‌توانیم ثابت کنیم که خداوند بیماران را شفا می‌دهد، ولی می‌توانیم ثابت کنیم که باور و ایمان به خداوند نتیجهٔ مثبتی بروی بیماران دارد. عجیب اینکه ایمان مذهبی سالم و برگذاری مراسم مذهبی می‌تواند بیماران را به سلامتی باز گرداند».

شواهد انکار نشدنی: می‌پرسید چه شواهدی دال بر رابطه ایمان و سلامتی است؟ نتایج بیش از ۳۰ پژوهش مختلف، رابطه‌ای مستقیم و انکار ناشدنی بین اعتقاد و ایمان مذهبی و طول عمر را نشان می‌دهد.

* **نتیجه همه پرسی میان ۵۲۸۶ شهروند کالیفرنیا**، نشانگر آن است که درصد مرگ در میان اعضای مراکز مذهبی (کنیسا، کلیسا) کمتر از دیگران است. این نتایج بدون در نظر گرفتن خطراتی چون اعتیاد به سیگار، مشروب، زیادی وزن و عدم ورزش بوده است.

*** هفت هشتم پژوهش سرطان شناسی حاکی از آن است که بیمارانی که اعتقادات مذهبی راسخ داشته‌اند، علائم بیماری کمتر در آنها پیدا شده و بهتر توانسته‌اند که از این بیماری بگریزند.**
چهار پنجم پژوهش در مورد فشار خون، چهار ششم پژوهش در مورد بیماریهای قلبی و چهار پنجم پژوهش در مورد سلامتی عمومی نیز همین نتایج را گزارش می‌دهند.

*** افرادی که اعتقاد و ایمان مذهبی قوی دارند کمتر از سایرین دچار مشکلاتی چون افسردگی روحی، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروب می‌شوند.**

* ژرف نگری در میان این پژوهشها نماینده آن است که رابطه سلامتی و ایمان مذهبی از مرز سن، جنسیت، آداب و رسوم و جغرافیا گذشته است. نتایج بیش از ۲۰۰ تحقیق مختلف که اخیراً توسط Jeffrey Levin استاد سابق دانشکده پزشکی دانشگاه ویرجینیا منتشر شده حاکی از رابطه نزدیک بین ایمان مذهبی و سلامتی جسم و روح را به خوبی نشان می‌دهد. این نتایج شامل همه پرسی‌هایی است که بین سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۰ در میان گروههای مختلف از جمله آمریکاییان پروتستان، اروپاییهای کاتولیک، بودائیان ژاپن و یهودیان اسرائیل انجام گرفته. در این همه پرسی‌ها، پرسشگران جویای سلامتی جسمی کودکان و بزرگسالان شده‌اند.

چرا نیایش باعث سلامتی می‌شود:

دکتر Harold Koening رئیس انجمن پژوهشهای مذهبی - ایمانی و جسمی در دانشکده پزشکی دانشگاه دوک اینگونه این موضوع را توجیه می‌کند. «**چرا ایمان مذهبی اینگونه محافظ سلامتی است؟**» ناظران عقیده دارند که شرکت در مراسم مذهبی هفتگی و روزانه باعث تماس اشخاص با یکدیگر می‌شود. پشتیبانی اجتماعی یکی از پایه‌های سلامتی و طول عمر است.

ایمان باعث پرورش امید و مهار کردن ناامیدی است. اعتقاد و باورهای مذهبی خود باعث اعتماد به نفس و در نتیجه آن، انسان‌ها روحاً برای مبارزه با بیماری‌های خطرناک و یا غم از دست دادن عزیز مقاوم‌تر خواهند شد.

نیایش باعث بیدار شدن ضمیر ناخودآگاه و در نتیجه تغییر و تحول جسمی و روحی



می‌گردد.

خلسه‌ای که در هنگام نیایش در انسان پدید می‌آید باعث دگرگونی در سوخت و ساز بدن می‌گردد. بدین ترتیب که این خلسه فشار خون را پائین آورده، تپش قلب و هماهنگی تنفسی ایجاد می‌کند. دکتر Herbert Benson استاد دانشگاه پزشکی هاروارد عبادت و تسبیح انداختن را همانقدر برای آرامش درونی مؤثر می‌داند که تمرین‌های آرام کننده را. در تمرین‌های آرامش ساز مسخ کننده از مسخ شونده می‌خواهد که با زمزمه کردن یک جمله، یک کلمه و یا یک نوا و تکرار مکرر آن و بدون اندیشیدن به چیزی دیگر، شخص به آرامش فکری و جسمی برسد. نمازگذاران نیز بدون کمک مسخ کننده و با ایمان راسخ به خداوند به همین ترتیب به آرامش درونی دست می‌یابند.

آیا دعای دیگران می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ محققان در این اندیشه‌اند که آیا دعای دیگران می‌تواند در حال بیمار تأثیرگذار باشد. دکتر Benson و همکارانش پژوهشهایی در مورد بیماران قلبی که جراحی قلب باز بروی آنها انجام گرفته کرده‌اند و دکتر Matthews مشغول بررسی بیمارانی است که از رماتیسم و آرتروز رنج می‌برند. هر دو پژوهشگر سعی بر این دارند که تحقیقات سال ۱۹۸۸ دکتر Randolph Byrd جراح قلب را به اثبات برسانند.

دکتر Byrd، ۳۹۳ بیمار قلبی را در بیمارستان سانفرانسیسکو به دو گروه مختلف تقسیم کرده بود. دستهٔ اول بیمارانی بودند که مسیحیان در نقاط مختلف آمریکا برایشان دعا میکردند. دستهٔ دوم کسانی بودند که کسی برایشان دعا نکرده بوده. هیچیک از بیماران اطلاع نداشتند که وابسته به کدام گروهند. بیماران گروه اول که برایشان دعا خوانده شده بود کمتر از بیماران گروه دوم دچار ناراحتی‌های بعد از عمل شدند. این عده نه تنها کمتر دچار سینه پهلو شدند بلکه کمتر از گروه دوم دچار حمله قلبی مجدد شده و کمتر از گروه دوم احتیاج به آنتی بیوتیک داشته‌اند.

دکتر Larry Dossey نویسنده کتاب «**نیایش داروی خوبی است**» Prayer is Good Medicine عقیده دارد که:

اگر با بیماری مهلک و یا عمل جراحی روبرو هستید با پزشک خود صحبت کنید. این بدین معنی نخواهد بود که پزشک یا جراح با شما و یا برای شما دعا بخوانند، بلکه می‌توانید از او تقاضا کنید تا ترتیبی بدهد تا ربای بیمارستان قبل از رفتن به اتاق عمل برایتان براخا بخوانند. همچنین از اطرافیان بخواهید که از صمیم قلب برای سلامتیتان دست به دعا بردارند.

قنادی پالاس

(شعبه لوپاله در ولی)

PARVE



تهیه کننده مرغوب‌ترین شیرینی‌ها و کیک برای انوع مراسم و جشن‌ها و برمیتصوا و بستنی و زلوبیا و بامیه و نقل.

زیر نظر .R.C.C

Palace Bakery
17928 Ventura Blvd.
Encino, CA 91316 (818) 881-1100





قنادی لوپاله

(شعبه لوپاله در لوس آنجلس)

PARVE

تولید کننده عالی‌ترین انواع شیرینی و کیک بدون استفاده از فرآورده‌های شیری و هم چنین شیرینی‌های سنتی ایرانی برای انوع مراسم و جشن‌ها و مهمانی‌ها.

زیر نظر .R.C.C

Le Palais Bakery
8670 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035 (310) 659-4966

قدرت نیایش می‌تواند به حدی باشد که موجب رشد باکتری در لوله آزمایش و التیام زخم‌های موشهای آزمایشی باشد!

باور پزشکان: دکتر Dossey آنچنان به نیروی نیایش معتقد است که خود شخصاً به دعا کردن برای بیمارانش دست زده است. او اضافه می‌کند که وی و سایر همکارانش هیچگونه قصدی برای تحمیل مذهب ندارند، بلکه هر شخص میباید در این مورد خود تصمیم بگیرد.

با این وجود مراکز درمانی متعدد زیر چشمی نگاه خود را به نیایش درمانی دوخته‌اند. دانشگاه پزشکی هاروارد و Mayo کلینیک اخیراً کنفرانسهایی راجع به ایمان، نیایش و سلامتی تشکیل داده‌اند. می‌توان گفت که بیش از نیمی از دانشکده‌های پزشکی آمریکا نیز در این زمینه کلاسهایی به دانشجویان ارائه می‌دهند.

در یک همه پرسی از ۲۶۹ پزشک خانواده در کنفرانس پزشکی سال ۱۹۹۶، ۹۹٪ از پزشکان بر این باور بوده‌اند که رابطه‌ای مستقیم بین ایمان مذهبی و شفا از بیماریهای سهمگین وجود دارد. زمانی که از



تجربیات شخصی آنان سوآل گشته، ۶۳٪ اعتراف کرده‌اند که نیایش به درگاه خداوند باعث شفای شخصی آنان از بیماریها شده است.

بدون شک بیماران این پزشکان نیز با نظرات آنان کاملاً موافقند. در یک نظرخواهی دیگر که توسط مجلهٔ Time و CNN و USA Weekend انجام گرفته است ۸۰٪ از پاسخ دهندگان بر این باور بوده‌اند که نیایش و ایمان باعث التیام بسیاری از بیماری‌ها است. ۶۰٪ معتقد بوده‌اند که پزشک میباید در تمام مورد معالجه از جمله قدرت نیایش با بیمار صحبت کند.

براستی دلیل این همه اشتیاق در چیست؟ شاید جواب در رابطه میان پزشک و بیمار نهفته باشد. این روزها با ماشینی شدن همه چیز، بیمه‌های درمانی مختلف، اندک زمانی پیش پزشکان با بیماران صرف می‌کنند. بیمار و مجروح به هر ریسمانی برای شفا یافتن آویزان خواهد شد.

نقش ایمان چیست؟ سخنان بالا چه بازدهی در زندگی روزمره من و شما می‌تواند داشته باشد؟ مسلماً ایمان و نیایش از صمیم قلب را نمی‌توان همچون رژیم کم چربی در زندگی روزانه گنجانید و فقط در مهمانی‌ها شیرینی خورد. نیایش از صمیم قلب ربطی به نماز سرسری که روز شنبه در حال صحبت کردن با بغل دستی انجام می‌دهیم ندارد.

قبول ارزش نیایش و ایمان به پروردگار به بیمار اختیار بیشتری می‌دهد که فقط متکی به پزشک و بیمارستان و دارو نباشد و خود نیز سهمی در بهبود از بیماری داشته باشد. □



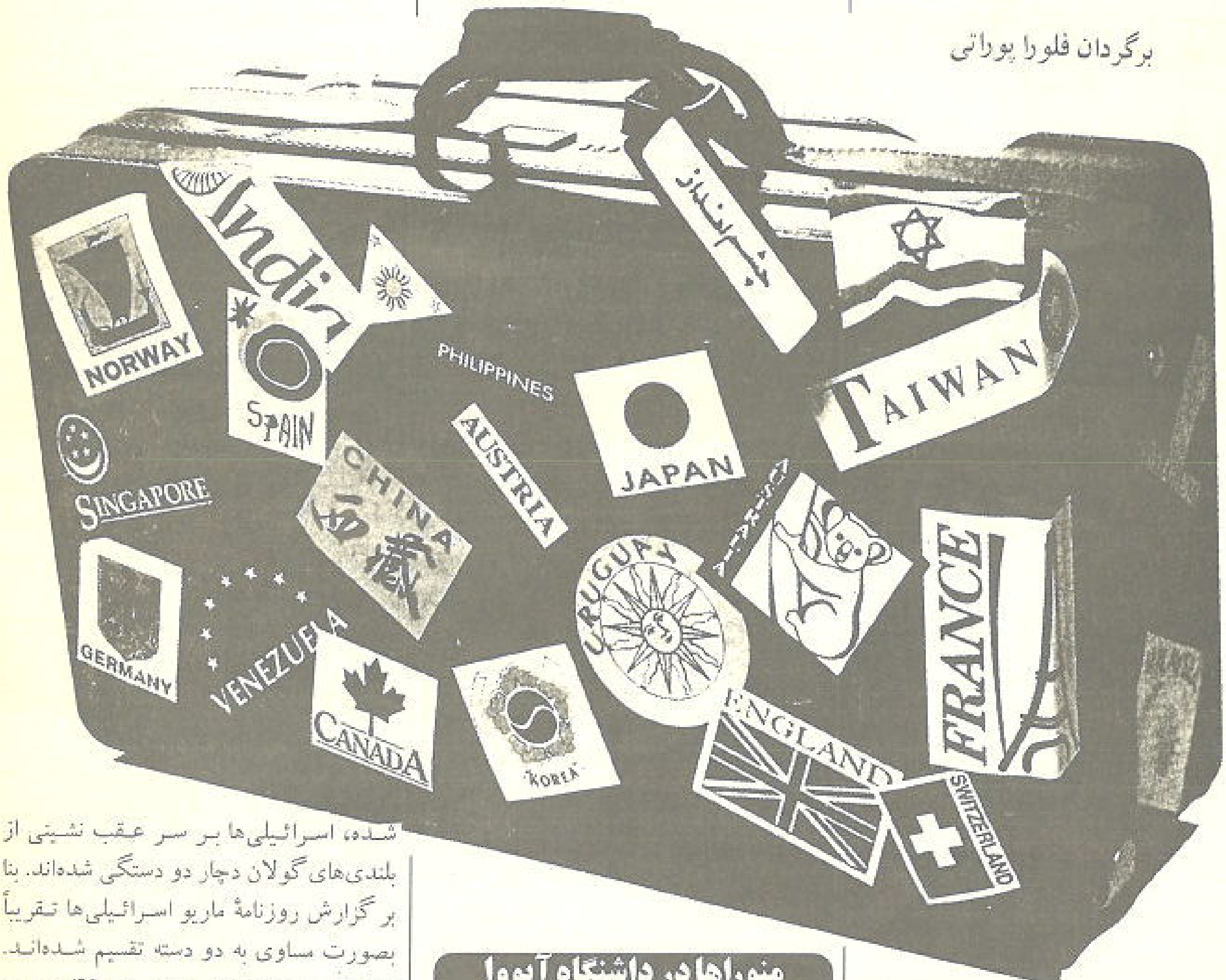
حمایت از سازمان آرم حمایت از سلامت جوانان ایرانی است.

تلفن:

(818) 222-2064

اخبار دنیای یهود

برگردان فلورا پوراتی



کمک مالی ۸۰ میلیون دلاری آمریکا به پناهندگان فلسطینی

واشنگتن - ایالات متحده آمریکا بزرگترین رقم کمک مالی خود را به سازمان نجات پناهندگان سازمان ملل متحد برای فلسطینیان پناهنده اختصاص داد. این کمک ۸۰ میلیون دلاری به مصرف تحصیلات، بهداشت و اسکان حدود ۳/۶ میلیون پناهندهٔ فلسطینی در کشورهای اردن، لبنان، سوریه، نوار عربی غزه اختصاص خواهد یافت.

ایالات متحده معمولاً حدود ۷۰ میلیون دلار به این امر اختصاص می‌دهد. امسال پنجاهمین سالگرد اهدای این کمکها به برنامهٔ کمک مالی سازمان ملل متحّد می‌باشد.

منوراها در دانشگاه آیووا خاموش بودند

به علت قوانینی که به دانشجویان اجازه روشن کردن شمع در اتاقهای مسکونی‌شان داده نمی‌شود، به این دانشجویان یهودی دانشگاه آیووا اجازه داده نشد که شمع‌های حنوکا را در اتاقهای خود روشن کنند. بعضی از دانشجویان اعتراض داشتند که چرا به آنها اجازه روشن کردن سیگار در اتاقهایشان داده می‌شود.

دودستگی بین اسرائیلی‌ها بر سر عقب‌نشینی از بلندی‌های گولان

اورشلیم - بنا بر آماری که چند روز قبل از مذاکرات صلح بین اسرائیل و سوریه منتشر شده، اسرائیلی‌ها بر سر عقب نشینی از بلندی‌های گولان دچار دو دستگی شده‌اند. بنا بر گزارش روزنامهٔ ماریو اسرائیلی‌ها تقریباً بصورت مساوی به دو دسته تقسیم شده‌اند. ۴۶ درصد موافق عقب نشینی و ۴۶ درصد مخالف آن می‌باشند. بنا بر گزارش یدیعوت آخارونوت روزنامهٔ دیگر چاپ اسرائیل ۵۴ درصد بر ضد عقب نشینی کامل و ۴۵ درصد موافق آن می‌باشند. حدوداً ۶۰ درصد اشهار داشته‌اند که موافق عقب نشینی از تمام مناطق استراتژیکی می‌باشند.

تقاضای عفو از یهودیان توسط اسقف اعظم Benver

اسقف اعظم کلیسای Denver از یهودیان به علت اشتباهات کلیسای کاتولیک رم که طی سالیان دراز دارای تفکرات ضد صیونیستی بوده است تقاضای بخشش کرد. معذرت خواهی کاردینال چارلز چاپوت با معذرت خواهی مشابهی توسط پاپ جان پل دوم، کاردینال نیویورک John O'Ccnor و اسقف شهر میل واکی به دنبال می‌باشد.

کمک مالی شرکتهای جنرال موتورز و فورد به کمیتهٔ اردوگاه کار اجباری هالاکوست

واشنگتن - چندین کمپانی بزرگ آمریکایی که شعبهٔ آن در آلمان در جنگ جهانی دوم مردم را مجبور به کار اجباری کرده‌اند حدود یک بیلیون دلار خسارت پرداختند. از جمله این کمپانی‌ها کمپانی جنرال موتورز و فورد می‌باشد که به ۴/۲ میلیون دلاری که دولت آلمان برای این منظور تخصص داده است اضافه می‌شود.

وایزمن مخالف اغتشاشات داخلی می‌باشد

اورشلیم - عزر وایزمن رئیس جمهوری اسرائیل اعلام کرد که هیچگونه تظاهرات بر علیه عقب نشینی از بلندی‌های گولان توسط اهالی اسرائیل نباید صورت گیرد. بیانیهٔ وایزمن زمانی انتشار یافت که اهالی گولان و اهالی Yesha Council که نمایندهٔ ساکنین نوار غربی و غزه می‌باشند توافق کردند که بر علیه مذاکرات صلح و عقب نشینی از بلندی‌های گولان تظاهراتی برقرار کنند. روز یکشنبه شهر Katzin در گولان احداث بخش جدیدی را که شامل ۳۰۰ خانه می‌باشد اعلام کردند.

قهرمان Baseball یکی از معروفترین بازیکنان قدیمی و بازنشسته تیم Baseball Detroit Tigers

یکی نفر یهودی است که Hank Greenberg نام دارد. او در میدان بازی بخاطر یهودی بودنش سخنهای توهین آمیز زیادی شنیده بود. اخیراً از زندگی این بازیکن فیلم مستندی تهیه شده است بنام:

The Life and Times of Hank Greenberg.

که برای ژانویه سال آینده بروی اکران خواهد رفت. آقای Greenberg در آمریکا و دنیای یهودیت به شخصی معروف است که پایبند به اصول دین خود میباشد و بهمین خاطر بود که در روز کیپور رفتن به کنیسا را به رفتن به میدان مسابقه ترجیح داد.

پول و مذهب

مدت زیادی است که گروه‌های مختلف مذهبی سعی میکنند به دین یهود رخنه کرده و یهودیان را به مذاهب دیگر گرایش دهند.

اخیراً طبق گزارش یک روزنامه یهودی در انگلستان، بودجه این گروهکها به بیش از ۱/۵ میلیون دلار میرسد. از جمله این گروه‌ها:

The Churches Ministry Among the Jewish People, Jews for Jesus, Christian witness to Israel.

که موجودیت خود را در انگلستان به ثبت رسانیده‌اند.

لبنیات کاشر

یکی از بزرگترین کارخانجات لبنیات سازی اسرائیل Tnuva نام دارد. این کارخانه محصولات کاشر تهیه و ۷۰ درصد از مایحتاج لبنیات سراسر اسرائیل را فراهم میکند و اخیراً با قرار دادن دوربین‌های مخفی در محل نگهداری دامها مواظب آن است که قوانین کشروت و شبات بخوبی اجراء شود.

تمبر یادگاری

اداره پست اسرائیل در صدد است که در فوریه سال ۲۰۰۰ یک تمبر با عکس ملک حسین پادشاه فقید اردن به چاپ برساند. این اولین تمبری در اسرائیل خواهد بود که عکس یکی از سران کشورهای عربی و دشمن سابق اسرائیل بچاپ رسیده است.

جنگ هوایی آمریکا و اسرائیل

مجله ماهانه نیروی هوایی در سپتامبر گذشته گزارش داده است که خلبانان اسرائیل در یک نبرد نمایشی توانستند بر خلبانان ناوگان ششم دریایی آمریکایی غلبه کرده و باعث سرنگونی ۲۲۰ فروند هواپیماهای طرف مقابل شوند در حالیکه نیروی هوایی اسرائیل فقط ۲۰ هواپیما از دست داد. در این نبرد هوایی اسرائیل از هواپیماهای اف ۱۶ و آمریکا از هواپیماهای اف ۱۴ و اف ا ۱۸ استفاده کرده‌اند.

این نبرد هوایی نمایشی در آسمان صحرای Negev انجام گرفت.

شماره تلفن سازمان سیامک:
۹۸۴۶ - ۸۴۳ (۳۱۰)
آدرس سازمان: 9911 West Pico Blvd.

מ י נ י

SINAI سایناک

کیترینگ گلت کاشر

שומר שבת شومر شبات

ساینای

به مدیریت دانیل جوانفرد

سایناک کیترینگ ارائه دهنده لذیذترین و خوشمزه ترین غذاهای گلت کاشر

پذیرائی از جشنهای عروسی - نامزدی - برمیتصوا - بت میتصوا
کنفرانسها در منازل و سالنهای متنوع و مجلل با بهترین کیفیت

قبل از برگزاری هرگونه جشن و میهمانی با ما مشورت کنید

SINAI GLATT CATERING

CATERING FOR ALL OCCASIONS
Persian, Middle Eastern, Eroupian & American Food

(310) 820-0048
Pager: (213) 390-3566

12233 Santa Monica Blvd., W. Los Angeles, CA 90025

ג ל א ט

آمادگی برای امتحان ISEE

برای دانش آموزان کلاس پنجم و ششم

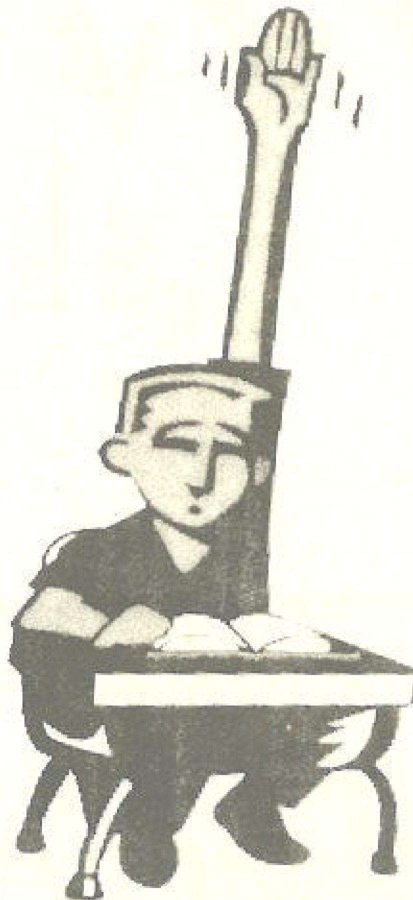
برگردان: فلورا پوراتی
از: بُستن

آیا فرزند شما در کلاس پنجم یا ششم ابتدائی است و سال دیگر به دورهٔ متوسطه می‌رود؟ اگر شما او را به یک مدرسهٔ خصوصی می‌فرستید احتمال این را دارد که از فرزند شما خواسته شود که برای امتحان ISEE ثبت نام کند. ISEE مخفف امتحان ورودی مستقل مدارس می‌باشد.

Independent School Education Exam.

این امتحانی است برای اندازه گیری دانش و منطق فرزند شما که توسط تعداد زیادی از مدارس کشور در ماه آپریل از دانش آموزان گرفته خواهد شد. بطور خلاصه گفته شود که ISEE یک تست ورودی است.

نتیجهٔ آن به مدارسی که فرزند شما مایل به تحصیل در آن است فرستاده می‌شود. این تست وسیلهٔ دیگری است که مدارس بیشتر دربارهٔ فرزند شما اطلاعات کسب کنند. **جان سالیوان** مشاور تحصیلی در لوس آنجلس معتقد است که این تست نشانگر سطح معلومات و موفقیت دانش آموزان می‌باشد و اگر پایهٔ آن خوب باشد بیشتر مدارس خصوصی اقدام به پذیرش این دانش آموزان می‌کنند. سالیوان که ۵ سال پیش مسئول برگزاری این امتحانات در مدرسه Cross Road در شهر سانتامونیکا بود سال گذشته بازنشسته شد و مؤسسه‌ای به نام "Out of the Book" را بنیانگزارد که در آن به دانش آموزان تعلیماتی برای آگاهی بیشتر در این امتحانات داده می‌شود. مهم بودن این



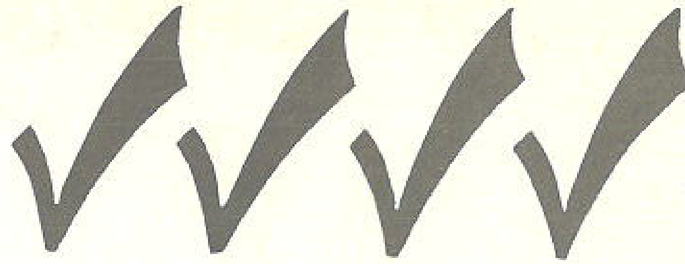
تست در مقایسه با امتحانات دیگر که برای ورود به مدارس انجام می‌شود فقط بستگی به مدرسه‌ای دارد که فرزند شما به آن خواهد پیوست.

بعضی از مدارس محصلانی را که نمراتشان در این تست بالا نباشد نمی‌پذیرد. سالیوان می‌گوید من معتقدم که مدرسه‌ای که دانش آموزی را با نمرات متوسط می‌پذیرد مدرسه‌ای است که می‌خواهد در امر آموزش سخت کار باشد. وقتی مدرسه‌ای پذیرش خود را محدود به دانش آموزانی با سطح نمرات بالا که واقعاً قدرت یادگیری آنها زیاد است می‌نماید دیگر کار زیادی برای مدرسه باقی نمی‌ماند که انجام دهد. پس آنهایی که روش‌های مختلف آموزش را دارند چه باید بکنند؟ چه کسی باید خواسته‌های آنها را برآورد؟ به گفتهٔ دیگر اگر فرزند شما نمرهٔ بالائی در این امتحانات کسب نکرد نشان می‌دهد که مدرسه باید امکانات بیشتری را برای این دانش آموز فراهم کند تا او هم بتواند به نمرات بالا دست یابد. امتحان ISEE از چند قسمت تشکیل شده است: منطق، خواندن، ریاضی و یک انشاء. به انشاء نمره داده نمی‌شود. هدف از نوشتن انشاء این است که ببینند که دانش آموز می‌تواند بطور تمیز و مرتب نوشته و موضوع را دنبال کند که رابطهٔ مستقیم به تیتر یا عنوان انشاء داشته باشد. یک کپی از این انشاء به هر مدرسه‌ای که فرزند شما در نظر دارد به آن وارد شود فرستاده می‌شود.

بعضی مدارس به مسألهٔ فیزیکی و جسمی دانش آموزان توجه زیادی ندارند و فقط نتیجهٔ سئوالات برایشان مهم است

امتحان ریاضی به دو قسمت تقسیم می‌شود. قسمت اول حل مسائل و قسمت دیگر مهارت بازی با اعداد را امتحان می‌کند. سالیوان می‌گوید در حالیکه تست ریاضی از تست زبان پیچیده‌تر است ولی در نتیجه گیری مدارس ارزش بیشتری برای زبان قائل هستند.

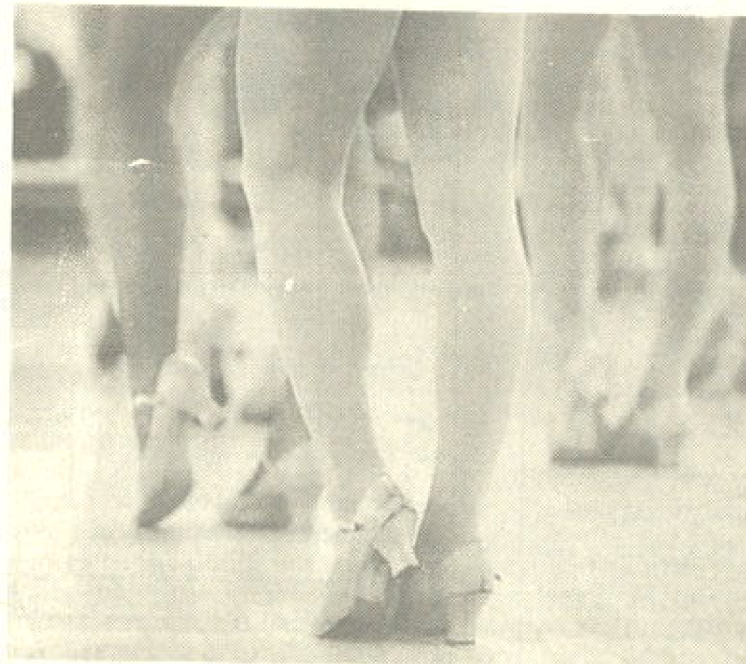
در قسمت خواندن تست مقاله‌ای برای خواندن بچه‌ها چاپ می‌کنند که معمولاً برای بچه‌ها خواندن آن جالب نیست ولی از کلمات ساده و معمولی تشکیل می‌شود و دربارهٔ یک موضوع آشنا می‌باشد. سالیوان معتقد است که والدین باید بچه‌ها را وادار کنند که تمرین نوشتن کرده و به مدت ۳۰ دقیقه در مورد موضوع خاصی بنویسند. «من وقتی به آنها می‌آموزم به آن‌ها موضوع خاصی را نمی‌دهم



و آنها را آزاد می‌گذارم که دربارهٔ هر چیزی و موضوعی که مایلند بنویسند.

در ISEE احتمالاً برای فرزند شما اولین بار است که از او خواسته‌اند بنشیند و به مدت ۳ ساعت تمام توجه خودش را به یک موضوع جلب کند. تستهایی مانند SAT (Stanford Achievement Test) که بعداً به بچه‌ها داده می‌شود به مدت چند روز ادامه دارد و ساعت کوتاهی در هر روز ولی به نظر می‌رسد که سه ساعت تمرکز برای بچه‌ها خیلی مشکل باشد. ولی بگذارید با آن روبرو شویم، بچه‌های ما در این مرحله از زندگیشان هم از لحاظ فیزیکی و هم از لحاظ آکادمیک به مرحلهٔ تازه‌ای پای می‌گذارند. بعضی مدارس به مسألهٔ فیزیکی و جسمی دانش‌آموزان توجه زیادی ندارند و فقط نتیجهٔ سئوالات برایشان مهم است ولی به نظر من مدارسی که هر دو جنبه را در نظر می‌گیرند برتری دارند چون دانش آموزان در سنین بلوغ قرار دارند و از لحاظ جسمی نیز رشد قابل توجهی می‌کنند. اگر در مورد آماده کردن فرزندتان برای ISEE سئوالی دارید به یلوپیج زیر عنوان "Educational Counsultant" و یا John Sullivan با شماره تلفن ۶۵۴۵-۶۵۰ (۳۲۳) تماس بگیرید.□

جوراب تیفانی مثل نسیم بر پاهای شما می‌نشیند



Tiffany

۱۱۲۷ خیابان میپل جنوبی - داون تاون لوس آنجلس تلفن: ۸۸۲۳-۷۴۸-۲۱۳ فکس: ۲۶۲۹-۷۴۸-۲۱۳

GLATT KOSHER



«گلات کوشر»

سازمان جشنها

پرسابقه ترین واولین
کیترینگ ایرانی درآمریکا

باتاسیس بزرگترین آشپزخانه

«گلات کوشر»

درکالیفرنیا زیرنظر ربانوت محترم ایرانی و
آمریکائی - به سرپرستی وزیرنظر مستقیم

**RABBI
YEHUDA BUKSPAN**

**وباچندین سال سابقه کار دربرگزاری بزرگترین جشنها و میهمانیها دربسیاری از
هتل های درجه اول لوس آنجلس - تمپلها - ومنازل شما**





سازمان جشنها

بامدیریت استثنائی بهزاد مسرور

میهمانیهای شمارا مجلل ، شاهانه ، وغیرقابل تصور برگزار میکند

غذاهای خوشمزه و **«گلات کوشر»** سازمان جشنها متفاوت ومتمایز ازهرغذای دیگری است



**فراوانی ، قیمت های مناسب و بسیار ارزان
برای هرتعداد میهمان پذیرفته میشود**

فقط به

سازمان جشنها

تلفن کنید

(818) 884-0054

یهودیان و دانش پزشکی

تصویری از اسراییل: سرزمین شیر، عسل، و... پزشکان

به قلم: راچل فورستین برگ
برگردان: پیمان اخلاقی

امروزه اسراییل، با تعداد ۲۶،۸۴۴ پزشک، و نسبت بالای پزشک به بیمار، که به طرزی مبهوت کننده رقمی بزرگ است، و با سرسپری به کیفیت بالای درمان، یک سنّت دیرینهٔ یهودی را تداوم می‌بخشد.

شما کافی است به شمار پزشکان در اسراییل نگاه کنید، و صدای فخر و بالیدن مادران آنها را بشنوید، تا بدانید که این کشوری یهودی است که سنّتی یهودی را ادامه می‌دهد، سنتی که نسبت پزشکان به بیماران را به بالاترین سطح خود در جهان صنعتی رسانده است.



در سال ۱۹۹۳، در ایالات متّحده در برابر هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر ۲۴۲ پزشک وجود داشت، حال آن که در اسراییل این رقم به ۳۵۲ می‌رسید. تا سال ۱۹۹۶، اسراییل با تعداد ۳۶۰ پزشک در برابر هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر، از بیشتر کشورهای اروپایی و کانادا پیشتر بود. امروزه، شمار ۲۶،۸۴۴ پزشک دارای پروانه در اسراییل زندگی می‌کنند، و این ارقام همچنان رو به افزایش هستند.

جالب توجه‌ترین نکته این است که این کشور، علیرغم همهٔ پزشکانی که در داخل کشور پرورش یافته‌اند، تعداد بی شماری را نیز از **روسیه** جذب کرده است: بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶، بیش از ۷،۰۰۰ پزشک به اسراییل وارد شدند، که ۲۷ درصد شاغلین این حرفه را شامل می‌شود. در سال ۱۹۹۴، یک پژوهش توسط انستیتوی بروکدِیل نشان داد که ۷۸ درصد مهاجرین روس که با آنها مصاحبه شده بود در این زمینه شاغل بودند، و چهار سال پس از آن، ۹۳ درصد آنان به طبابت مشغول شده بودند. دیگرانی که در اسراییل پروانهٔ پزشکی به آنان داده نشده بود، در شاخه‌های پیراپزشکی، همچون پرستاری، بهداشت سالمندان، و طبِ جایگزین، اشتغال پیدا کرده بودند.

دکتر گریگوری گولوژچینر در روسیه به یادگیری زبان عبری پرداخت، و پس از مهاجرت مقدس (**عَلیا**) همراه خانواده‌اش به اسراییل در سال ۱۹۹۳، آزمون اعطای پروانه را با موفقیت پشت سر نهاد او می‌گوید: «امّا در پی آن من به شدت یکه خوردم. به نظر می‌رسید که همهٔ مصادر پر شده بودند». در همین اثنا، یکی از دوستانش به او دربارهٔ یک دورهٔ آموزش و کارورزی تخصّصی طب داخلی (internal medicine residency) در بیمارستان سوروکا، واقع در بئرشوع، اطلاع داد. اینک وی در همان جا فوق تخصّص خود را در شاخهٔ قلب و عروق آغاز کرده است. او می‌افزاید: «شگفت‌آور است. تقریباً تمام پزشکان روسی که با آنها شروع کردم، کار پیدا کرده‌اند».

با توجه به این که بودجهٔ پزشکی اسراییل رو به کاهش است، مشکل می‌توان فهمید که چگونه این پزشکان در امر یافتن شغل موفق شده‌اند. یک پزشک مذهبی می‌گوید: «اسراییل مانند کوه معبد مقدس در روز کیپور است. این کشور برای جای دهی کسانی که تازه می‌رسند، منبسط می‌شود.» (اشاره به این باور مذهبی است که در زمان آبادی معبد مقدس، به هنگام اعیاد عمده و روز کیپور، هیچ کس از کمبود و یا تنگی جا در اورشلیم شکایت نمی‌کرد، علیرغم آن که در این ایام، اکثریت جمعیت اسراییل به این شهر سفر می‌کردند. م.) بسیاری از اینان در کلینیک‌های بهداشت عمومی در نقاط دور از مرکز کار می‌کنند، و برای سازمانهای بهداشت گروهی کار موقت انجام می‌دهند، سازمان‌هایی که بر اساس قانون باید معاینات و درمان اضطراری شبانه در منازل را فراهم کنند. این سرویسی است که به واسطهٔ موجود بودن همین پزشکان روسی ممکن و عملی شده است. امّا همهٔ اینها



کیترینگ و رستوران گلات کاشر شارون

کیترینگ انتخابی **نصخ ایسرائل** و هتلهای معتبر لس آنجلس

رستوران شارون صد درصد گلات کاشر زیر نظر ربانوت محترم ایرانی و آمریکایی بوده و لذیذ ترین غذاهای ایرانی و آمریکایی را در اختیار شما میگذارد.

کیترینگ شارون را برای یک شب فراموش ناشدنی انتخاب کنید

18608 1/2 VENTURA BLVD.
TARZANA, CA. 91356

۸۱۸-۳۴۴-۷۴۷۳
۲۱۳-۶۲۲-۱۰۱۰
پیجر: ۸۱۸-۷۷۸-۷۸۱۰



دربارهٔ سطح کیفیت درمان چه مفهومی را می‌رساند؟

در تعیین کیفیت درمان، نظام و ارقام به یک اندازه نقش دارند. در سال ۱۹۹۵ اسراییل طرح دقیق‌تری را در سطح ملّی آغاز کرد که پوشش درمانی را برای همهٔ شهروندان کشور تضمین می‌کند. بر مبنای این طرح، دولت با سبدی از خدمات پایه‌ای، به عنوان بیمه‌گر، و سازمانهای بهداشت گروهی به عنوان فراهم کنندهٔ خدمات درمانی، عمل می‌کنند. شمار بسیار بالای پزشکان تضمین می‌کند که این نظام موفقیت‌آمیز خواهد بود، امّا هم زمان با افزایش بهای پزشکی، این نیاز نیز وجود دارد که این سیستم مقرون به صرفه هم باشد. با این وجود، بازار آزاد زمام امور را در دست دارد.

دکتر آدا بن ساسون، رییس «کوپت حولیم کِلالیت» در اورشلیم، چنین توضیح می‌دهد: «هر ساله، به دلیل افزایش جمعیت،

چنین به نظر می‌رسد که یهودیان بیش از سایر گروه‌ها به نزد پزشک می‌روند. سالها پیش در آمریکا، تحقیقی دربارهٔ ایتالیایی‌ها، یهودیان، و پروتستان‌های سفید پوست، نشان داد که یهودیان از مراکز پزشکی با تناوب بیشتری استفاده می‌کردند. و آمار سال ۱۹۹۷ نشان دادند که در مقایسه با آمریکاییان، اسراییلیان با تناوبی کمی بیشتر، (به طور متوسط بیش از هفت بار در سال) به نزد پزشک می‌روند.

بالا رفتن سنّ افراد، و رشد سریع تکنولوژی پزشکی، نیاز به پول نیز بالا می‌رود. بر سر بودجه، درگیری‌های متناوبی میان وزارت بهداشت، فراهم آورندگان خدمات درمانی، و وزارت دارایی وجود دارد. قانون، درمان پایه را تعریف می‌کند، و چیزهایی همچون پزشکی و داروهای مربوط به شکنندگی استخوان، و یا آزمون ژنتیک برای سرطان سینه،...نیز **باید** در این تعریف گنجانده شوند».

امّا اگر اسراییل پوشش درمانی گسترده‌تر و پزشکان بیشتری دارد، از آن سو دارای نظام، و سنت فرهنگی ویژه‌ای نیز هست که بیماران را با تناوب بیشتری به نزد پزشکان می‌فرستد.

***

دکتر ران فریدمان یک پزشک کارورز (internist) آمریکایی است که بخشی از سال را در اسراییل کار می‌کند. او چنین می‌بیند که نظام بهداشت ملّی اسراییل، که در آن بیماران هر سه ماه یک بار با پزشکانِ درمانِ پایهٔ خود ملاقات می‌کنند (registr with)، نسبت به نظام ادارهٔ بهداشت در آمریکا، بیماران را به تناوب بیشتری به مطب پزشکان می‌آورد. او توضیح می‌دهد: «برای بسیاری از بازنشستگان (pensioners) این شیوه‌ای از زندگی، و جایی برای دیدار با دوستان است. این که این عامل باعث می‌شود که آنها حداقل هر سه ماه یک بار به مطب بیایند نکتهٔ مثبتی است، امّا از آن سو، [این ملاقات‌های متعدد] دست و پای پزشکان را می‌بندد، و آنان را از توجه به مشکلاتی ضروری‌تر باز می‌دارد».

دکتر آرتور آیدلمان، رییس بخش نوزادان در بیمارستان شَعَری تِصِدِک، می‌گوید: «مهمّ این است که شما به چه شکل از پزشکان خود استفاده می‌کنید. پزشکان آمریکایی می‌توانند کارکنانِ پیراپزشکی را فرا بخوانند تا در تنظیم کاغذها و مدارک به آنها کمک کنند، و به این ترتیب، خود بتوانند وقت بیشتری را به بیماران اختصاص دهند.

پزشکان خصوصی در آمریکا ساعات بیشتری را در روز کار می‌کنند؛ در نتیجه با آن که تعداد آن‌ها کمتر است، امّا دسترسی به آنها آسان‌تر است، مشروط بر این که استطاعت مالی هزینهٔ آنان را داشته باشید».

چنین به نظر می‌رسد که یهودیان بیش از سایر گروه‌ها به نزد پزشک می‌روند. سالها پیش در آمریکا، تحقیقی دربارهٔ ایتالیایی‌ها، یهودیان، و پروتستان‌های سفید پوست، نشان داد که یهودیان از مراکز پزشکی با تناوب بیشتری استفاده می‌کردند. و آمار سال ۱۹۹۷ نشان دادند که در مقایسه با آمریکاییان، اسراییلیان با تناوبی کمی بیشتر، (به طور متوسط بیش از هفت بار در سال) به نزد پزشک می‌روند. روت هَر-زوی، که مترجم است، می‌گوید: «زنی مراکشی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ برای من کار می‌کرد، تقریباً هر روز به کوپت خولیم (درمانگاه بیمه. م.) می‌رفت. او به سختی کار می‌کرد، و این یکی از معدود جاهایی بود که برای رفتن به آن خود را آزاد گذشته بود».

امّا **دکتر شیمعون گلیک، استاد طب در دانشکدهٔ پزشکی بن‌گوریون و یکی از پیشروان طب و بهداشت عمومی**، از این می‌ترسد که پزشکی اسراییل به گونه‌ای فزاینده رو به نابرابری دارد. او می‌گوید: «ثروتمندان استطاعت مالی جدیدترین آزمایش‌ها و درمان‌ها را دارند، می‌توانند به بیمارستان‌های خصوصی بروند و فوراً تحت یک عمل جراحی قرار بگیرند، حال آن که یک شهروند متوسط اسراییلی ممکن است ماه‌ها منتظر یک جراح باشد که به شدت سرگرم کار خصوصی است. با این وجود، ما می‌دانیم که مردم فقیرتر هستند، و فقیران بیمارتر».

دکتر گلیک، به عنوان واسطهٔ حل دعاوی و شکایات (ombudsman) برای وزارت بهداشت، شکایاتی از سوی بیماران دریافت می‌کند که می‌توانند با برقراری روابطی بهتر میان پزشکان و بیماران برطرف شوند. او می‌گوید: «شخصی ممکن است انتظار داشته باشد بالا بودن نسبت پزشکان به بیماران به این معنا باشد که پزشک وقت بیشتری دارد، با

دقت گوش می‌کند، و چیزها را توضیح می‌دهد. امّا واقعیت این گونه نیست».

نتایج یک بررسی نشان داده است که اسراییلیان احساس می‌کنند که پزشکان آنان به آنان درمان پزشکی خوبی ارایه می‌دهند، امّا به اندازهٔ کافی مسایل را برایشان توضیح نمی‌دهند. یک بیمار شکوه کرده بود که «او بیش از حدّ تند حرف می‌زند».

دکتر آیدلمان توضیح می‌دهد که پزشکی اسراییل ریشه در سنّت اروپایی دارد، که در آن شغل پزشک این است که شفا ببخشد، و بیماری باید این امر را کاملاً به او واگذار کند. او می‌گوید: «با این حال، درست در حالی که دیدگاه آمریکایی که بیمار باید در تصمیم‌گیری دخالت داشته باشد می‌رفت که در اینجا نیز ریشه بدواند، روس‌ها به کشور سرازیر شدند، و دیدگاه «پدرانه» از نو پدیدار شد».

دکتر گولوژچینر این نکته را تأیید می‌کند. با این حال او اظهار می‌دارد: «ولی ما درست به همان نحو که دربارهٔ پزشکیِ با تکنولوژی بالای اسراییل چیز می‌آموزیم، ذهنیت‌های جدید را نیز جذب می‌کنیم».

دکتر نائومی اشمیت - آفِک، که مبحث آموزش پزشکی را در دانشکدهٔ پزشکی هداسا، دانشگاه عبری، در عین‌کارِم، تدریس می‌کند، احساس می‌کند که راه حل، آموزش است و نه اعداد. او می‌گوید: «به پزشکان می‌توان آموخت که گوش کنند. آنها باید با تأثیرات فرهنگی و روانشناسانه نیز ارتباط برقرار کنند».

اخیراً، این مشکل چهره‌ای هویدا به خود گرفت. در این جریان، پزشکان که تشخیص نداده بودند مهاجران اتیوپیایی نشانه‌های فشار عصبی و عاطفی را بروز داده‌اند، برای آنها دارو تجویز می‌کردند. سپس اتیوپیایی‌ها به سوی طبیبان سنتی روی آوردند. اما هنگامی که برنامه‌ای شروع شد که طی آن، از پزشک - یاران (paramedics) اتیوپیایی به عنوان واسطه سود برده می‌شد، وضعیت بهبود یافت.

اخیراً، تصویب و اعمال یک قانونِ حقوق بیماران آغاز شده است. شرلی براون، یک واسطهٔ نمایندگان (lobbyist) در جریان تصویب این لایحه، که خود وابسته به هداسا - اسراییل می‌باشد، توضیح می‌دهد که این

با این وجود افراد مسن‌تری که از کشورهای اسلامی مهاجرت کرده‌اند باور دارند که پزشک بهتر از همه می‌داند. دکتر ایدیت لیبرتی از مرکز پزشکی سوروکا، با خنده به خاطر می‌آورد که «یک بار به یک بیمار نزدیک شدم، و از او پرسیدم که حالش چطور است. از پاسخ این مرد به شدت جا خوردم. او با عصبانیت پاسخ داد: «تو دکتر هستی! تو باید به من بگویی!»

لایحه حقّ حریم خصوصی بیمار را (the right to privacy)، این که به بیمار گفته شود چه شیوهٔ درمانی را دریافت می‌کند و واکنش‌های ممکن نسبت به این شیوهٔ درمانی چه هستند، تضمین می‌کند.

تحصیل کردگان اسراییلی، همچون یهودیان تحصیل کردهٔ آمریکایی، نسبت به امور بهداشتی هشیار هستند، و تا حداکثر ممکن طالب اطلاعات می‌باشند. نتایج یک بررسی نشان داده است که اسراییلیان احساس می‌کنند که پزشکان آنان به آنان درمان پزشکی خوبی ارایه می‌دهند، امّا به اندازهٔ کافی مسایل را برایشان توضیح نمی‌دهند. یک بیمار شکوه کرده بود که «او بیش از حدّ تند حرف می‌زند».

امّا **مایکل راس**، استاد دانشگاه، که خود دچار سرطان خونی است، کشف کرد که دکتر یعکوو ماتزنر، رییس بخش غدد شناسی بیمارستان دانشگاه هداسا واقع در کوه اسکوپوس، اطلاعات را با او در میان می‌گذارد، وی حتی به عنوان امری بدیهی، نوشته‌هایی به راس داد تا مطالعه کند.

با این وجود افراد مسن‌تری که از کشورهای اسلامی مهاجرت کرده‌اند باور دارند که پزشک بهتر از همه می‌داند. **دکتر ایدیت لیبرتی** از مرکز پزشکی سوروکا، با خنده به خاطر می‌آورد که «یک بار به یک بیمار نزدیک شدم، و از او پرسیدم که حالش چطور است. از پاسخ این مرد به شدت جا خوردم. او با عصبانیت پاسخ داد: «تو دکتر هستی! تو باید به من بگویی!»

دکتر لیبرتی احساس می‌کند که حتی وقتی او چیزها را توضیح می‌دهد، بسیاری از بیماران جلوی اطلاعات را سدّ می‌کنند. «مهم این است که این احساس را به آنها بدهید که به آنها اهمیت می‌دهید و مراقبشان هستید».

دکتر لیبرتی اشاره می‌کند که یروهام، از شهرهای نِگِو، که تنها ۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد، از داشتن چندین پزشک، منجمله دو متخصص کودکان به خود می‌بالد. او می‌گوید: «علاوه بر آن، یک پزشک خانوادگی از گروه‌های مکابی، و یک پروژهٔ بهداشت سالمندان که توسط یک پزشک کاروَرز از سوروکا اداره می‌شود نیز وجود دارند. همهٔ این‌ها به این دلیل است که ما ازدیاد پزشک داریم».

در همین هنگام، پیرمردی با پیشینهٔ تونسی به پیش دکتر لیبرتی آمد، دست او را گرفت، و گفت: «از این که تا این حدّ در حق من خوبی کرده‌ای، متشکرم». در این لحظه، اهمیت کیفیت، در مقایسه با کمیّت، از همیشه آشکارتر بود.

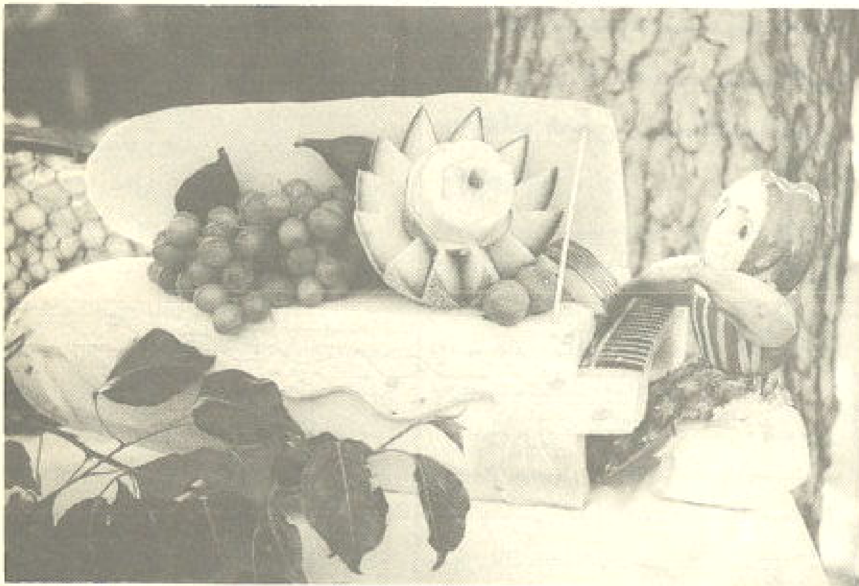
هر چه باشد، یک مادی یهودی باید این را بداند. □



اعتبار کیترینگ های لوس آنجلس
اورنج کانتی - سان دیاگو



محفل و شبهای پر خاطره خود را با غذاهای خوشمزه بهادر گرم سازید. بهادر کیترینگ پرسابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرایی کند



سیستم گلات کاشر کیترینگ بهادر
زیر نظر مستقیم ربای
Rabbi Yehuda Bukspan
می‌باشد

تلفن: ۷۱۳۵ - ۶۰۹ (۸۱۸)
18750 Oxnard St., #412, Tarzana, CA 91356



برگردان: فلورا پوراطی
از شهر بُستُن، آمریکا

سالها قبل یکی از آرزوهای همیشگی من این بود که در پیاده‌رو کافه‌ای در پاریس بنشینم و در حالیکه سیگاری به لب دارم چیزهایی در دفترچه‌ام بنویسم. نه دربارهٔ اقتصاد بلکه یک داستان عاشقانه یا یک شعر و یا اینکه دربارهٔ فلسفه بنویسم و در عین نوشتن به دخترانی که رد می‌شوند زیر چشمی نگاهی هم بیاندازم.

ولی دیگر این آرزوها را ندارم ولی به هر حال هنوز در کافه‌های خیابانی غذا می‌خورم که به Kennedy Center ختم می‌شوند. در آنجا دیگر سعی نمی‌کنم که بنویسم بلکه به رهگذران نگاه می‌کنم. اما حالا دیگر فقط به دختران نگاه نمی‌کنم، بلکه توجه خود را به زوجها و بیشتر هم زنها را نگاه می‌کنم. آنکه آنها خیلی زیبا و جذاب هستند و یا اینکه به مرلین مونرو شباهت دارند. بعضی از آنها زیبا ولی اغلب آنها خیلی معمولی‌اند. ولی چون دارند به Kennedy Center برای تماشای یک نمایشنامه، اپرا یا کنسرت می‌روند ممکن است فکر کنید که از لحاظ اجتماعی متمدن‌تر از بقیه هستند ولی در زمینه‌های دیگر آنها هم مثل بقیه در سطحی معمولی هستند. اما مسلماً برای مردانی که دست آنها را گرفته‌اند آنها یک زن معمولی نیستند. **آنها برای مردانشان یک دنیا ارزش دارند.**

در «**سفر پیدایش**» آمده است: و خداوند گفت «**خوب نیست که مرد تنها باشد و من برای او یک همیار می‌سازم که مناسب او باشد.**» و بنابراین «**برای او یک زن ساخت**» ،خداوند مشخص نمی‌کند که برای او یک زن زیبا یا یک زن بد سیرت ساخت هیچگونه صفتی برای آن زن مشخص نکرد. او فقط زن را آفرید».

چرا این زن آنقدر برای مرد مهم است؟ **سه علت** دارد: **اول** اینکه او یک بدن گرم در رختخواب است. من به رابطهٔ سکسی با اینکه مهم است اشاره نمی‌کنم، ولی من به چیزی اشاره می‌کنم که برای انسان از همه چیز مهم‌تر است، تماس با انسانی دیگر.

بچه‌ای که در گهواره گریه می‌کند مایل به صحبت با شما و اینکه برایش انگشتر طلا بخرید نیست. او فقط می‌خواهد که او را در آغوش بگیرید و نوازش کنید. افراد بالغ هم به این تماس جسمی **احتیاج** دارند. آنها احتیاج دارند که یکدیگر را در آغوش بگیرند و از گرما و تماس یکدیگر در این دنیای بی تفاوت و سرد لذت ببرند. یک زن معمولی و یک مرد معمولی به این تماس **احتیاج** دارند.

دوم داشتن هم صحبت هم مهم می‌باشد. زوجها ممکن است حدود ۳۰ سال با یکدیگر صحبت کرده باشند. ممکن است تصور کنید که آنها پس از اینهمه سال دیگر چیزی برای گفتن به یکدیگر ندارند ولی اشتباه می‌کنید آنها هنوز هم چیزی برای گفتن به یکدیگر دارند.

آن گونه که این زوجها با یکدیگر صحبت می‌کنند هرگز نمی‌توانند با کس دیگری صحبت کنند مرد می‌تواند با همسرش در مورد اتفاق خوبی که برایش افتاده و کار خوبی که کرده صحبت کند بدون اینکه همسرش فکر کند که او مبالغه می‌کند، هدف اصلی این صحبت‌ها رد و بدل اطلاعات نیست بلکه فقط به این منظور است که بگویند «من اینجا هستم، و می‌دانم که تو هم اینجا هستی.»

سوم اینکه زن به مرد این احساس را می‌دهد که کسی به او وابسته است و به او نیاز دارد. اگر کسی به شما نیاز نداشته باشد شما برای چه خوب هستید؟ شخص دیگری مثل کارمندان شما، محصلین شما و یا خوانندگان شما ممکن است بگویند که به شما احتیاج دارند ولی با صرف کمی پول بیشتر آنها می‌توانند به سادگی شخص دیگری را جایگزین شما بکنند.

ولی برای زن شما جایگزین کردن شما به سادگی میسر نیست و این به شما اعتماد به نفس کافی می‌دهد که با مشکلات روزمرهٔ دنیای خود روبرو شوید.

بنابراین شوهر این «زن معمولی» - مثل پنجاه میلیون دیگر شوهر آمریکایی ارزش زیادی برای همسرش قائل است.

و چون من این مطالب را از نقطه نظر یک مرد نوشته‌ام فکر نمی‌کنم که این رابطه یکطرفه باشد.

انگار می‌شنوم که می‌گویید «تو چطور همهٔ اینها را می‌دانی؟» تو فقط یک اقتصاددان هستی و با اعداد و محاسبات سر و کار داری. این حقیقت دارد ولی من و همسرم چندین بار قدم زنان به طرف Kennedy Center رفته‌ایم.□

سلامت اجتماعی ازدواج در آمریکا

آمارهای تکان دهنده‌ای از ازدواج، طلاق و خوشبختی زناشویی در آمریکا

آیا آینده و یا وضع امروز جامعه یهودیان ایرانی در آمریکا نیز بدین گونه است؟

نوشتهٔ: دکتر جیمز دابسون
انتخاب نوشتار: دکتر رابرت صالح ربیع
برگردان: پیمان اخلاقی



توضیح مترجم:
مقالهٔ حاضر از نشریه‌ای مسیحی برگرفته شده است. بنا به مناسبت این ترجمه، در متن آن تغییراتی مختصر صورت گرفته است.

دوستان عزیز؛

آیا می‌توانم از شما، علیرغم مشغله‌های فراوانتان، خواهش کنم که تا اندازه‌ای که برای خواندن این نامه کفایت کند از کارهای خود دست بکشید؟ می‌دانم که صندوق پستی شما پر از چیزهایی است که مشکل می‌توان همه را از نظر گذراند، امّا پیامی که ابراز شده است ارزش چند دقیقه از وقت شما را دارد. گفتار این ماه به نهاد **ازدواج** و آنچه که بر آن می‌گذرد می‌پردازد.

آنچه می‌خواهم با شما در میان بگذارم گزارشی است که در ماه ژوئن ۱۹۹۹ انتشار یافته است و از اهمیتی حیاتی برخوردار است. مضمون این گزارش شامل پیامدهایی تلویحی برای هر خانواده‌ای است. عنوان گزارش **«وضعیت همبستگی‌های ما - سلامت اجتماعی ازدواج در آمریکا»** می‌باشد. این تحقیق توسط «پروژهٔ ملّی ازدواج» در دانشگاه راتگرز (Rutgers) تهیه شده است، و دو تن از پژوهشگران بسیار معتبر، دکتر **دیوید پاپنوئه**، استاد علوم اجتماعی و رفتاری، و دکتر **باربارا دافو وایت هد**، نویسنده و منتقد اجتماعی، آن را رهبری کرده‌اند. یافته‌های آنان بسیار هشیار کننده هستند.

گزارش نهایی با این توصیف کلّی آغاز شده است: **«برخی شاخص‌های اجتماعی نشانگر تضعیفِ بنیادین در نهاد ازدواج هستند. گرایش به ازدواج در میان آمریکاییان کاهش یافته است.** وقتی که ازدواج می‌کنند، ازدواج آنان از خوشبختی کمتری برخوردار است. به علاوه، زوجهایی که پیوند زناشویی بسته‌اند با احتمال بالایی از طلاق روبرو هستند. در طول چهار دههٔ گذشته، ازدواج به عنوان نخستین تجربهٔ زندگی مشترک برای زوج‌ها و به عنوان وضعیتی برای پدر یا مادر بودن افول کرده است. هم‌زیستی (Cohabitation) بدون ازدواج و زایمان‌های خارج از ازدواج به میزان بالایی افزایش یافته‌اند، و به همین منوال، درصد کودکانی نیز که در خانواده‌های بی ثبات رشد می‌کنند، فزونی یافته است.» **(۱۹۹۹، برای دسترسی به مقاله از طریق اینترنت به آدرس زیر مراجعه کنید:**
http://marriage.rutgers.edu)

این اظهاریه مهمترین یافته‌هایی را که از این پژوهش نامهٔ طولانی حاصل می‌شوند، خلاصه می‌کند. جزئیات اخصّ به قرار زیر هستند:

«به عنوان رابطهٔ میان یک زوج، **احتمال این که پیوندهای ازدواج با طلاق شکسته شوند تا از طریق مرگ بیشتر است.** با آن که ممکن است انتظار برود که آزادی بیشتر برای ترک یک ازدواج ناموفق می‌تواند این احتمال را که ازدواج‌های منسجم بسیار خوشبخت باشند بالا ببرد، به نظر نمی‌رسد که واقعیت چنین باشد. در مقایسه با دهه‌های گذشته، امروزه ازدواج‌ها از خوشبختی کمتری برخوردار هستند.»

«... به عنوان یک آیین بلوغ (**Rite of passage**)، ازدواج بیشتر اهمیت اجتماعی خود و برجستگی آیینی خود را از دست می‌دهد. برای جوانان امروز، ازدواج دیگر معبر استاندارد عبور از دوران نوجوانی به دوران بلوغ نیست. در مقایسه با گذشته، احتمال بسیار کمتری وجود دارد که برای زنان جوان، زمان ازدواج با زمان نخستین همخوابی جنسی پیوستگی نزدیکی داشته باشد. همچنین، احتمال این که ازدواج، نخستین پیوند همزیستی برای زوج‌های جوان باشد کمتر از گذشته است.»

«... به عنوان یکی از مراحل بلوغ در طول زندگی، ازدواج رو به کاهش می‌رود. آمریکاییان زندگی طولانی‌تری دارند، دیرتر ازدواج می‌کنند، با شتاب بیشتری از ازدواج‌ها خارج می‌شوند، و تصمیم می‌گیرند که پیش از ازدواج، پس از ازدواج، در بین ازدواج‌ها، و یا به عنوان جایگزینی برای ازدواج، [صرفاً] با یکدیگر زندگی کنند. درصد کم امّا در حال رشدی از آمریکاییان هرگز ازدواج نخواهند کرد. در نتیجه، در طول عمر، ازدواج با دوره‌های طولانی‌تری از زندگی مجرّد، چه همراه شریک و یا بدون شریک زندگی، احاطه شده است.»

«...به عنوان یک نهاد، ازدواج میزان زیادی از معنا و اقتدار قانونی، مذهبی، و اجتماعی خود را از دست داده است. ازدواج به حدّ «رابطهٔ میان یک زوج»، که عمدتاً برای ارضاء جنسی و عاطفی هر بزرگسالی طرح شده است، تنزل کرده است. همچنین، به تدریج ازدواج جایگاه خود را در زبان از دست می‌دهد. به موازات رشد چندگانگی در روابط خصوصی، امروزه مردم تمایل دارند که با مشمولیت دربارهٔ «روابط» و «شریک زندگی خصوصی» صحبت کنند، و ازدواج را در درون این طبقهٔ عمومی دفن کنند. افزون بر آن، به نظر می‌رسد که برخی از صاحبنظران معتقدند که حمایت از ازدواج مترادف با ذهنیت‌های سیاسی و مذهبی دست راستی، تبعیض علیه پدر و مادران تنها، و تحمّل خشونت در حریم خانواده می‌باشد.»

«...در میان زنان جوان، اطمینان اجتماعی به ازدواج در حال تزلزل است. تا همین اواخر، زنان جوان در مورد بحث خود برای خوشبختی و موفقیت در ازدواج بسیار

خانه لوستر نمایشگاهی از جدیدترین لوسترهای کریستال اصل و مدرن در **قلب ولی**

خانه لوستر گردآورنده بهترین‌ها برای منزل شما با هر بودجه و سلیقه





* لوسترهای کریستال اصل تمام تراش
* لوسترهای کنار سالونی
* چراغهای مدرن و رومیزی
* چراغهای باغی و هالوژن

قبول انواع سفارشهای مخصوص
با تحویل سریع و با نازلترین قیمت

شعبه دوم: *The Lighting Place*
14852 Ventura Blvd.
(818) 789-8870

در خیابان ونتورا
در شهر شرمن اُکس

شعبه اول: *The Crystal Place*
14900 Ventura Blvd.
(818) 783-2611

خوشبین بودند. امّا اینک، به استناد بررسی‌ها و پژوهش‌های مربوط به نوجوانان، اطمینان آنان به توانایی خود در دستیابی به ازدواجی موفق رو به کاهش دارد، افزون بر آن، آنان به گونه‌ای قابل توجه شیوه‌های جایگزین ازدواج، همچون مادر شدن بدون ازدواج و همزیستی را بیشتر می‌پسندند.»

«...در سطح سیاست گذاری ملّی، به گونه‌ای قابل ملاحظه، میزان کمی مطالعه و یا توجه دو حزبی به سوی ازدواج معطوف شده

اگر خانواده از هم پاشیده شود هرج و مرج اجتماعی پرهیز ناپذیر خواهد بود.

است. در طول یک دورهٔ چهل ساله از دگرگونی‌های تاریخی چشمگیر در ازدواج، هیچ پژوهش ملّی، مأموریت دولتی، یا هیأت ویژه‌ای تشکیل نشده است تا وضعیت ازدواج را بررسی کنند، و یا تمهیدهایی عملی برای تقویت آن پیش پا بگذارند. در حقیقت، از نظر سطح و جدّیت واکنش دولت به شواهد گستردهٔ تضعیف ازدواج، ایالات متحده از کشورهای انگلستان، استرالیا و کانادا به شدت عقب مانده است.» (همهٔ بازگفت‌های بالا از پژوهش مزبور برگرفته شده‌اند).

در اینجا به برخی آمار کلیدی پیرامون خانواده‌های امروز و ذهنیت‌های فرهنگی متوّجه آنان دقت کنید که از منابع مختلف گرد آمده‌اند:

- از سال ۱۹۷۰، در شمار سالانهٔ ازدواج‌ها از هر هزار زن، کاهشی بیش از یک سوم وجود داشته است.

- درصد بزرگسالان در جمعیت، در یک زمانِ معین، که ازدواج کرده باشند، کاهش یافته است. با این حال، تعداد زوج‌های همزیستی که پیوند ازدواج نبسته‌اند به رشد خود ادامه می‌دهد. (۸۶۵ درصد از سال ۱۹۶۰).

- شمار زوج‌هایی منسجم که ازدواج خود را «بسیار خوشبخت» می‌بینند کاهش یافته است. (در سال ۱۹۷۳، ۶۷/۴ درصد اظهار می‌کردند که ازدواج آنان «بسیار خوشبخت» است. این رقم در ۱۹۹۶ به ۶۱/۹ درصد کاهش یافته بود.) تخمین زده شده است که پس از ده سال تنها ۲۵ درصد نخستین ازدواج‌ها موفق خواهند بود، یعنی ازدواج‌هایی که منسجم باشند و زوجین آن را خوشبخت ارزیابی کنند.

- میزان متوسط سن ازدواج بالاترین حد خود در تاریخ آمریکا است. این رقم، در حال حاضر، معادل ۲۷ سالگی برای مردان، و ۲۵ سالگی برای زنان می‌باشد.

- درصد بزرگسالانی که در حال حاضر طلاق گرفته‌اند از سال ۱۹۶۰ چهار برابر شده است.

- درصد کودکان در خانواده‌های تک والد (ه) از ۹ درصد در ۱۹۶۰ به ۲۸ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. اینک، ۳۵ درصد کودکان دور از پدران بیولوژیک خود زندگی می‌کنند.

- درصد نوجوانان پسر و دختری که می‌گویند داشتن یک ازدواج خوب و زندگی خانوادگی «به شدت مهم است» افزایش یافته است. این رقم، در مورد دختران، از ۸۰/۲ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۸۳/۱ درصد در ۱۹۹۵، و در مورد پسران، از ۶۹/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۷۲/۹ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است. متأسفانه، درصد نوجوانانی که همزیستی و زایمان خارج از چهارچوب ازدواج را نیز می‌پذیرند افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۰، تنها ۳۲/۳ درصد از دختران، و ۴۹/۴ درصد از پسران احساس می‌کردند که همزیستی ایدهٔ خوبی است. اینک، این ارقام معادل ۵۴/۶ درصد برای دختران و ۶۲ درصد برای پسران می‌باشند. بیشتر از ۵۰ درصد نوجوانان اظهار می‌کنند که اینک صاحب فرزند شدن خارج

همه می‌گویند که ما در جشنشان گل کاشته‌ایم

برای دیدن تزئینات زیبا و بی نظیر گل یا به نمایشگاه ما بیائید یا ما به دیدن شما خواهیم آمد.

عروسی - بر میتصوا - بت میتصوا - تولد - شاور

گل آرایی کورش

(۸۱۸) ۷۰۴ - ۸۲۸۳

زیباترین تزئینات گل و بادکنک

عروس و دامادهای ما تا سه سال متوالی، سبد گل را برای سالگرد ازدواجشان در خانه بخت خود از ما هدیه خواهند گرفت.

از چهارچوب ازدواج «شیوهٔ زندگی ارزشمندی» است.

آیا این یافته‌ها چنان که مرا تکان داده‌اند، دل شما را نیز به درد می‌آورند؟ در پس آمار خشک و گزارشات اجتماعی، میلیونها انسان وجود دارند که صدمه دیده‌اند ـ شوهرها، زنان و کودکانی که برایشان **هر چیز با ثبات و قابل پیش‌بینی در هم شکسته شده است.** این ارقام و گزارشات نشانگر درد زنان عاشقی هستند که خود را به تمامی و با همهٔ وجود وقف مردانی کرده‌اند که پس از مدتی به دنبال عشق دیگر رهایشان کرده‌اند. این شاخص‌ها از شوهرهایی سخن می‌گویند که به سختی تلاش می‌کنند تا کودکان خود را به تنهایی بزرگ کنند، چرا که همسران آنان بر آن شده‌اند که دیگر نمی‌خواهند مادر باشند، و البته، این ارقام انعکاس چهرهٔ کودکانی هستند که هر شب با گریه به خواب می‌روند، چرا که می‌توانند فریادهای پدر و مادر خود را بشنوند که گلوی همدیگر را چسبیده‌اند.

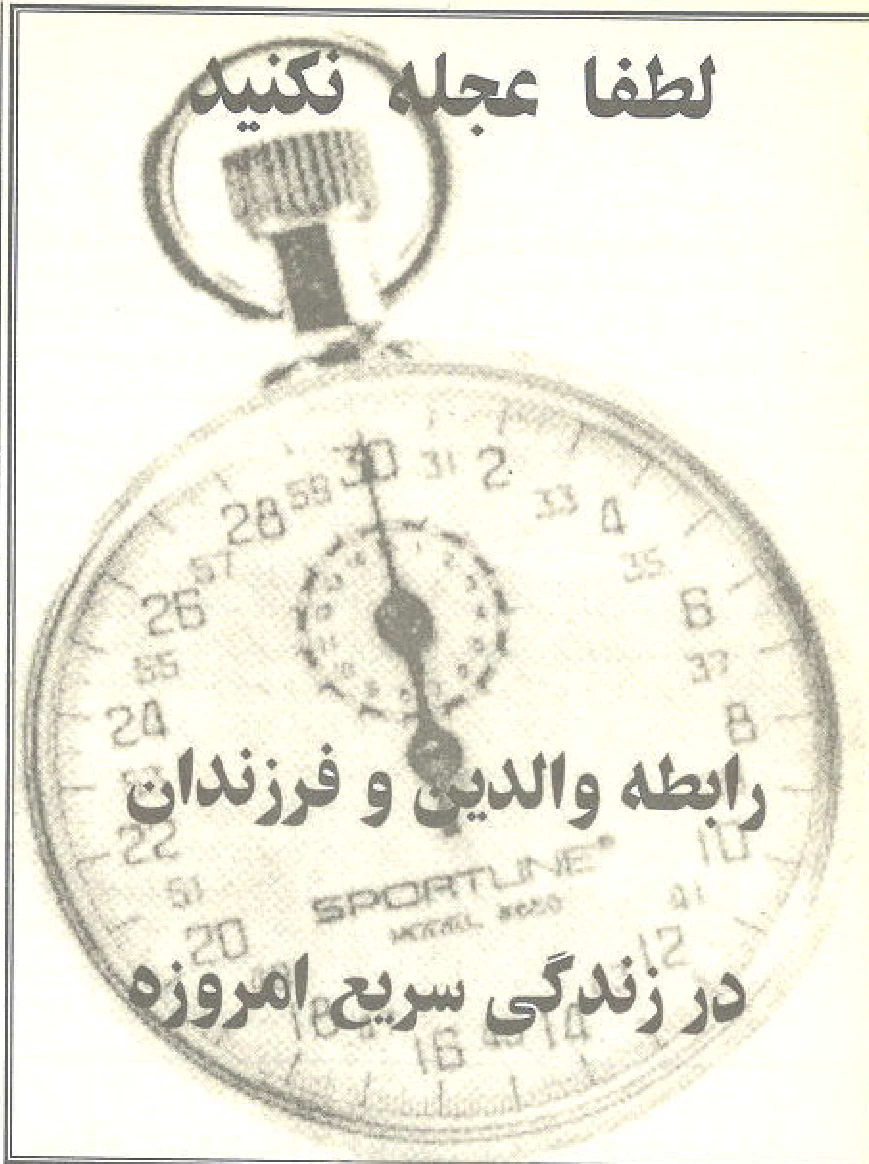
همچنین، این ارقام، برگرفته از پژوهش نامهٔ دانشگاه راتگرز، مرگ خانواده را در دنیای غرب پیشگویی می‌کنند، مگر آن که عطفی چشم‌گیر رخ دهد. اگر خانواده از هم پاشیده شود، هرج و مرج اجتماعی پرهیز ناپذیر خواهد بود. شمارِ رو به ازدیادی از کودکان در فقر و ناامنی بزرگ خواهند شد. خانواده، که بزرگترین محلی است که برای آموزش درست و نادرست و کتاب مقدس به پسران و دختران تمهید شده است، دیگر فرو خواهد ریخت. نسل‌های بعدیِ کودکان گمگشته و بی ریشه، جامعه‌ای عاری از مطلق‌های اخلاقی و یا ارزش‌های سنّتی به ارث خواهند برد. آن لطافت و دیگر اندیشی که هنگامی که یک مرد و زن پیوند ناگسستنی تعهد به یکدیگر را شکل می‌دهند به عرصه می‌آید، از میان خواهد رفت. زنانِ تنها، به عمد و یا اتفاقی، صاحب فرزند خواهند شد و آنها را بزرگ خواهند کرد، و به سختی خواهند کوشید تا از نظر عاطفی و اقتصادی، بر پای خود دوام آورند.

تأثیر تجرّد در تمام طول زندگی بر مردان نیز واجد اهمیتی مشابه است. جُرج گیلدر، یکی از نقّادان اجتماعی، در کتاب کلاسیک خود با عنوان **مردان و ازدواج**، این نکته را روشن ساخت که مردانی که مسئولیت یک خانواده را بر خود می‌پذیرند اغلب به شیوه‌هایی برانگیخته می‌شود که به همهٔ اجتماع فایده می‌رساند. آنان، عمدتاً، نیروهای جنسی خود را در مسیری به جریان می‌آورند که منجر به رشد، خلاقیت، صرفه‌جویی، ایثار و حفاظت را برای کسانی می‌شود که به ایشان تکیه کرده‌اند. امّا در غیبت ازدواجی انحصاری و متعهدانه، گُستاخی مردانه و اشتهای جنسی آنان به سوی لذّت جویی کوتاه مدت، رفتار غیر اجتماعی، و خودخواهی سوق می‌یابد. این مسئله به ویژه هنگامی حقیقت دارد که ایمان به خدا ناپدید شده باشد. در بدترین وضعیت، این مردان به سوی الکل و یا اعتیاد به مواد مخدّر روی می‌آورند، شکارچیان سکس می‌شوند، و یا به ولگردان یا مجریان خشن تبدیل می‌شوند. اگر نسبت به این برداشت تردید دارید، به نواحی‌ای از ایالات متحّده و دیگر کشورهای جهان، به ویژه روسیه، نگاه کنید که در آنها ازدواج از هم پاشیده است و میلیونها کودک در خیابانها بزرگ می‌شوند. آنجا و هر جای دیگر ما شاهد شمار عظیمی از مردان گمگشته و گاه خشن هستیم که نیروهایشان در عوض پیشرفت اخلاقی و عقلانی و رشد، در مسیر مقاصد ویرانگرانه استفاده می‌شوند.

با این حال، تبعیض‌های دیگری که بر علیه ازدواج فعالیت می‌کنند نیز وجود دارند. چنان که در پژوهش‌نامهٔ راتگرز مشاهده شد، خودِ واژهٔ «ازدواج» به آرامی جای خود را در زبان از دست می‌دهد. آیا توجه کرده‌اید که این روزها، سیاستمداران ندرتاً به واژهٔ «الف» اشاره می‌کنند؟ طی ماه‌های آینده با دقت گوش کنید. خواهید دید که این گفته حقیقت دارد. بیشتر کاندیداهای مقامات بالا، از جمله کاندیداهای ریاست جمهوری، اغلب پیرامون «خانواده» و «ارزش‌های سنتی» حرف می‌زنند، امّا به ندرت ذکری از ازدواج به میان می‌آورند. چرا نه؟ زیرا این نهاد که از سوی خداوند الهام شده است، از نظر سیاسی به عنصری نامناسب تبدیل شده است. به گونه‌ای غیر منصفانه، از ازدواج انتقاد می‌شود که توهینی به کسانی که خارج از چهارچوب ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند، و برخی از فعالان همجنس‌گرا می‌باشد...□

خواهشمندیم اگر بنا به علتی بیش از یک شماره از این نشریه را دریافت می‌کنید، ما را مطلع نمائید.
پولی که از این راه صرفه‌جویی می‌شود به مصرف خدمات عام‌المنفعه دیگر می‌رسد.

تلفن: ۹۸۴۶ - ۸۴۳ (۳۱۰)
فکس: ۹۲۶۶ - ۸۴۳ (۳۱۰)



نوشته: دیوید آرونسون
متخصص امور خانوادگی
برگردان: فلورا پوراتی

همانطور که به قرن بیست و یکم نزدیک می‌شوید باید یاد بگیریم که چگونه در دنیائی که همه چیز بسرعت اتفاق می‌افتد، آرام باشیم.

اجازه بدهید به دانیل و لیندا نظری بیاندازیم. آنها نمونهٔ معمولی یک زوج آمریکایی هستند. هر دو تحصیلکرده و مشغول به کار مربوط به تخصص خود و دارای ۲ فرزند می‌باشند. آنها در شبانه روز بیشتر وقت خود را صرف این امر می‌کنند که موازنه‌ای بین کارهای خانه و شغل خود بوجود آورند. من دربارهٔ جشن سالگرد ازدواجشان از آنها پرسیدم و اینکه مایلند چگونه آنرا برگزار کنند. آنها خندیدند و گفتند که بجای یک قرار ملاقات عاشقانه رمانتیک مایلند که یک شب اطاقی را در یک هتل رزرو کنند و تا صبح فقط بخوابند.

بچه‌ها مقدار زیادی از وقت آنها را بخود اختصاص می‌دهند. شش ساعت در کودکستان بسر می‌برند و بعد از آن در روزهای مختلف به کلاسهای شنا، کاراته، موسیقی، ژیمناستیک، فوتبال و حداقل ۲ بار در هفته دیدار با تعیین وقت قبلی با دوستانشان دارند. تازه اینها بغیر از دعوت به پارتی‌های تولد در روزهای آخر هفته می‌باشد. نیمی از اوقات زمانی که بچه‌ها با عجله به خانه می‌آیند یا آنقدر خسته‌اند که نمی‌توانند غذا بخورند یا آنقدر هیجان زده هستند که نمی‌توانند به رختخواب بروند.

من از والدین این بچه‌ها در مورد منافع این برنامهٔ فشردهٔ بچه‌ها را پرسیدم و آنها فوراً جواب دادند که «این موقعیت خوبی است برای بچه‌ها که در سن بسیار کم تجارب زیادی کسب کنند». بعداً من با پسر بزرگ‌تر آنها ملاقات کردم و از او پرسیدم که «بیشترین کلمه‌ای که در خانه آنها تکرار می‌شود چیست؟» و او جواب داد «تندتر لطفاً».

اگر چه ما در یک دنیای پیشرفتهٔ علمی زندگی می‌کنیم با موقعیت‌های غیر محدود ولی ملّت عجولی هستیم که تحمّل تأخیر برایمان مشکل است. ما ساعتهای زیادی را صرف شکایت از کندی ترافیک، اینکه کامپیوتر به اندازهٔ کافی سریع نیست، فرستنده‌ها به اندازهٔ کافی تند عمل نمی‌کنند و از اینکه فرزندانمان نمی‌فهمند که ما اگر از آنها کاری را می‌خواهیم که انجام دهند منظورمان این است که در اسرع وقت و فوری. فشار روحی که ما بعنوان والدین متحمّل می‌شویم بسرعت افزایش می‌یابد و اگر ما قدرت این را نداشته باشیم که آنرا تشخیص دهیم و بسرعت خود را پایین بیاوریم قادر نخواهیم بود که پدر و مادر خوبی برای فرزندانمان باشیم.

یک ماشین مسابقه را در نظر بگیرید که با دندهٔ پنجم در حرکت است و قادر است که بسرعت به مقصد خود رسیده و موفقیت را کسب کند. ولی اگر بخواهد همان سرعت را داشته باشد ولی مجبور باشد که مواظب پیاده‌روها و ماشین‌های دیگر باشد، نتیجه بدون شک غم‌انگیز خواهد بود.

افراد-اجتماع ما مثل ماشینِ مسابقه با دندهٔ پنجم هستند. هرگز وقت کافی در اثنای روز برای انجام تمام کارهای آنها وجود ندارد، در

مغزی که مدام تحت فشار بوده و با سرعت انجام وظیفه کند قدرت خود را در مورد برگشت به وضع معمولی و آرام از دست می‌دهد.

نتیجه در رفتار و اخلاق آنها تأثیر گذاشته و آنها را تبدیل به افرادی بد اخلاق و عجول و خسته می‌کنند. رفته رفته طوری می‌شود که ما دیگر حوصلهٔ همسر و فرزندانمان را هم نداریم. ولی بچه‌ها خیلی عاقل‌تر از آن هستند و نمی‌خواهند که هدف بی حوصلگی والدین خود قرار گیرند.

برای بچه‌ها خیلی مهم است که قدرت مقابله با تغییرات روحی و روانی را داشته باشند و در آینده بتوانند زندگی طبیعی و آرامی را داشته باشند.

اخیراً دانشمندانی که دربارهٔ مغز انسان تحقیق می‌کنند مقاله‌ای را چاپ کرده‌اند مبنی بر اینکه مغزی که مدام تحت فشار بوده و با سرعت انجام وظیفه کند قدرت خود را در مورد برگشت به وضع معمولی و آرام از دست می‌دهد. تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که مغز مراحلی را طی می‌کند که خاطرات را در خود بصورت دائم حفظ می‌کند و انجام کارها با عجله و زود به مغز فرصت کافی برای بخاطر سپاری کامل را نمی‌دهد.

تحقیقات در مورد دانش آموزان دبیرستان نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که بین ۵ تا ۸ دقیقه بین کلاسهای آنها فاصله است برایشان مشکل‌تر است که مطالب یاد گرفته در کلاس را به مدت زیادی بخاطر بسپارند زیرا که مغز آنها وقت کافی نداشته که مراحل مختلف را طی کرده و مطالب را به قسمت یادگیری مغز انتقال دهد.

تحقیقات بیشتر نشان می‌دهد که دانش آموزانی که بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در بین کلاسها وقت استراحت داده شده قادر بوده‌اند که مطالب کلاس را به مدت زیادتری در حافظهٔ خود نگهدارند.

استفاده از عبارت **«لطفاً عجله کنید»** ممکن است به خاطر زیاد شدن بیماری کند ذهنی یا عدم تمرکز خاطر (ADD) Attentional Disorders که بعضی از افراد دچار آن می‌باشد.

این بیماری علل بسیاری دارد که یکی از آنها وراثت می‌باشد و دیگری وقایع سهمناکی که در دوران اولیه کودک برای او اتفاق می‌افتد. بهر حال سه عامل مهم در این بیماری بی توجهی، عدم نشان دادن عکس‌العمل و جنبش و حرکت زیاد از حدّ می‌باشد. هیچ نشانه‌ای در دست نیست که آیا محیط اطراف نقشی در بوجود آمدن این طرز رفتار دارد یا خیر؟

چندی بعد من با دیوید و لیندا در مورد تغییراتی در زندگی روزمرهٔ آنها صحبت کردم. آنها قبول نداشتند که این طرز زندگی آنها اثر منفی در وجود فرزندانشان خواهد گذاشت. ولی قبول کردند که وقت بیشتری را با فرزندانشان بگذرانند و بجای اینکه بچه‌ها را به کامپیوتر و تلویزیون بسپارند، خودشان با آنها وقت صرف کنند و همیشه بخاطر داشته باشند که وقتی داخل خانه می‌شوند و در را می‌بندند باید به آرامی زندگی کنند.

حالا بخاطر بچه‌های خودتان و برای ما و همه که شده **«لطفاً عجله نکنید»**. □



تهران رنتال

مجهزترین رنتال در جنوب کالیفرنیا

میز و صندلی و چادر و انواع و اقسام رومیزی اسکرت

Tehran Rental

با مدیریت نادر زاغی

Tel: (818) 342-7368
(818) 342-RENT
FAX: (818) 774-9119

چگونه میتوانید پا بپای فرزندان خود از برنامه های کامپیوتری دانش بیآموزید و لذت ببرید

از: Creativity On Line
برگردان: ژوزف مبسری

این روزها با پیدایش کامپیوتر و تکامل سریع آن حتماً کلمات web. site و یا Internet را شنیده‌اید.

این مراکز و ایستگاه‌های کامپیوتری بشما امکان میدهد از انواع و اقسام سرگرمی‌ها و فعالیتهای کودکستانی تا کلاس ششم فرزندان خود به همراه آنان باشید و استفاده کنید.

برنامهٔ www.funschool.com مشوق کودکان در فراگرفتن دانش بوده و در پرورش فکری آنان رل مهمی را بازی می‌کند. برای دسترسی به این برنامه از طرف طراح آن مبلغ ۵ دلار آبونمان ماهانه تعیین شده است.

برنامهٔ دیگری به نام www.getnetwise که شما کنترل این بازی را در دست دارید و والدین. این برنامه America on line, AT & T, Disney و IBM می‌باشند.

این برنامه همچنین دارای یک دریچه احتیاط است که کودکان قادر نیستند به برنامه‌های منع شده برای آنها دسترسی داشته باشند.

برنامهٔ Netmom دارای برنامه‌های جالبی است که برای والدین بسیار سودمند است. "Homework Tools" به فرزندان شما امکان میدهد که از مجموعه‌های دانشی Encyclopedia و اطلس (Atlas)های مختلف استفاده کرده و حتی با آموزگاران و تعلیم دهندگان در تماس باشند.

برنامهٔ www.evesta.com توسط آقای Robert Cotner طرح ریزی شده و هنگامی که دختر ۱۴ ساله او قصد استفاده از Internet را داشت، در سال ۱۹۹۲ برنامهٔ www.evesta.com طرح ریزی کرد که در این برنامه تمام برنامه‌های Internet از یک صافی می‌گذرد و آن تصاویر و مطالبی که برای جوانان سودمند نیست حذف می‌شود و این صافی غیر قابل خاموش کردن است. روزانه ۴۰۰ برنامه از این تشکیلات می‌گذرد که همیشه در حال تغییر است.

وسیله ارتباطی دیگر با Internet برای کودکان وجود دارد به نام "Sercho Polis" که با آن می‌توانند از یک برنامه آموزشی بسیار قوی بهره‌مند شوند. این برنامه شامل اطلاعات محیط زیست و ۶۵۰ مجموعه از علوم مختلف می‌باشد و نیز آنها را از دنیای اطراف خود با خبر می‌سازد.

"www.safekids.com" توسط آقای Laurene Magid طرح ریزی شده که هدف آن کمک به کودکان است که آنها بتوانند بدون دردسر و مواجه شدن با اطلاعات مضر به تفریح و آموزش از طریق Internet بپردازند. در این پروگرام کودکان و والدین بطور مشترک مسئولیت دارند. این همکاری را می‌توان روی کاغذ آورد و در کنار کامپیوتر نصب نمود. فرآموزان وظیفه دارند هر گاه به اطلاعات و برنامه‌هایی برخورد کردند که دربارهٔ آن‌ها احساس راحتی نمی‌کنند، فوراً آنها را به اطلاع والدین خود برسانند. همچنین والدین مسئول هستند که کودکان را تحت مراقبت داشته باشند و از تمام برنامه‌ها با خبر باشند.

از جمله وسیله موجود برای مراقبت کودکان:

"Effort Armed to protect kids"

نامدارد.

ارتباط بین کودکان و کتابخانه‌ها که مسئولین آن این برنامه‌ها را تهیه کرده‌اند "Kids click" نام نهاده شده و کودکان را به اخبار جاری روز، ادبیات، ورزش و تفریحات سالم آشنا می‌کند. □



رسیدن به سن قانونی

چگونه انسان واقعی تربیت کنیم؟

القای ارزشهای یهودی

نوشته: کندیس ر. کوویانک
برگردان: روزا کیائی

شما یک حساب پس‌انداز برای تأمین هزینه‌های کالج فرزند خود دارید. خانه‌ای که خریده‌اید در منطقه‌ای است که دارای مدرسه «خوب» است.

پول توجیبی قابل ملاحظه‌ای فراهم می‌کنید، مثل یک راننده برای هر نوع فعالیت فوق برنامه با ارزش برای کودکستان عمل می‌کنید، و اطمینان حاصل می‌کنید که فرزندانتان با «گروههای درست» معاشرت می‌کنند.

به جمع آوری اعانه کمک می‌کنید، در مدرسه کار داوطلبانه انجام می‌دهید، و تیم ورزش بچه‌های محل را رهبری می‌کنید. حتی جوانهای خود را به مدرسه خصوصی می‌فرستید.

آیا این‌ها برای تربیت فرزند غیر مذهبی کافی هستند؟ ممکن است.

آیا این‌ها برای تربیت یک انسان واقعی یهودی کافی هستند؟ البته خیر.

انسان واقعی شخصی است که پای‌بند اخلاق است و مطابق ارزشهای یهودی عمل می‌کند. مشتی افسانه درباره تربیت انسان واقعی وجود دارد که چند نمونه آنرا در زیر ذکر می‌کنیم:

- انسانها طبیعتاً خوب هستند؛ این اجتماع است که آنها را وادار به انجام اعمال پلید می‌کند.

- کودکان با داشتن سرمشق یاد می‌گیرند که انسان واقعی باشند؛ شما نمی‌توانید انسان واقعی بودن را به آنها بیاموزید.

- یا برعکس، اگر شما فقط انسان خوبی باشید، می‌توانید انسان واقعی بودن را آموزش دهید.

- خوب بودن «به تنهایی کافی است».

افسانه شمارهٔ ۱: «انسانها طبیعتاً خوب هستند، اجتماع است که آنها را وادار به انجام اعمال پلید می‌کند».

این دیدگاه گسترده مستدل نیست افراد خود و افراد بد از میان محیط‌های اجتماعی هم خوب و هم بد برخاسته‌اند. به علاوه این حکم منجر به نتایج جدی می‌شود. تلاش گسترده‌ای برای تغییر اجتماع انجام می‌شود، در حالی که این ارزشهای اجتماعی هستند که باید تغییر کنند.

افراد مسئول اعمال پلید خود به حساب نمی‌آیند؛ بلکه شرایط اجتماعی به محاکمه کشیده می‌شوند. خلافکاری به جای اینکه یک مسئله اخلاقی به حساب آید، یک مسئله روانی - یک بیماری - محسوب می‌شود. بنابراین مجرمان «به علت جنون، بی گناه» در نظر گرفته می‌شوند.

یک دیدگاه دیگر بر اساس این افسانه: اگر انسانها طبیعتاً خوب هستند، نیازی به آموزش اخلاق نیست. بر خلاف این دیدگاه غیر مذهبی، یهودیت بر عدم وجود پلیدی اصرار می‌ورزد: پلیدی به وسیله انتخاب‌های غیر اخلاقی، بر اساس معیارهای مطلق

(بخوانید خداداده) حق و باطل بوجود می‌آید.

در دنیای گیاهان و حیوانات هیچگونه پلیدی وجود ندارد، زیرا گیاهان و حیوانات نمی‌توانند انتخاب اخلاقی بکنند. در حالیکه انسانها از آزادی انتخاب بین خوب و بد برخوردار هستند و سنت ما راهی است برای اینکه بیاموزیم چگونه انتخابهای درست را انجام دهیم.

افسانهٔ شمارهٔ ۲: انسانها انسان واقعی بودن را با سرمشق می‌آموزند.

این مثل این است که بگوییم، بچه‌های خوب از خانواده‌های خوب می‌آیند. «این امر اغلب حقیقت دارد، ولی صد در صد نیست. بعضی‌ها با سرمشق یاد می‌گیرند، بعضی‌ها باید مستقیماً آموزش ببینند و برخی نیز به هر دوی اینها احتیاج دارند.

در سراسر ادبیات خود، داستانهایی از فراگیرنده‌های یهودی می‌یابیم - چهار پسران پسح، چهار شاگردان خردمندان، راب عقیوا که مطالعات خود را در سن ۴۰ سالگی آغاز کرد...

در هر کدام، در می‌یابیم که بر آموزش بر اساس نیازهای فراگیرنده - توانایی، سن، علاقه، روش یادگیری تأکید می‌شود. تحقیقات آموزشی جاری نیز تقریباً همین‌ها را القاء می‌کنند. درس نهایی: سرمشق خوب بودن یا سرمشق خوب ارائه دادن به تنهایی کافی نیست.

افسانهٔ شمارهٔ ۳: شما نمی‌دانید انسان واقعی بودن را آموزش دهید.

آیا این عادت را آموزش می‌دهید: «تا زمانی که یادداشت تشکر ننویسی، نمی‌توانی از آن استفاده کنی»؟

آیا «خواهش می‌کنم» و «متشکرم» را در سر میز الزامی می‌دانید؟ آیا «کتک زدن ممنوع» را اجرا می‌کنید؟ آیا برکنار گذاشتن قسمتی از پول توجیبی برای امور خیریه اصرار می‌کنید؟

اگر پاسخ‌ها «آری» است، شما در مسیر آموزش انسان واقعی بودن قرار دارید. همچنانکه این ارزشهای غیر مذهبی و اجتماعی را اجرا می‌کنید، می‌توانید خوب بودن یهودی را نیز بیاموزید.

اگر به دنبال جایی برای شروع یادگیری ارزشهای شخصاً یهودی هستید، یا می‌خواهید به معیارهای فعلی خود رنگ یهودی بدهید، با کتابهای یهودی شروع کنید. کتابهای مصور می‌توانند منافع مختصر و مفید و دقیقی برای تشریح ارزشهای یهودی برای کودکان باشند.

سعی کنید ارزشهای یهودی را در زندگی روزمره خود بگنجانید. مثلاً غذا دادن به سگ را به عنوان ارزشی برای توجه به حیوانات قرار دهید؛ سر زدن به مادربزرگ را ارزشی برای احترام به سالمندان قرار دهید؛ و بازیافت را ارزشی برای توجه به زمین قرار دهید.

افسانهٔ شمارهٔ ۴: اگر شما انسان خوبی باشید، می‌توانید انسانی واقعی بودن را یاد بدهید.

این یک شروع است ولی خوب بودن و خوبی را آموزش دادن - «قبل از رفتن به مدرسه به سگ غذا بده» - همانند انسان واقعی بودن و آموزش چگونگی انسان واقعی بودن نیست - «قبل از صبحانه به سگ غذا بده، زیرا تماشای غذا خوردن تو باعث رنج کشیدن او می‌شود؛ خردمندان به ما می‌آموزند اگر موجب رنج کشیدن حیوانی شویم، بی عدالتی است.»

برای تربیت انسان واقعی، مهم است که خوبی را بر اساس مفاهیم ارزش‌ها و سنت‌های یهودی - و نه فقط بر اساس هر گونه ارزش‌ها و سنت‌های خوب، بیاموزیم و آموزش دهیم.

افسانهٔ شمارهٔ ۵: خوب بودن به تنهایی کافی است.

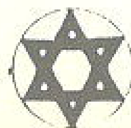
خوبی به خودی خود یک ارزش غیرمذهبی است، و از آن جاکه بر هیچ اصل اخلاقی مطلقی استوار نیست، بر حسب فرد یا اجتماعی که آن را تعریف می‌کند، نسبی است. با چنین تعریفی، یک هیتلر می‌تواند به نظر اجتماعش خوب باشد و فرد ثروتمندی که پول فراوان صرف امور خیریه کردن را دوست دارد، خوب قلمداد شود.

انسان واقعی بودن، خوبی در مفهوم نگرشی مذهبی است. این شامل شناخت ارزش‌های یهودی و جستجوی فرصت‌هایی برای به اجرا در آوردن آن‌ها است. از دیدگاه یهودی، انسان واقعی پول می‌دهد زیرا الزامی است، نه فقط به خاطر اینکه اجر دارد. برای فرد یهودی خوب بودن به تنهایی کافی نیست، فرد یهودی باید برای انسان واقعی بودن تلاش کند.

با تربیت هر یک از فرزندانمان برای اینکه نه فقط خوب، بلکه انسان واقعی باشند، تضمین می‌کنیم که دنیا جای بهتری برای زندگی باشد.

منابع خواندنی

- «۴۰ راه برای نجات یهودیان» نوشتهٔ **جوئل لوری گریشاور**. کتابی خوب برای شروع. حاوی مطالب علمی واقعی برای والدین.
- «صندوق پست خدا» و «آیا انگشت‌های خدا بزرگ است؟» نوشتهٔ **مارک کالمن**. «پیامها» یهودی در داستانهای کتاب مقدس.
- **Shabbos Doc from Torah Award**. فکس یا پست الکترونیکی هفتگی مناسب برای خانواده‌هایی که فرزندانشان در کلاسهای آخر دبستان یا دبیرستان هستند؛ با داستانها، وقایع خبری و خلاصه تورات. با این شمار تماس بگیرید: **1-800-BE-TORAH**
- «دو بار فکر کنید» نوشتهٔ **دنیس فریجر**. مقاله‌هایی قومی که شما را وادار به تفکر می‌کنند.
- «همچنانکه روی یک پا ایستاده‌اید» نوشتهٔ **نینا جافز و استیو زیتلین**. ۱۳ داستان هماگونه و خردمندانه که ارزشهای یهودی را آشکار می‌کنند.





اصلاح خانه بشری

نوشته: پروانه صراف

فرهنگ یک قوم در طول زمان رفته رفته فرم می‌یابد و این فرهنگ هویت آن قوم را مشخص می‌سازد.

نویسنده‌ای نه چندان دوست در قرن بیستم چنین می‌نویسد: **اسرائیل در ابتدای پیدایش خود نه یک واحد نژادی بود و نه ملی، بلکه یک اتحادیه‌ای بود از عشایر مختلف که در لوای یک میثاق و عهدنامه با «یهُوه» خدای خود متحد گردید.**

در عصر رهبر بزرگ ما موسی کلیم‌الله. به نظریه و گفته یک عالم دشمن، مشاور سلطان عصر بنام بیلعام توجه کنیم. او توسط حاکم وقت مأمور گردید متکی به علم خود با هر حیله و تزویر از پیشرفت قوم موسی جلوگیری نماید، ولی بیلعام به محض مشاهده قوم از قله کوه بجای نفرین و نیرنگ چنین گفت:

מה טובו אוהליך יעקב משכנותיך ישראל

پروردگارا...چه زیباست خیمه گاه تو ای خدای یهود...که تمامی اشاره به بنای کانون خانواده است. ما یهودیان با سعی در حفظ صلح و آرامش در منازل خود «خدا» را در جمع میهمان می‌کنیم. باید اضافه نمایم گفته این حکیم، آغاز عبادت ما یهودیان است در وقت ورود به محل عبادت و کنیسا.

و بیلعام با درایت ذاتی خود این خصیصه یهودیان و واقعیت را دریافت که خانه خدا در اصل در قلب خانواده‌هاست. آنجا که همگی در صلح و آرامش به عبادت مشغولند.

واژهٔ אוהל به معنی چادر، خیمه اشاره و معرف کانون خانوادگی است. زیرا با حفظ ایمان توأم با آرامش و صلح در خانه‌ها و منازل، بقا و جاودانگی خود را مُهر می‌زنیم، و چه بجاست که بدانیم کلمه مسکن، خانه، مأوا، و مکان اشاره به تقدس حضور الهی است که بارها در توراه ذکر شده است.

הַמָּקוֹם در رابطه با «بوته آتش» و کلمه شالم که از ریشه שָׁלֵם به معنی کامل گرفته شده است نیز یکی از القاب الهی است.

در بیانی ساده‌تر خانه‌ای که در آن صلح و صفا و آشتی چتر زده است، در اصل عطر مقدس «خدا» در آنجا خیمه زده است.

غایت اهمیت و ارزشمندی یک فرد، یک ملت، یک قوم به اندازه ارزشی است که برای نهاد خانواده قائل است.

در مرام ما یهودیان خانه به نام מִקְדָּשׁ מְעַט

نام گرفته است. به معنی «محراب مقدس» و پدر و مادر هر کدام در منصب کاهن بزرگ معبد هستند. و نیز غذاخوری همانند قربانگاه عطر קטורת و فرزندان فرشتگانی هستند که در محراب طواف می‌کنند. این چنین است منزلت خانواده در فلسفه و نظر ما یهودیان. هر هفته در غروبگاه روز جمعه با تلاوت عبادت و سرود فرشتگانِ صلح و آشتی را به کاشانه‌های خود خوانده و به آنان خوش‌آمد میگوئیم.

מלאכי השרת מלאכי השלום ،

فرشته‌های صلح و رحمت و...

بدانیم: هر آنکس که در پایداری و بقای این ترنم لذتبخش صلح و سازش تلاش کرده و بیفزاید، معبدش آباد، میز طعامش همیشه پر بار و مهیا و قهقهه فرشتگانش فضای خانه‌اش را پر کرده و برکت می‌آورند.

آمده است که خداوند نعمتی برتر از صلح و دوستی نیافت که قوم را به آن برکت دهد. و لذا چنین آمده است:

ה' עוז לעמו יתן ה' יברך את עמו בשלום

و خداوند بندگانش را بقدرت آراست. ولی او را با نعمت صلح و آرامش و دوستی برکت نمود.

הרי השלום כלי מחזיק ברכה

شالم - صلح و آرامش قدحی است که نگهدارنده همه نعمات است.

صلح و آرامش فروغی است که تمامی ذراتش سعادت است و نعمت.

صلح و آرامش قدحی نگهدارنده تمامی برکات خدا و دنیوی.

اهمیت خانواده و چرا خانواده به وجود آمد.

خانواده نهادی است که قبل از انسان وجود داشته است، که اکثراً به دلایل اقتصادی بوده...و نهایتاً این ضرورت حاصل آمد که نهاد خانواده از طریق مذهب و اخلاق سامان گرفته و مقدس شمرده شود.

תרי״ג מצוות יש בתורה ומכלן לא פתח ה'' אלא במצוה זו ''פרו ורבו''

از میان ۶۱۳ فرمان، اولین امر ذکر شده در توراه، بنای خانه و خانواده است و بقای نسل. زیرا در این امر جلال است و شکوه.

האדם הוא כתר כל הנבראים

در پایان برنامه خلقت آمده است که انسان تاج آفرینش است.

آئین یهود برای خانواده اهمیت زیادی قائل است. دوست داشتن همسر و فرزند، احترام به پدر و مادر در جزو دستورات اصلی دین است.

قوم یهود به دستداری فرزند معروف است و همواره سعی دارد که فرزندانش به مدارج بالاتر از خودش برسد. احساس پدری و احساس مادری بیش از هر عامل دیگری در انجام وظایفی که نسبت به کودکان داریم در ما وجود می‌انگیزند. محور اصلی فکری مادر و پدر معطوف به فرزندانشان می‌باشند. حتی بسیاری از پرندگان نیز در فصل جوجه کشی دارای احساس تملک می‌باشند. و انسانها پس از آنکه صاحب فرزند شدند در واقع هستی و وجود فرزند در اصل ارزنده‌ترین عامل تشویقی است برای جلا بخشیدن و تلاش و کوشش اولیاء، این امر را می‌توان متأثر از یک غریزه قدیمی دانست که در ضمیر ناخودآگاه انسانها نهفته و از آنجا خارج می‌گردد.

اهمیت خانواده همانطور که امروز وجود دارد وابسته به نقش روانی مادر می‌باشد، که تخمین حد این نقش کار دشواری است. همکاری که مرد و زن در تربیت کودکان خود بطریقی جدی اعمال می‌دارند و مساعدت و مشارکتی که در طول سالیانی دراز با یکدیگر دارند وابستگی و علاقه‌ای بین زن و مرد ایجاد می‌کند که سخت پا برجاست. مادراتی که در همه حالات با شوهرانشان در تماس بوده و زندگی خوب و خوشایندی داشته باشند از عهده این وظیفه مقدس که تربیت فرزند

دکتر ایرج بُرنا دندانپزشک

روز خود را با لبخند زیبا شروع کنید



ولی - رسیدا

با بیش از بیست سال تجربه

* دندانپزشکی اطفال و بزرگسالان
* جلوگیری از پوسیدگی دندانها
* پر کردن - روت کانال - باندینگ
* روکش چینی (پرسلن)

* دندانپزشکی زیبائی
* درمان بیماریهای لثه
* ترمیم دندانهای مصنوعی
* دندانهای ثابت و متحرک

۶۹۱۵ رسیدا بلوارد - شماره ۵ - رسیدا

(۸۱۸) ۷۰۸ - ۷۳۱۱

قبول اکثر بیمه‌ها و مدیکل

پارکینگ رایگان

חִינּוּךְ בָּנִים به خوبی بر می‌آیند.

هلری کینتون بانوی اول آمریکا در کتاب خود می‌نویسد: تصمیم به بچه‌دار شدن یعنی تصمیم گرفتن که قلبم خارج از درونم به اطرافم قدم بزند. یعنی قلبم در قفس سینه من نیست بلکه هر لحظه و هر کجا خواهد رفت و من محکومم که به دنبالش برای حیات بدوم.

در این عصر که جلوگیری از حاملگی معمول و مرسوم است، بوجود آمدن یک کودک غالباً نتیجه یک حادثه اتفاقی نیست که متعاقب یک لذت جنسی بوجود آمده باشد. بلکه تولد یک کودک نتیجه تمایل و قصد بوده است (و لذا به همین سادگی بنده کمترین اولیاء و آن کسانی که در قبال وظایف مقدس پدری و مادری خود قصور می‌کنند را نمی‌بخشم).

اجازه دهید چند کلامی در مورد چگونگی متأثر شدن شخصیت فرد را از مناسبات خانوادگی بنویسم. گر چه مبحث این مهم در یک پاراگراف هرگز نمی‌گنجد.

۱ - تأثیر مناسبات خانوادگی بر کودکان.

۲ - تأثیر این مناسبات بر مادر و بالاخره اثر روابط خانوادگی بر پدر - البته ایجاد تقارن و تمایز و مرز نهادن بین این اثرات کار مشکلی است. زیرا که خانواده منسوجی در هم بافته است که به واحدی غیر منفصل می‌ماند - و هر عاملی که بر والدین اثر بگذارد، تأثیر آن بر کودکان انکار ناپذیر می‌باشد.

چه نهادی را می‌توان جایگزین خانواده کرد؟

هیچ نهادی جایگزین نهاد خانواده نمی‌گردد. نه نهادهای عمومی (مثل مدارس بطور اعم - یشیواها تا چه رسد مدارس دولتی، کودکستانها، مدارس شبانه روزی و خدائی ناکرده یتیم خانه‌ها و در کنار بیگانگان) بخصوص در سالهای اول کودکی بهمان حدی که کودک از تماس با یک مادر سود می‌برد، نیاز به تماس به یک پدر نیز دارد. بالاخص برای پسرها چنین تماسی از نظر فکری کاملاً مهم می‌باشد. زائده (پدیده) جدید گنه‌زای عصر جدید را ملاک قرار ندهیم که زن به تنهائی و یا مرد به تنهائی به خیال خودشون بچه بزرگ می‌کنند. توجه نکنیم - این عمل مهلکی است برای انهدام خانواده بشری.

مهمترین مسئله‌ای که در روابط خانوادگی اثر می‌گذارد تأثیرات روانی است که پدر پذیرفته است.

ازدواج

ازدواج اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است.

וְאֵרַשְׂתִּיךְ לִי לְעוֹלָם וְאֵרַשְׂתִּיךְ לִי בְּצֶדֶק וּבְמִשְׁפָּט וּבְחֶסֶד וּבְרַחֲמִים וְאֵרַשְׂתִּיךְ לִי בֶּאֱמוּנָה וְיָדַעַתְּ אֶת ה'' (הושע ב , יש)

کتاب هوشع فصل دوم آیهٔ ۱۹.

میثاق خدای یهود به قومش و پیوند ازدواج در یهودیت تکرار این آیه خدا است که در وقت قبل عهد خوانده شد و با هر هلهله عروسی این نغمه میثاق تکرار می‌گردد.

«و ترا تا به ابد نامزد خود خواهم ساخت و در پرتو عدالت و انصاف، رأفت و حمایت همره من خواهی بود. و به اتکای ایمانم نامزد تو خواهم شد و

دکتر گیتا مبسری کهن
متخصص در کایروپراکتیک



نیم ساعت ماساژ تراپی
$35.00
(new patients only)

* 1/2 hour deep tissue Massage and Chiropractic Exam
* Most insurance accepted

Guita M. Cohen, D.C.
(310) 859-8494

دفاتر حقوقی
دکتر رابرت مبسری و همکاران
وکیل رسمی دادگاه‌های کالیفرنیا و فدرال
BUSINESS & REAL ESTATE LAW
امور بازرگانی، تجاری و ملکی



* وصول مطالبات — Collection
* دفاع حقوقی — Legal Defense
* تصادفات — Personal Injury

دفاتر در لس آنجس، فلوریدا و نیویورک

LAW OFFICES OF
ROBERT MOBASSERI & ASSOCIATES
445 South Figueroa Street, Suite 2700
Los Angeles, California 90071
Tel: (213) 612-7701 Fax: (213) 612-7781

آنگـاه خدای را خـواهی شناخت...و آنوقت که بگویم تو از آن (قوم) منی - جواب خواهی داد که تو خدای منی.

پیوند همبستگی و ازدواج زن و مرد در یهود همپایه این میثاق است با خدای خود.

من بشخصه معتقدم که عشق رومانتیک سرچشمه بزرگترین شادیها است که زندگی عرضه کرده است. ولی انگیزه ازدواج بالاتر از عشقهای ازدواج چیزی بالاتر از عشقهای رومانتیک باید باشد. حرمت، صمیمیت، و دیدن حقیقت مستلزم خوشبختی در زناشوئی است.

در روابط مرد و زنی که یکدیگر را دوست دارند و از ورای شهوت و میل و محبت با یکدیگر رابطه دارند، حالتی وجود دارد که تخمین زدن و معیار کردن آن ممکن نمی‌نماید. چه آنها از طریق این دوست داشتن مـی‌توانند از بسیاری از بیچارگی‌ها و ناملایمات زندگی بشری چشم بپوشند و به سادگی از آنها بگذرند، و عدم شناخت چنین حالتی بدبختی بزرگی برای هر انسان محسوب می‌شود. من تصور می‌کنم که این امر حائز اهمیت است که هر سیستم اجتماعی این امکان را به هر کس بدهد تا از آن بهره‌مند شود. ولی به هر حال این امکان باید بصورت جزئی از زندگی باشد نه به عنوان هدف اصلی زندگی. (اشاره به معاشرت مشروع به هدف شناسائی ذات و فروغ انسانی در دیگری) نه بررسی و کشف کلوبهای شبانه و لانه‌های فساد شهرهای اطراف).

ازدواج در پس اوهام و در پشت فضای آلوده و خیالی امکان پذیر نیست. ازدواج بهترین امکان را داده که بیشترین و صمیمیت بدون ریب و ریا حاصل آید و هر گونه نیرنگی سبب در هم پاشیده شدن آن محبت و صمیمیت می‌شود.

برای شناخت ارزش یک کانون، خانه یهودی کافیست که در ابتدا ستونهای اولیه را که خانه بر آن استوار و تکیه داده است را بررسی نماییم.

علی‌رغم نظریات و دیدگاههای مختلف عرضه شده در طول قرون که تقریباً همگی مردود گردیده و یا قابل اجرا نبوده و بالاخره ادامه نیافته است توجه کنیم.

فلسفه تارک دنیا بودن و به منافات رو کردن، و یا منع ازدواج و منکر نیازهای طبیعی انسانها شدن و یا امر مقدس ازدواج را بازیچه‌ی قرار دادن و فرزندان بیگناه و معصوم را قربان کردن و یا گاهی از فرط ولنگاری و از هم گسیختگی اخلاقی این نهاد اساسی را انکار کردن و نادیده گرفتن علی‌رغم همه این جهالتها، فلسفه و دیدگاه یهود در مورد ازدواج چنین است:

את מקודשת לי

ما هر دو با اهداء این حلقه (فلزی بدون سنگ) گرد و دایره نما که نمادی است از ابدی و بی انتهائی و دایره که نه آغاز دارد و نه پایانی حرمت و عشق ما نسبت به هم در مقابل خالق و بشهادت حضار عهد بسته و ثواب همیشگی دنیایی کانون پر مهر خانوادگی را باتکا ایمان خود با هم پیمان می‌بندیم...و

چندین نکات بسیار ارزنده و دلپذیر دیگر...بیان شده و تکرار می‌گردد.

وستر مارک می‌گوید: زناشوئی در خانواده‌ها بیشتر ریشه دوانیده تا خانواده در زناشوئی!!

دین مسیح و بالاخص سنت پل نظریه جدیدی در ازدواج عرضه داشته. در نظریات او ازدواج نه به خاطر تولید مثل بلکه به منظور جلوگیری از گناهانی نظیر زنا و فسق است، در حالی که در فلسفه یهودی در مورد ازدواج و زناشوئی از انگیزه مقدس פרו ורבו اولین صواب‌ترین به زیباترین صواب عامل اخلاقی است آمده است. کافی است که به این نکات توجه کنیم:

پیوند و قرارداد زناشوئی و ازدواج مهمترین میثاقی است که در برکت مذهبی یاد شده است.

در هیچ یک از قراردادهای کتب آسمانی از واژه «مقدس» استفاده نشده است. در مورد حضرت ابراهیم پیمان بین دو شقه کبوتر בְּרִית בֵּין הַבְּתָרִים در مورد نوح پیمان

دکتر داریوش نی‌داود

دارای درجه دکترا در روانشناسی بالینی

درمان و تسلط بر افسردگی، اضطراب و فشارهای روانی

حل مشکلات فردی، زناشوئی، کودکان و نوجوانان

Westwood Medical Plaza (310) 209-0988
10921 Wilshire Blvd, Suite # 610
Los Angeles, CA. 90029 (818) 757-1004

قوس و قزح זוכר בְּרִיתוֹ در مورد اسحق בְּרִית יִצְחָק و یا برکت عولام (پیمان ابدی) - و دیگری بریت آووت (پیمان اجدادی).

در حالی که عهد و پیمان ازدواج را به نام قیدوشین קִדּוּשִׁין - به معنی تقدیس شده نام نهاده‌اند که این خود نمادی است از غایت اهمیت امر ازدواج - زیرا عشق، حرمت، مهر، همبستگی و یگانگی بین دو انسان خود «نطفه» مذهب ما است.

آرمان زناشوئی! و اهمیتهای حفظ این ضوابط

כַּבְּדֶיהָ וְאֳהֲבֶיהָ - **حرمت گذار و عشق بورز. ربای کوشنر** در کتاب بسلامتی زندگی همراه با ترجمه سلیس آقای پیمان اخلاقی از انتشارات سازمان سیامک چنین نوشته بود:

«ما در عصر حاضر و در اجتماعی کنونی باید به الویت‌های زندگی خویش از نو بیاندیشیم، و از آنجایی که مذهب تلاشی است در این راستا که آدمها را انسان سازد باید به اصل نکات امور اخلاقی پایبند گردیم».

بدین معنی که ما صاحب بُعد اخلاقی نیز هستیم כַּבְּדֶיהָ וְאֳהֲבֶיהָ به همسرت حرمت گذارده و به او عشق بورز هر دو این کلام امر مقدس مذهبی است و هر دو پدیده مفید اخلاقی است و برای بنای یک کانون انسانی امری است حیاتی.

ترجمان مفهوم احترام آنست که رفتار و طریق اعمال ما گویای بیان شناخت اهمیت و شایستگی بزرگی و عظمت طرف است.

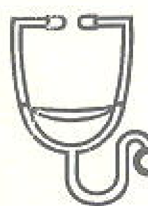
آنگاه که خدای خالق متوجه غم سنگین تنهائی آدم گردید، با حکمت خدائی خود همسر و همدم و نیمه بهتر آدم را چنین معرفی نمود. עֵזֶר-כְּנֶגְדּוֹ نیمه‌ای از پاره تنَت - تن تو... همگان از تفاسیر بی حد و حصر این آیه آگاهیم. بهر صورت وجود انسان چنان طرح ریزی شده است که هر یک از دو جنس باید چیزهای زیادی از جنس مخالف خود بیاموزد.

عشق فقط زمانی می‌تواند زندگی را جلا بخشد که آزاد و مداوم باشد

اجازه دهید صرفاً زناشوئی را به عنوان رابطه بین یک مرد و یک زن بررسی کنم. زناشوئی از این حقیقت برخوردار است که یک عرف قانونی بشمار میرود. در حالی که در نزد یهودیان این یک عرف مذهبی است، که متأسفانه در عصر ما در آمریکا بهر حال جنبه قانونی آن بیش از سایر جنبه‌ها ارزش دارد. در دنیای امروز اگر با دقت به اطراف بنگریم و اگر از خود بپرسیم که در مجموع چه شرایطی یک زناشوئی را قرین شادی و چه عوامل و حالاتی زندگی زناشوئی را دلتنگ کننده می‌سازد به نتیجه جالب و عجیبی مواجه می‌شویم - چون در می‌یابیم کشورهایی که مردم آن از تمدن بیشتری برخوردارند امکان خوشبخت زیستن در زندگی مشترک کاهش می‌یابد. **آزادی بی بند و بار و رفاه این مملکت نباید عامل به هم ریختن روابط زناشوئی گردد.** (کافیست به مقایسه درصد طلاق در ایران و در محیط آمریکا توجه نمائیم.)

برای جلوگیری از هر گونه بهم پاشیدگی در زناشوئی و برای آنکه زندگی مشترک نباید از مرزهایی که علم اخلاق و سنن مذهبی در اجتماعی برای زندگی مشترک تعیین کرده است پای فراتر بگذارند. و به آن سنتی که عمومی شناخته شده پای‌بند باشد و باید بر طریق معیارهای آن رفتار کنند. در مرام ما در عصر جمعه اولیاء فرزندان خود را دعا کرده (به هر زبان و بیانی) با روحی مملو از شادی و رضایت درون برای صرف شام بدور میز حلقه می‌زنند. این خود نمادی است از همبستگی و غایت انسانیت و سنتی است ارزنده و بسیار زیبنده.

در میان مردم «متمدن» این دوره در اکثر جوامع هیچیک از شرایطی که برای خوشبختی و شادکامی در زندگی زناشوئی لازم است مثل כָּבוֹד حرمت و احترام - همبستگی‌های عمیق روحی و قلبی وجود ندارد. برخی از این نابسامانیها نتیجه و زائیده عمل نادرستی که آنرا «تمدن» می‌خوانند. ولی بدون تردید اگر شوهران و همسران بیشتر از آنچه که هستند متمدن به معنی واقعی گردند، سعادت جاودانی آنها حتمی است. تمدن واقعی به معنی آگاهی و اطلاع کامل از



Afshine Ash Emrani M.D.

دکتر افشین عمرانی

Prevention . Diagnosis. Treatment

متخصص قلب و عروق

 CARDIOLOGY 

Author of "Understanding and Taking Control of Your Heart"
Graduate of UCLA . UCSD . USC



San Fernando Valley Heart Group

Tel: (818) 501-5686

دستورات اخلاقی و طرق و سلوک انسانی را می‌گوییم.

כָּבוֹד احترام و عشق بدون قید و شرط.

نه در کنار چک تضمین شده - و نه در لوای تعدادی وکیل با زبان و فرهنگ بیگانه - و نه در سایه پلیسی که خود از وضعیت مبهوت مانده است، و نه بجرم حفظ آبرو علاوه بر سوء استفاده از «آزادی این آب و خاک» عوامل بدآموزی امور جنسی در هم زدن کانون زناشوئی از اهمیت بیشتری برخوردار است. و این امر که زمانی فقط در میان یک قشر از مردم بود متأسفانه امروز گویا به اکثریت سرایت کرده است.

به بهانه همکاری و یا گفتن لغت پر طمطراق احتیاج به تراپی دارم (معلوم نیست که آیا افراد از راه رسیده از ممالک و جهان سوم با داشتن کمبود سواد و زبان چگونه تراپی خواهند داد؟!

و دارای چه صلاحیت علمی، اخلاقی، اجتماعی و همدمی هستند که باید به آنان رو کرد.

مشکل دیگری در سر راه زناشوئی مدرن جای دارد و این مشکل بالاخص در مورد کسانی که به ارزش عشق واقف هستند بیشتر احساس می‌شود. عشق فقط زمانی می‌تواند زندگی را جلا بخشد که آزاد و مداوم باشد. عشق آنگاه که تصور شود یک وظیفه است کشته و نابود می‌گردد. این که گفته شود این وظیفه شماست که عشق بورزید و کلماتی نظیر آن، بهترین طریقه است بر آن که نسبت به شخص مقابل خود احساس تنفر کنید.

زندگی زناشوئی ترکیبی از عشق و قیود اخلاقی و قانونی می‌باشد. بنابراین زندگی زناشوئی بدون تردید، خوش زیستن در زندگی زناشوئی برای یک زوج متمدن و امروزی نیز ممکن است. ولی این خوش زیستن نیاز به برخی حالات و شرایط دارد، که باید به آنها ایمان داشت و بدانها وفادار بود.

باید یک نوع احساس تقارن و تعادل

نه قوانین بسیار مشکل طلاق در بعضی مذاهب و فرهنگ‌ها و نه طلاق آسان هیچکدام راه حل اساسی برای مشکلات زناشویی نمی‌باشد.

کامل بین دو زوج وجود آید. هر یک دارای وظایف و مسئولیتهای خاص خود است. و طرفین با حفظ احترام این مرز نه تنها مخالفتی نکرده، بلکه باید همکاری و حمایت همه جانبه را رعایت نماید، و مهمتر آنکه بین دو زوج محرمیت (محرم) و صمیمیت فکری و جسمی کامل وجود داشته باشد. گر چه نظرگاه آنها در برخی موضوعات و معیارها یکسان و مشابه نخواهد بود. این خود گویای ارزش هنر زندگی کردن است.

آنچه که مسلم است تفاوتهای فکری زن و مرد به مراتب بیش از تفاوتهای ظاهری آنان است.

روابط زناشویی بسیار حساس و پیچیده است و شبیه محدودیت‌های اخلاقی نیاز به یک مراقبت خاص و استثنایی دارد که همان پای‌بند به اصول مذهبی که همان اخلاق است.

هضم و قبول تفاوتهای فکری و برداشتهای طبیعی و مفاد همزیستی و خلق کانون آرام و لذتبخش خانوادگی خود نشان دهنده کیاست و عقل درونی و شعور ذاتی طرفین می‌باشد که این هنری است ارزنده و قابل بخشش.

با وجود این من تصور می‌کنم که زندگی زناشوئی بین دو انسان زن و مرد بهترین و مهمترین مناسبات انسانیست.

כַּבְּדֵיהָ וְאהֲבֵיהָ

حرمت گذار و عشق بورز.

حرمتی که در خلوت دو انسان حفظ گردد، هزاران بار شیرین‌تر از حرمت در ملاء عام است که برای حفظ ظاهر در ملاء عام رعایت می‌شود. محرمیت و همسر را محرم اسرار دل خویش ساختن دولتمندی یک قبله را به انسان داده و روان آدمی را در کشاکش

چگونه و چرا مسئله به بحران و حالا به فاجعه ازدواج در جامعه انجامیده است؟

سازمان سیامک

در این راه به همکاری و همفکری همه نیازمند است.

با ما تماس بگیرید.

(۳۱۰) ۴۷۱ - ۹۴۲۷

زندگی قدرت و توان می‌بخشد.

هر صبحگاه زن و شوهر برای یافتن قبله زمینی خود باید به دیگری رو کرده و نماز شکر ادا نمایند.

مبحث سوم — طلاق و خانه‌های بی روح

در لحظه طلاق و جدائی زن و مرد - فرشتگان نیز اشک می‌ریزند، و قربانگاه میگرید. מסכת סוטה

در روایت آفرینش آمده است که در بخش دوم از خلقت که شامل جدا کردن آب از خشکیهاست خداوند انجام این گام عظیم آفرینش را با کلمه «نیک» مُهر نزده است. علی‌رغم همه بخشهای دیگر آفرینش، که بعد از تمام هر یک از آنان با رضایت خاطر و خشنود از خلاقیت هر یک از پروژه‌های خود را «نیک» خوانده است.

וַיַּרְא אֱלֹקִים כִּי טוֹב

در حالیکه در مورد روز دوم چنین نظریه بیان نشده است. علمای یهود با حکمت عمیق خود همگی بر این عقیده‌اند که با وجودی که عملی عظیم صورت گرفته ولی چون در حین خلقت نوعی **جدائی** صورت گرفته است این عمل شایسته تحسین و «نیک» خواندن نیست.

در مورد جدائی زن و مرد از بیان خدا چنین آمده است: **بهتر است که نام من بر آب شسته شود تا خانواده‌ای از هم پاشیده گردد.**

מסכת סוטה

طلاق نهادی است که در بیشتر ادوار و بیشتر کشورهای جهان به علت برخی عوامل اجازه صدور یافته است. هدف از طلاق نه به خاطر ایجاد خانواده بر اساس یکی از دو والد است، بلکه هدف از آن صرفاً بخاطر تخفیف آلام و سختیهائی است که به دلایل خاصی ادامه زندگی زناشوئی را تحمل ناپذیر می‌سازد.

طلاق در قانون یهود نیز به علت شناخت انسانها مطرح و در نظر گرفته شده است، و چه نیک که بدانیم که این جمله در ابتدا این مبحث آمده است.

بهتر است که نام من بر آب شسته شود تا کانون خانوادگی ویران شود

یکی از امور جالبی که درباره طلاق وجود دارد، تفاوت فاحشی است که بین سنت Tradition و قانون موجود می‌باشد. طلاق آسان (که وجود ندارد) به هیچ وجه دلیل افزایش تعداد طلاق نیست.

به نظر من هدف از زناشوئی رابطه جنسی بین دو نفر نیست. بلکه چیزی برتر از آن است. و هدف از زناشوئی به عهده گرفتن وظیفه‌ای مشترک جهت تولید مثل و تربیت کودکان و انسانهائی کاملتر و بهتر برای آینده می‌باشد.

من باید به عنوان یک انسان بگویم که طلاق در بعضی زمینه‌ها امری لازم است. اما در ضمن معتقدم که **طلاق یک راه حل اساسی برای مشکلات زناشوئی نیست.** آنگاه که زناشوئی بدون کودک و بی ثمر است، شاید طلاق بهترین طریق راه حل باشد.

اما زمانی که پای کودک در زندگی زناشوئی باز می‌شود، به نظر من مهمترین امر سلامتی روحی و تداوم ابقاء و زندگی زناشوئی مهمترین مسئله است. سلامتی روح و جسم، حفظ آرامش درون بچه‌ها، اساس و لازمه برای پرورش انسانی سالم و متوازن است. در جامعه بشری عاملی مهمتر از محیط آرام برای پرورش فرزند وجود ندارد. لطمه‌هائی که بر پیکر روح و روان کودکان در یک محیط آشوب و پر بلوا وارد می‌آید غیر قابل تصور و تا ابد نابخشودنی است و هیچ روانشناسی قادر به ترمیم این ضربه‌های روحی نخواهد بود. روزانه خود شاهد این واقعیت تلخ هستیم.

احساس و علاقه خانوادگی در آمریکا بر عکس سنت ما یهودیان ایران بسیار سست است. از این روی طلاق به تعداد متنابهی فراوان می‌باشد و حدوث بیشمار طلاق در آمریکا بخاطر عدم همبستگی خانوادگی است.

به مادری گفته شد که دختر ۱۵ ساله تو

CARPET HOUSE

عمده فروشی — فروش و نصب موکت — لینولئوم و پارکت

با مدیریت جلال جانان

در اسرع وقت با نازلترین قیمت

(310) 657-7344

8574 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

حامله شده است. مادر در کمال بی تفاوتی جواب داد **that's her problem** این مشکل اوست! پناه بر خدا.

تا زمانی که سیستم خانواده بر اساس دو

ما یهودیان از دستورات مذهبی که نطفه آن علم اخلاق است پیروی می‌کنم که باعث هرج و مرج نشود زیرا اگر هر کسی بدلخواه عمل می‌کرد نظم و ثبات این عالم از هم می‌پاشید و لذا مقدس‌ترین و شفابخش‌ترین داروی این مصیبتهای روانی در اجراء و کاربرد «حرمت» است.

والد (پدر و مادر) متکی است همگی در امانیم. والدینی که یکدیگر را طلاق می‌گویند به استثنای مواردی که علت طلاق کاملاً جدی بوده است از جمله به نظر من والدین در مورد وظایف خود نسبت به فرزندان تعلل می‌کرده‌اند. تصور نمی‌کنم که **اجبار قانونی برای زناشوئی بتواند دردی را درمان و مشکلی را آسان کند.**

آنچه به نظر من در وهله اول ضروری است **احترام مطلق** و استقلال فکری برای هر دو زوج می‌باشد. چه این استقلال فکری زناشوئی را قابل تحمل می‌کند.

و در مرحله دوم شناخت این امر که کودک در زندگی از اهمیت بسیاری برخوردار است و توجه والدین بیشتر باید معطوف به فرزندانشان گردد.

من تصور نمی‌کنم که آزادی جدید باید افسار گسیختگی بیشتری از آزادی قدیم به ارمغان بیاورد. و انگیزه‌ها و هیجانات را آزادتر و ولنگارتر کند. بلکه تصور من بر آنست که برای افسار زدن بر هیجانات سرکش و احساسات برآشفته باید طریقی غیر از آنچه در گذشته مرعی می‌شده اعمال گردد.

بعنوان مثال: آزادی و غایت «تمدن» آن نیست که جگر گوشگان ما در دامان خدمتکار چه یهودی و چه غیر یهودی پرورش یافته و تربیت شوند!

باید توجه داشت که کودک در زندگی زناشوئی بمراتب از اهمیت بیشتری از امور جنسی که سنت پل در رساله‌هایش و جنبش رمانتیک (اروپا) بدان معتقد بود برخوردار است.

اولین امر ذکر شده در توراه

- نکاح کنید تا بسیار شده و بارور شوید...بر خلاف مسیحیت تأکید ما بر نکاح است و وفاداری و تقبیح زنا است از طریق تزهد و خودداری و آموختن و تسلط به نفس. نظر دین مسیح آنستکه هر گونه مقاربت جنسی (حتی در قلمرو زناشوئی) ناپسند و غیر اخلاقی می‌باشد (همانطورکه از متون ۴ رساله سنت پل استنباط می‌شد).

یک چنین نظریه و عقیده‌ای با حقایق بیولوژیکی انسان متضاد است. سنت پل در ۴ رساله خویش در مورد رابطه زناشوئی به هیچ وجه اشاره به کودکان نکرده است. در حالی که اصل نهاد خانواده بنا به امر و دستور آیین

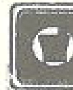
داروخانه‌های سنچری و مرکز وسائل طبی

قیمت‌های ارزان و دلیوری مجانی

سرویس بهتر و سریع‌تر

CENTURY PHARMACY
HOME HEALTH CARE
& MEDICAL SUPPLIES





PARKING
IN REAR

پیکو رابرتسون
8722 PICO BVLD.
جنب ایلات مارکت
(310) 657-6999

ولی
18254 SHERMAN WAY
جنب میلرز مارکت
(818) 708-7080

بورلی هیلز
412 S. SAN VICENTE
نبش لاسینگا و برتون‌وی
(310) 360-1030

وست لس آنجلس و سانتامونیکا
11870 SANAT MONICA
در شاپینگ سنتر صورتی رنگ
(310) 473-1568

פרו ורבו در این امر بیان شده است.

این کودکان هستند که ازدواج را مهم و حائز اهمیت می‌سازند. اگر بخاطر آنها نبود دیگر نیازی وجود نداشت که برای امور جنسی مراسم و سنتهائی بوجود آید. ولی بمحض آنکه کودک وارد زندگی زناشوئی می‌شود زن و شوهر اگر از اندیشه صحیح برخوردار باشند مجبورند بپذیرند که احساس آنها **نسبت به یکدیگر مهمترین نمی‌باشد،** بلکه احساس دیگری وجود دارد که مقدم بر احساس آن دو است.

یک بعد از ظهر روز جمعه در حالیکه با عجله مشغول آماده شدن برای شبات بودم، به تلفن اسفناک مادر جوانی گوش دادم که با گریه و عجله داشت ۱۰ سال زندگی را در چند دقیقه خلاصه می‌کرد، سعی در آرام کردن او کردم و اهمیت و تقدس زندگی خانوادگی را توضیح داده و سعی در تفهیم مسئولیت شیرین فرزند داشتن را به او داشتم که با لحنی پر از تعجب و شگفتی گفت پس خانم...یعنی میگین من دیگه آدم نیستم. حالا که بچه‌ها آمدن من حق زندگی ندارم، اینهم تو این مملکت...تو این دوروزمونه.

نتیجه این مقاله نسبتاً فشرده چنین می‌ماند که نه قوانین بسیار مشکل طلاق در بعضی مذاهب و فرهنگها و نه طلاق آسان هیچکدام راه حل اساسی برای مشکلات زناشوئی نمی‌باشند. قانون طلاق در کشورهای مختلف و ادوار مختلف بسیار گوناگون و متفاوت می‌باشد.

در این سرزمین خوش آب و رنگ آمریکا علی‌رغم ساده بودن طلاق و ظواهر پر طمطراق آن نه تنها جوابگوی اصلاحات خانوادگی نیست بلکه بجز صدمه سنگین روحی برای فرزندان بی گناه و لطمه عمیق عصبی و ضرر بزرگ مادی هیچ عایدی ندارد.

شاهد رشد بچه‌ها بودن یعنی خدا را دیدن. و با شکر فراوان لحظه‌های زندگی من پر شده از زیارت خدا است. زیرا هر روز شاهد این رشد فکری و جسمی نوباوگان مردم خویشم. آن کودکی که در آغوش گرم پر مهر مادر و پدر رشد کرده همچو آفتاب بهمگان انرژی و گرما می‌بخشد. و معصوم طفلی که از محیط سم آلود سرد و تلخ و آشوب زده خانوادگی از راه می‌رسد هالهٔ غم او را پوشانده تا به آن حد که گرمای آفتاب هم بی تأثیر است. کودکان را بخاطر قهر و نارسائی‌های اخلاقی خود بصورت مردگان متحرک در نیاوریم. **فرزندان ما هرگز مستحق چنین نگون بختی نیستند.**

و هر یک از ما در مقابل دادگاه خدا و خود محکوم و ذلیل خواهیم بود. بجای آن که به وجود دو نفر بزرگتر عادت کرده است و خود را وابسته به هر دوی آنها می‌داند، طلاق و جدائی بین دو والد اثر ضایع کننده‌ای بر احساس اعتماد وی وارد می‌آورد. در حقیقت با پیش آمدن چنین وضعیتی کودک آمادگی می‌یابد که دچار ناراحتی نظیر ترس‌های خیالی و سایر ناترتیبی‌های عصبی گردد.

عامل اصلی برای پیشرفت فکری کودکان محبت والدین است (نه فقط قربون و صدقه رفتن).

و اگر زمانی فرا رسد که فقط محبت یکی از دو والد کفایت کند آنگاه جای تأسف بسیار است. همه می‌دانیم که کسی به بلندی و



کانون سالمندان یهودی ایرانی مقیم لوس آنجلس جهت نگهداری و سرپرستی شبانه‌روزی از سالمندان عزیز محلی مناسب در Beverly Hills Guest Home با همکاری افراد با تجربه فارسی زبان فراهم نموده و در حال حاضر عده کثیری از پدران و مادران عزیز همراه با تسهیلات زیر مورد پذیرائی قرار می‌گیرند.

- **غذاهای کاشر ایرانی**
- **ورزش روزانه و فیزیوتراپی**
- **نظافت اطاقها و شستشوی پوشاک**
- **رسیدگی اطباء ایرانی و رفع احتیاجات پزشکی**
- **برنامه‌های سرگرمی همراه با فیلم و موسیقی**
- **کمک در امر استحمام**

برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام لطفاً با تلفن ۱۰۲۶ - ۲۸۹ (۳۱۰) یا آدرس زیر تماس حاصل فرمائید.
1019 S. Wooster St. #228 Los Angeles, CA 90035

مقام عالی می‌رسد که تخم آن را اندر کودکی افکنده باشند. والسلام. ژان ژاک روسو فیلسوف معتقد است که: هیچگونه فساد مادرزاد در قلب بشر وجود ندارد.

بررسی

طبق نظریه روانشناسان: مردها مایلند که در کنار دوستان خود صاحب شخصیتی استثنایی و سعی آنان بر آنست که مقامی خاص برای خود کسب نمایند؛ (موفقیت در کسب - عضو کلوب و باشگاه...).

و زنها مایلند که در چشم زنهای دیگر محترم جلوه کنند و محرومیت از لذت یک چنین موقعیتی برای هر دو دسته ظاهراً گران تمام می‌شود. (در حالی که با شناخت اینگونه تفاوتها می‌توان آرامش کانون خانوادگی را حفظ نمود).

هر یک از این عوامل (جنون - هتاکی - اخلاق ناپسند - اعتیاد به الکل و مواد مخدر - بی حرمتی‌های ممتد و ترشروئی و بد اخلاقی - می‌تواند زندگی زناشوئی را در هم بریزند. در جامعه ما یهودیان ایرانی اکثر نفاق و بهم ریختگی خانواده‌ها (بعد از مطالعه زیاد و بررسی‌های شخصی) در اثر مداخله پدر و مادرها و یا اطرافیان می‌باشد - که ایمان دارم همگی از روی محبت و دلسوزی است. این عوامل زندگی مشترک و صمیمیت را ناممکن ساخته و رابطه زن و شوهر و تولید مثل را نامطلوب جلوه داده و بدتر از همه رابطه والدین با فرزندان را بر اساس صحیح غیرممکن می‌سازد.

انگیزه‌هایی که طلاق را ممکن و مطلوب می‌سازد دو دسته می‌باشند.

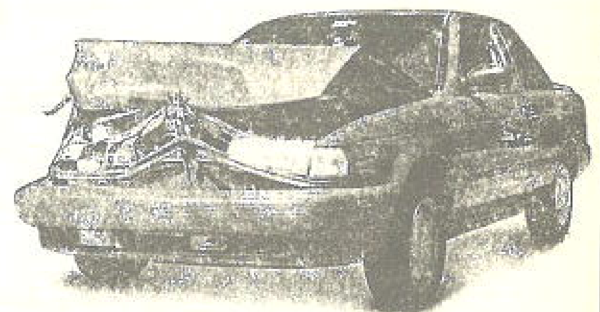
یکدسته آنهائی که مربوط به نواقص دو زوج نظیر جنون - کتک زدن - یا اعتیاد به الکل و جنون جنایت است.

دسته دوم - اموری که وابسته به مناسبات زن و شوهر می‌باشد که در جامعه ما بازتاب فرهنگ گالوتی (که خود مکتبی است مفصل) و ریشه‌های تربیت خانوادگی.

به نظر من مداخله بی حد و حصر اقوام و مداخله مستقیم و اظهارنظرهای نابجای اطرافیان که به خیال خود نیت آنان اصلاح و ترمیم و بهبود وضع دختر و پسر خود می‌باشد، همیشه کارساز نیست، آنچه از قانون طلاق مهمتر می‌نماید «سنت» است. وظایف اخلاقی و مسئولیتهای وجدانی ما است. سنت ما به معنی آرمانهای مذهبی و اخلاقی ما. در این مملکت در اثر نوع فرهنگ قوم ساکن قانون مقررات و قواعد طلاق را آسان جلوه می‌دهد. ولی سنت ما معتقد به رسیدن به کمال و بقای خانواده می‌باشد.

تا زمانی که خانه‌های هر یک از ما پر از حرمت و عشق و یگانگی است خدا نیز میهمان ما است.

تعمیرگاه سی. بی. اس.



با ۱۵ سال سابقه در لوس آنجلس

تعمیر انواع اتومبیل‌های:

اروپائی، آمریکایی، ژاپنی و دیزل

تنظیم و تعمیر موتور و گیربکس
تعویض ترمز و کمک فنر، باطری
وکلیه تعمیرات اتومبیل

حمل و نقل مجانی
اتومبیل‌های تصادفی از محل
تصادف به تعمیرگاه

اتومبیل رایگان
تا زمان تعمیر اتومبیل شما

(818) 765-3818

6729 Lankershim Blvd.
N. Hollywood, CA 91606

طلاقهای بیشماری که در آمریکا صورت می‌گیرد و از الگوی بیمارگونه هالیوودی پیروی می‌کند برخی معلول این حقیقت است که مردم در زناشوئی به دنبال چیزی هستند که **«نباید جستجو کنند»** بدین معنی که زناشوئی تصورات و خواسته‌های غیر واقعی دارند که حرمت و آزادی را حفظ می‌کند. به همین میزان در یهودیت رفتار یک فرد جوهر مذهب اوست در یهودیت اعمال ما انسانها مهمتر از ایمان ما است. (بر خلاف سایرین).

زندگی مطلوب نمی‌تواند خالی از خویشتن داری باشد ضرب‌المثل حکیمانه‌ای در عبری هست که می‌گوید:

אֵיזֶהוּ הַגִּבּוֹר הַכּוֹבֵשׁ אֶת יִצְרוֹ

قهرمان کسی است که صاحب اختیار نفس خویش است. ولی این خویشتن داری باید در امور ناخوشایند نظیر احساسات و انگیزه‌هائی از قبیل حسادت باشد و این خویشتن داری ابراز عشق را شامل نمی‌شود.

هر کس باید در راه تغییر سرنوشت خود کوشا باشد. زیرا عمل انسان سرنوشت او را تعیین می‌کند.

البته به این نکته توجه کرد که «انسان معمار کاخ سعادت خود می‌باشد» و سرنوشت انسان از روی ماهیت اندیشه و عمل وی تعیین می‌شود.

دانشمند قرن **آلبرت انشتین** در یکی از سخنرانیهای خود چنین گفت: به همه شما عزیزان می‌گویم که موجودیت و سرنوشت ملت ما بیشتر از هر عامل خارجی بر خودمان تکیه دارد، که تا چه اندازه و به شعائر و رسوم اخلاقی خویش پایبندیم، که علی‌رغم قرنها طوفانهای مهیبی که بر روی آن فرو شکسته ما را زنده نگهداشته است».

برای جامعه خوب علم اخلاق لازم و ضروری است. هیتلر هم از طریق عمل موفق شد، و کوره‌های آدم سوزی از طریق آدمهای درس خوانده ساخته شدند و لذا علم بدون اخلاق برای بشر مفید نخواهد بود. بلکه جامعه‌ای که فاقد اخلاق است جنگل مبتذلی بیش نیست.

در اثر قصور در حفظ ضوابط اخلاقی و انسانی خانواده بشری معدوم خواهد شد.

بر می‌گردیم به اولین آیه‌ای که در آغاز این مقاله نوشتم:

מַה טֹּבוּ אֹהָלֶיךָ יַעֲקֹב

پروردگارا چه زیباست خیمه‌گاه تو...این کلام از بیلعام دشمن یهود که در بافت سیر بقا و سعادت بنی ایسرائیل طی قرون در اثر مستحکم بودن ستونهای خانوادگی است، و خداوند نیز این پیام خود را چنین رسا و جاودانه بما رسانده است.

برای رسیدن به غایت مقصود می‌بایست که مشکلات و وظایف باید بازشناسی شود اگر چه این وظائف و مشکلات بسیار متفاوت باگذشته ما باشد.

ما یهودیان از دستورات مذهبی که نطفه آن علم اخلاق است پیروی می‌کنم که باعث هرج و مرج نشود زیرا اگر هر کسی بدلخواه عمل می‌کرد نظم و ثبات این عالم از هم می‌پاشید و لذا مقدس‌ترین و شفابخش‌ترین داروی این مصیبتهای روانی در اجراء و کاربرد «حرمت» است.

אהביה וכבדיה احترام گذاشتن و دستورات مذهبی اخلاقی را در هر گونه رابطه‌ای نسبت به هر فردی بکار بردن. بطور حتم و به یقین قاطع دسترسی به یک زندگی آرام و تحصیل خوشبختی و سعادت نه در دفاتر وکلا، و نه در دعواهای نیمه شب، نه در بی حرمتی و هتاکی و نه پناه بردن به مواد مخدر و نه در کنار دوستان نایاب، سعادت را در راه رسیدن به تکامل جستجو کنیم همان **שָׁלוֹם** که نام دیگر خدا است.

و حسن عاقبت

در بخشی از عبادت روزانه ما این جمله همیشه توجهم را جلب می‌کند:

מותר אדם מִן הבהמה מאין

مزیت انسان بر حیوان کدامست؟ انسان مسئول اعمال و کردار خویش است. و احساس خدا نسبت به یهود احساس اولیاء نسبت به اولاد ارشد خود است.

انسان جانوری است که چهره‌اش در لحظه شنیدن و یا دیدن منظره و گفتاری سرخ می‌شود.

و این خود کاملاً پدیده اخلاقی است. بدانیم تنها اعتقاد به حقیقت عینی و ارزشهای اخلاقی است.

עשו לי משכן ושכנתי בתוכם

برایم خانه و مأوائی بسازید تا در میان آنان خیمه زنم (گذشته از تفاسیر سیر غنی و دستور زبانی).

ושכנתי בתוכם گر چه در هر عصر و زمانی معبدی برای خدا بنا گردید که هر یک از دیگری عظیم‌تر و با شکوه‌تر و پر جلال‌تر بود ولی خداوند تأکید نموده، ترجیح می‌دهم که در دل خانواده‌ها طواف کنم و لذا غایت خواسته و رضایت من با شما بودن است.

ושכנתי בתוכם که از لحاظ گرامری در زمان حال بیان شده است بدان معنی که آیندگان نیز بدانند: مأوای الهی در خانه‌های آرام و کانون خانوادگی که سرشار از

ازدواج در پس اوهام و در پشت فضای آلوده و خیالی امکان‌پذیر نیست

احترام و عشق و ایمان و همبستگی است. تا زمانیکه خانه‌های هر یک از ما پر از حرمت و عشق و یگانگی است خدا نیز میهمان ما است.

כל משפחה ומשפחה בישראל
יודעת כֵּיצד להשכין בתוכָה את
שכינת הכבוד

در میان شما ساکن شده‌ام، زیرا خانه‌ای که ابر مقدس «حرمت» بر آن سایه افکنده است واژگون نخواهد شد و ایسرائیل از این اصل و واقعیت کاملاً آگاه است.

خدا را به خانه‌های خود دعوت کرده و میزبانی کنیم.

و چه زیباست خانقاه ما، خاندان ایسرائیل.□

یهودیت در نیمه راه استقلال

ارکان پنجگانهٔ یهودیت

۱ - خدای یکتا

بخش دوم



دستاوردی از بنیاد فرهنگی لوی

نوشتهٔ: دکتر هوشنگ ابرامی

۳ - شک در عدل الهی

یهودیت مذهب ترس و احتیاط و اعتقاد کورکورانه نیست، از همان ایام که بردگان تازه از بند رسته در صحرای سینا موسی را چنان به پرسش می‌کشیدند که پیامبر پروردگار را به ستوه می‌آورند تا به امروز که قوم یهود گذشته‌ای بسیار پر فراز و فرود و حیرت‌انگیز را پشت سر گذارده همیشه سئوالهایی که به ظاهر ممکنست کفرآمیز بنماید مطرح بوده است. با توجه به مظالم فراوانی که یهودیان طی تاریخ دیده‌اند، یکی از پیچیده‌ترین سئوالها، پرسش درباره عدل و داد و رحم و انصاف خداوند است. این پرسش گاه جنبه قومی دارد و گاه جنبه انفرادی. فرد از خود می‌پرسد: چرا باید کسیکه آنهمه نیکی کرده با سختی روبرو شود و آنکه بدیها و خطاهای بسیار کرده در رفاه و خوشبختی باشد؟ این چگونه عدل و انصافی است؟

حتی پیامبران یهود در کتاب مقدس این سئوال را با خداوند خود در میان می‌گذارند. آنزمان که سخن از انهدام سدوم و عمورا میرود ابراهام بی هیچ پروا، خطاب به خداوند میگوید: «عادل و ظالم را با هم کشتن و این دو را [در این شهرها] با هم یکی دانستن از تو بعید است. آیا داور کل جهان از روی عدالت داوری نمیکند؟» (آفرینش ۱۸:۲۵) بیباک‌تر از ابراهام، موسی است که بی هیچ واهمه از خداوند می‌پرسد: «خدایا چرا به این قوم بدی رساندی؟ برای چه مرا فرستادی؟» (خروج ۵:۲۲) و شکاک‌تر از ابندو ایوب است که خود قربانی چنین ماجرایی است. او که با همهٔ نیکوکاری‌هایش به ذلّت و فلاکت دچار شده و سراسر کتابش انعکاسی از پرسش درباره عدل الهی است فریاد بر می‌آورد که: «چرا شریران زنده میمانند و عمری دراز می‌یابند و توانگر می‌شوند؟» (ایوب ۲۱:۷).

می‌بینیم که سئوال پیچیده پیرامون عدالت خداوندی ریشه‌ای پیچیده‌تر دارد و چون چنین است نه پاسخ ساده‌ای می‌توان برای آن یافت و نه می‌توان راه سفسطه پیش گرفت. با این همه این مبحثی است که پیشوایان و عالمان یهود از دوران کهن تا به امروز درباره آن بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند. دنیا هم تاریکی دارد و هم روشنایی. اگر

دنیا همیشه روشن می‌ماند و خواب و آسایش و استراحت یا بزعم بعضی از فلاسفه «مرگ کوتاه مدت» نبود حدی برای زجر و درد انسان نمی‌شد تصور کرد. لذت زندگی تنها با محک درد زندگی قابل شناخت است. بسیاری از کسانی که در عمر خویش تا دم مرگ پیش رفته‌اند و دوباره به زندگی باز گشته‌اند ایمانشان به خدای یکتا استوارتر شده است. وانگهی نیکی کردن در دنیای فانی و انجام فرامین الهی یک معامله تجاری، یک داد و ستد عادی و یا یک «بده بستان» فوری نیست که در زمانی کوتاه حسابها تسویه شود. بیگمان در نحوهٔ پاداش و کیفر الهی رازهایی مثل دیگر رموز طبیعت نهفته است که بر ما آشکار نیست. در کتاب مقدس جایی گفته نشده است که دنیا گلستانی پر از ریاحین خوشبو است و زندگی سرشار از شادی و لذت است. اما فرامین بسیاری هست که با پیروی از آنها میتوان زندگی لذتبخشی را برای خود و خانواده و اجتماع بوجود آورد. در زندگی آدمی درد و مصیبت و رنج و محنت نیز هست و از آنها گریزی نیست. تنها با نیروی ایمان به قدرت خدای یکتا است که می‌توان مصائب و رنجها را در کنار لذتها و شادیها و افتخارها تحمل کرد و زنده ماند و بر پای ایستاد و شکرگزار و سربلند بود. اگر تاریخ قوم یهود را ورق بزنیم این گفته را ساده‌تر خواهیم پذیرفت.

خداوند به انسان ارادهٔ آزاد بخشیده و او را در انجام نیک و بد مختار کرده است. اگر غیر از این بود کیفر و پاداش معنایی نداشت. در سراسر تورات عدالت و مهربانی خداوند تأکید شده است. رهایی از بردگی را جز با رحمت و عدالت الهی به چه می‌توان تعبیر کرد؟ اگر خداوند بنی ایسرائل را به هنگام سرپیچی از پیمان الهی تنبیه می‌کند این خود نیز واکنشی از داد خداوندیست. و در این واکنش است که قدرت خدایی بر همه دنیا، و نه فقط بر بنی ایسرائل، آشکار می‌شود.

با تمام این احوال چنین کیفرها و پاداشها جوابگوی رابطه مستقیم نیکوکاری با پاداش و تباهکاری با کیفر نمی‌تواند بود. پرسش پیچیده همچنان پاسخ نایافته به جای مانده است: چراگاه دیده می‌شود که تبه‌کار پاداش می‌بیند و نیکوکار با کیفر روبرو می‌شود؟ آیا وجود درد و رنج و مذلت در زندگی واقعاً ضروریست؟ یهودیت در طول تاریخ از زوایای گوناگون با این بحث روبرو بوده است. تورات از همان آغاز کار، رنج و درد را یکی از جنبه‌های وجود آدمی میداند (آفرینش ۱۹-۳:۱۶). بنا بر یک تفسیر فلسفی از آنجاکه هر آنچه در دنیا و طبیعت وجود دارد توسط خدا خلق شده و همه چیز باید خوب باشد. بدی «عدم خوبی» است. به معنای دیگر بدی چیزیست که از خلق شدن محروم مانده است. عده‌ای دیگر از علمای یهود ضمن آنکه وجود درد و مصیبت را انکار نمی‌کنند آنرا در کل ولو آنکه به عده‌ای خاص تحمیل گردد برای خوبی دنیا لازم می‌شمرند.

آزادی و بی ریایی اسفار پنجگانه تا بدان حد است که گاه از رنج و دردی که خداوند از بندگانش می‌کشد سخن میگوید. تحمل مصائب یکی از بزرگترین ویژگی‌های قوم یهود است و پاره‌ای از متفکران آنرا وجه تمایز بین یهودیت و مسیحیت دانسته‌اند. شناخت درد و پذیرش آن عامل مهمی در ایجاد روح انساندوستی در یهودیانست. بی جهت نیست که یهودی نه تنها از رنج دیگری دلشاد نمی‌شود بلکه با دردمندان ولو آنکه از همکیشان او نباشند همدردی می‌کند. شریک بودن باکسی که از مرگ و مصیبتی در رنج است و یا حمایت از آنکه با فقر و بیماری روبروست از زیباترین خصوصیات یهودیت است. بخاطر تمایل به کاستن درد و بلا در جامعه انسانی است که از گذشته‌های دور تا به امروز یهودیان در علم پزشکی پیوسته پر تلاش و کامیاب بوده‌اند. بسیاری از پزشکان ممتاز یهودی در بارگاههای سلاطین شرق و غرب دنیا بر اثر سخن چینی اطرافیان کوتاه فکر و ایجاد این شایعه که آنها قصد کشتن شاه و شاهزاده‌ای را داشته‌اند معدوم گردیدند اما هیچگاه از پیکار خود باز نایستادند و با وجود تهمت‌های ناروا که تا به امروز به اشکالی دیگر ادامه دارد دلیرانه به راه خود برای کم کردن دردهای انسانی ادامه دادند.

مصائب طبیعی را نمیتوان جلوگرفت اما نه تنها می‌توان از ایجاد رنج و محنت برای همنوع جداً پرهیز کرد بلکه از برای بعضی از دردهای جانگداز مانند بیماریهای گوناگون می‌توان راه شفا و درمان جست. درد بزرگ آدمیان آنجاست که بسیاری از مردم خود را یکتاپرست می‌دانند اما ندای بخشندگی و مهربانی خدا را نمی‌شنوند. اینان با برافروختن آتش جنگها و نفاقها و کدورتهای خانمان برانداز، عاملان مصائب بزرگ انسانی می‌شوند. یهودیت گذشته از آنکه اینگونه مصائب انسانی را تحریم می‌کند، حتی تولید رنج در حیوانات را نیز ممنوع می‌دارد.

یکی دیگر از تفسیرهای رجال مذهبی یهود درباره علت وجود مصائب آنستکه چون «قوم» از نظر خداوند یک «واحد» معین بصورت «کل» است از این رو اگر مصیبتی بر قسمتی از قوم وارد آید به سبب گناهی بوده که قوم در پاره‌ای دیگر از وجود خود مرتکب شده است. بر اساس همین تفسیر گروهی از بنیادگرایان مذهبی فاجعهٔ نیمهٔ اول قرن بیستم در اروپای شرقی را به سبب تحول رفرم مذهبی و تعدیل در رسوم و سنن و مقررات آن می‌دانند که پیش از آن در اروپای غربی رخداده بود. بر اساس عقیده دیگر وجود رنج و مصیبت برای ترس از ارتکاب گناه ضروری است. بعضی نیز وجود مصیبت را برای پالایش ذهنی لازم میدانند. تفسیر تلمودی دیگر می‌گوید که درد و رنج انسان درستکار در این دنیا از آنروست که گناهان وی به کلی پاک شود و در دنیای دیگر کامیاب و رستگار گردد و بر عکس سعادت و خوشکامی انسان گناهکار در دنیای فانی از آن جهت است که بار گناهانش سنگین‌تر شود و در دنیای پس از مرگ به سزای کامل برسد.

تمام این گونه تفاسیر اگر تا اواسط قرن بیستم قابل قبول بود پس از مصیبت عظیم هولوکاست پایه‌های لرزانی پیدا کرد و بار دیگر

جمعی بسیار از یهودیان خدا را مورد پرسش قرار دادند که این چه عدالتی است؟ چنین پرسشی در یهودیت چیز تازه‌ای نبود که اگر بود از زمان ابراهام و یا موسی می‌بایست پرسشی بنیان برافکن باشد. اما یهودی هیچگاه در اینکه خدای محبوب خود را مورد سئوال قرار دهد و حتی او را سرزنش کند ابایی نداشته است که این خود یکی از رازهای بقای ابدی اوست. مصیبت هولناک هولوکاست بحث عدل الهی را شدت بخشید و هر چند پیشوایان مذهبی به همان نظرات پیشین و یا نظراتی مشابه آنها توسل جستند جوابگوی متفکران یهودی نمی‌توانستند بود. «ریچارد روبن اشتاین **Richard Rubenstein**» در سال ۱۹۶۶ کتابی به نام «پس از آشویتز» انتشار داد و در آن صراحتاً نوشت که او دیگر نمی‌تواند عقیدهٔ سنتی به وجود خدای تورات که بنی اسرائیل را انتخاب کرده و در طول تاریخ با او قاطعانه عمل کرده است بپذیرد. چه آنکه در صورت پذیرش این عقیده خدا را باید مسئول نهائی آشویتز بداند. نویسنده خشم آلود بر این عقیده بود که نابودی میلیونها یهودی در اروپا به ویژه آنان که مردمی بسیار مذهبی و خداترس بودند نمی‌توانسته است دارای هیچگونه هدف آموزشی باشد. او این عقیده را که نازیان، عاملان خدا در تنبیه قوم بوده‌اند رد کرد. اما در برابر وی اندیشمندانی دیگر از جمله «الی ویزل» که خود از بازماندگان هولوکاست است با ایمان قوی به وجود خدا و پذیرش اعمال وی جلو اینگونه افکار را سد کردند. گروهی نیز این پرسش را پیش آوردند که اگر مصیبت پر درد هولوکاست نبود آیا افتخار بزرگی به نام کشور ایسرائل نصیب قوم میشد؟

راز «کیفر و پاداش» خداوندی از رازهای ناگشودنی روزگار است و نمی‌توان برای آن مانند یک معادلهٔ ریاضی پاسخ قاطع و روشنی یافت که مورد قبول همگان باشد. این که چرا همیشه نیکوکار پاداش نیک نمی‌گیرد و گناهکار کیفر بد نمی‌بیند مسئله‌ایست که تا کنون عقل آدمی قادر به حل آن نبوده است. شاید از همین روی است که خداوند می‌گوید: «به آنکه می‌باید مهربانی کنم مهربانی خواهم کرد و به آنکه می‌باید ترحم کنم ترحم خواهم کرد» (خروج ۳۳:۱۹) آنچه به فرد یهودی آموزش داده میشود آنست که از تمایلات خود به سوی زشتکاری و تباهکاری دوری جوید و نه برای خویش رنج آفرین باشد و نه از برای همنوع خود. یک یهودی با ایمان باید از صمیم قلب بپذیرد که آنچه را خدای رحیم برای وی انجام میدهد علت و حکمتی دارد که به صلاح اوست. بالاتر از همه نباید هیچگاه فراموش کرد که میزان پاداشهایی که انسان در طول عمر از خدای یکتا میگیرد بسیار بیشتر از کیفرهای اوست. به سخن دیگر لذائذ زندگی از رنجهای آن فزونترند و همانطور که گفته شد اگر رنجی نباشد شناخت لذت ناممکن است.

مقاومت یهودی در برابر مصائب چه طبیعی و چه انسانی، از عجایب طبیعت است. او حتی در قلب دردناکترین فجایع به سختی از زندگی و ایمان خویش روی گردان میشود و سر تسلیم فرود میاورد. یهودی مؤمن در برابر درد عمیق همچنان رویی خندان دارد. آنزمان که دیکتاتور ابله آلمان با آدمکشی‌های وحشیانه‌اش دنیا را به عجز آورده بود چارلی چاپلین یهودی با فیلم دیکتاتورش دنیایی را به خنده وامی‌داشت.

شکوه گری در یهودیت کفر نیست. این ناسپاسی و از خدای یکتا روی برتافتن است که کفرآلود است. آن یهودی که پاکدلانه خدا را پرستد عدل و داد و قضاوت او را مایهٔ تزلزل خداپرستی خود نمیکند. در زندگی عادی آنکه در برابر قاضی قرار می‌گیرد شوریده حال و پریشان و نگرانست. اما یک یهودی با ایمان چون در روز روش هشانا، روز قضاوت الهی، در برابر دادگاه خدای خود قرار می‌گیرد، زیباترین جامه‌اش را بر تن می‌کند، دلشاد و خندانست. روز قضاوت را با نیایش و شکرگزاری آغاز می‌کند. در این روز گواراترین نوشابه‌ها را می‌نوشد و لذیذترین غذاها را میخورد. روز داوری الهی روز شادمانه گوش فرا دادن به ندای شوفار است. یهودی ایمان دارد که در این روز خدای او، خدای عادل و مهربان و بخشنده او، با وجود همهٔ مصیبتهای سخت باور نکردنی که وقوع آنها به حکم حکمت الهی بوده، در زندگی فردی و قومی او معجزه‌ها میکند و عشق و دوستی را که بزرگترین و گرانبهاترین ارمغان روزگار است به او ارزانی می‌بخشد.

چکیدهٔ آنچه از آغاز تاکنون گفته‌ایم

۱ - یهودیت امروزین، یهودیتی آزاد و مستقل نیست. یهودیت تجزیه شدهٔ پاره پاره‌ایست که هر پاره‌اش زیر عَلَم خودمختاری به راه خود می‌رود. یهودیت تجزیه شده بزرگترین خطر از برای حفظ استقلال ایسرائل است.

۲ - بررسی تاریخ یهودیت در سطح جهانی، در همه سامانها و همه زمانها، نشانگر آنستکه تمامی شاخه‌های یهودیت یا مستقیماً حاصل ضربات کوبنده و خرد کنندهٔ ضد یهودیگری‌اند و یا بر اثر عوامل قوی جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی برای پیشگیری از حمله‌های مرگبار ضد یهودیگری پدید آمده‌اند.

۳ - سئوال «یهودیت کیست» را که ره‌آورد دوران پراکندگی است باید جایگزین «یهودیت چیست» نمود تا هم از تحلیل‌گرایی یهودیان کاست و هم آنکه ضد یهودیان را درس آدمیت آموخت.

۴ - ارکان پنجگانه یهودیت: (۱) پرستش خدای یکتا در برابر نیاز مبرم انسان به مذهب.

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله چهل و هفتم

۷۹ ـ یادی از روحانیون بزرگوار مسلمان ایران

۱) شیخ بهاء الدین عاملی

با کمال تأسف باید گفت که در میان پاره ای از مردم پنداری نادرست ریشه دوانیده و این پندار اخیراً، در ارتباط با آنچه در ایرانِ امروز میگذرد، ابعاد گسترده ای یافته است. با پیدا شدن چند تن انسان سفیه و قسی القلب در میان گروه دستار بسران، به ناحق همه یا اکثر افراد این صنف از ملت را با القابی نادرست مردود میدانند. واقعیت، درست خلاف این شیوه پنداریست. در طول تاریخ، بسیارند روحانیونی که جان باختند تا از حق مردم دفاع کنند و آنان را از زیر یوغ حکام ظالم برهانند. در پاره ای از دوره های مختلف در واقع زنجیر «عدل نوشیروانی» در دست این طبقه از مردم بود ـــ بخصوص شیعیان، که در گذشته، لااقل تا قرن شانزدهم میلادی، شکنجه ها از دست حکام اهل تسنن دیدند. در نتیجه، اینها بیشتر بر ستون استوار عدل متکی گردیده و آن را (همراه با اصل امامت) به سه اصل مهم اسلام (توحید، نبوت و معاد) افزودند. باین ترتیب، **عدل** در ایران شیعه، بر خلاف کشورهای سنی، از ارکان اصلی دین بشمار میرود.

در دوره صفویه، بیشتر به علل سیاسی و نزاع با دولت عثمانی و سیاسی شدن پاره ای از علما، ورق برگشت و اقلیت های مذهبی (از جمله اهل تسنن) در مضیقه و حتی در برابر نابودی قرار گرفتند. ولی در این دوره نیز چهره های درخشانی از میان روحانیون برخاستند و با انوار بشر دوستانه خود راه تاریک آنانی که در جهل و ظلمت بسر میبردند روشن ساخته و موجب رستگاری یهودیان شدند. ما از میان این فرشتگان الهی از دو تن نام میبریم و یادشان را گرامی میداریم.

در حدود چهل سال پیش نامه ای به آقای طدی کولک Teddy Kollek (متولد وین، ۱۹۱۱) شهردار اورشلیم نوشتم و در آن نامه از ایشان تقاضا کردم که یکی از خیابانهای شهر اورشلیم به نام شاعر و صوفی معروف دورهٔ صفویه، بهاء الدین عاملی (فوت ۱۶۲۱ میلادی)، خوانده شود تا ملت یهود با زنده نگاه داشتن نام این «انسان کامل» دِین خود را به او ادا کند. این موضوع را در حاشیه شماره ۵۰، صفحه ۴۸ مقدمه کتاب **منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران** (تهران ۱۳۵۲ / ۱۹۷۳) خاطر نشان ساختم. انگیزهٔ به وجود آمدن این فکر، وساطت بهاء الدین عاملی نزد شاه عباس اول (شاهی ۱۵۸۸ ـ ۱۶۲۹) برای نجات یهودیان ایران، به ویژه یهودیان اصفهان، بود. بابایی بن لطف کاشانی ضمن شرح سرنوشت دردناک یهودیان این دوره، در ارتباط با این موضوع، چنین میسراید:

بُدی شیخی بدور آن شهنشاه
بهاء دین اسم، آن ترسای الله
بسی حرمت بُد او را نزد شاهان
همی کردند سجودش دین پناهان
تمام خلق او را میستودند
بانگشتش بیکدیگر نمودند
برفتند این جماعت نزد آن مرد
بگفتا شیخ: شه دیگر چه ها کرد؟
بکشت ملای ما را آن بنا حق
بریخت تورات ما در آب مطلق
چه بشنید شیخ اینها را بر آشفت
بزد بر سر دو دست و اینچنین گفت:
خداوندا من استغفار کردم
بجای اشک دل خونبار کردم
چنان تورات را کردند پامال
چرا پیشش همی رفتید امسال
کنون یک مصلحت بینم من از جان
که شاه آید مرا فردا به مهمان
بخواهد مصلحت دیدن ابا من
بگوشش در برم شاید از این فن
بپایش در فتادند زار کردند
سفارش هر یکی بسیار کردند

شیخ بزرگوار به وساطت برخاست و یهودیان ایران از مصیبتی بزرگ رهایی یافتند.

شیخ محمد بن حسین بهاء الدین عاملی در سال ۱۵۴۷ میلادی در ناحیه جبل عامل در لبنان متولد شده و در سال ۱۵۵۸ در سن یازده سالگی به اتفاق پدرش، عزالدین حسین، وارد ایران شد و در اصفهان ساکن گردید. وی در حدود نود کتاب و رساله در امور مختلف دینی، ریاضی، نجوم و تصوف به زبانهای عربی

و فارسی تالیف کرده است. **جامع عباسی** در فقه از تالیفات اوست، ولی فصول پایانی این کتاب را، که شامل محدودیت هایی علیه اقلیت های مذهبی بخصوص یهودیان است، شاگرد او، نظام الدین ساوجی، به امر شاه عباس کبیر نگاشته و ضمیمه نموده است (در بارهٔ شخص اخیر و قسمت های پایانی ضمیمهٔ **جامع عباسی** نک به **ریحانة الادب**، نگارش شیخ محمد علی بن محمد طاهر مدرس تبریزی، جلد چهارم، ص ۲۱۲ و همچنین به **هدیة الاحباب**، نگارش حاج شیخ عباس بن محمد رضا قمی، ص ۲۵۷).

شیخ بهاء الدین از مردان نیک روزگار بود؛ قرائت و حفظ معنوی اشعار او در دیوانش بنام **کشکول** به سالکان طریقت توصیه میشود. روانش شاد.

۲) ملا محسن فیض کاشانی

محمد بن مرتضی کاشانی مشهور به ملا محسن و متخلص به فیض (فوت ۱۶۸۰ میلادی) از اجلهٔ علما و فقها و نوادر عصر صفوی بود. وی شاگرد میر داماد استرآبادی (در اصفهان) و نیز تلمیذ ملا صدرای شیرازی بود. از او در حدود ۱۲۰ کتاب و رساله در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و تصوف و علوم عقلی و نقلی بجای مانده است. دیوان اشعار وی شامل هفت هزار بیت است.

در دورهٔ شاه عباس دوم (شاهی ۱۲۴۲ - ۱۲۲۷)، هنگامی که به علت جور و ظلم او و وزیرش، محمد بیک اعتماد الدولة، یهودیان ایران را در برابر کشتار و یا تغییر مذهب قرار گرفته بودند، این فرشته بزرگوار توانست با کیاست و فراست، بزرگواری و جوانمردی، یهودیان را از نابودی برهاند. بابایی بن لطف کاشانی، با وجودیکه استعداد چندانی در سرودن شعر نداشت، در وصف این دورهٔ دردناک و وساطت و شفاعت ملا محسن فیض چنین تعریف میکند و ما اشعار او را به نثر ساده می آوریم:

هر روز یهودیان کاشان را با زور و زجر و ضرب وشتم به دیوان کشانیده و نام آنان را بعنوان جدید الاسلام در دفتر ثبت میکردند. این همان دوره ای بود که شاه عباس دوم در ماه مبارک محرم (یک روز به عید سوکوت مانده در سال התכ"ו برابر با اول اکتبر ۱۶۵۹ میلادی) به کاشان آمد و از میان صف استقبال کنندگان یک نوجوان خردسال زیبا روی یهودی را بنام یحیی بن الیشع بن دانیال، در برابر شیون و ضجه یهودیان، به زور از صف بیرون کشیده به حرمسرا برد تا غریزهٔ حیوانی خود را با انجام عمل لواط اطفا کند و خانواده ای را یک عمر در زجر روحی و پریشانی بسوزاند (نک به نسخهٔ خطی محفوظ در مؤسسه بن صبی زیر شماره ۹۱۷، برگ ۱۲۳).

بابایی بن لطف میگوید: اسامی یهودیان بخت برگشته و به زور مسلمان شده را به دست ملا محسن فیض، که از علما و محبان شهر کاشان و مورد احترام شاه عباس دوم بود، میسپارند. او تنها فریاد رس یهودیان زجر دیده کاشان بود. وی به یهودیان اطمینان میدهد که آنها را از چنگ ظلم و شکنجه شاه و وزیرش نجات خواهد داد. ملا محسن فیض با لیست اسامی یهودیان به زور مسلمان شده نزد شاه به اصفهان میرود. در ملاقات با شاه، این سالک طریقت الهی چنین به گفتگو می نشیند:

ملا محسن بیرون آورد اسامی
بگفت: شاها، تو شاه نیک نامی
اجاقت باد روشن تا بجاوید
بماند نام نیکت همچو جمشید
بود امر پیامبر اندر ایام
که موسایی نیاید زود در دام
گر ایشان جور کردند می نباید
ستم بر این جماعت می نشاید

شاه از سخنان ملا محسن به فکر فرو رفته و تظاهر به ندامت میکند. در این موقع، اعتماد الدولة که در آن جمع حاضر بود، از ترس بر خود میلرزد.

هماندم اعتماد دولة بسهمید
چو این گفتار از هر دو بشنید
نشد خاموش و گفتا از سر کین
که ایشان جمله را چینید در این دین
که از روی صفا گشتند مسلمان
شدند یکسر بدین خود پشیمان
گرفتند زر زمن از بهر راحت
که بهر شاه کنند هر روز طاعت

وقتی ملا محسن فیض سخنان سرشار از کینه و دشمنی و آز اعتماد الدولة را شنید سخت نا راحت شده در دفاع از یهودیان چنین گفت:

چو بشنید این سخن ملا برآشفت
در اشکستگی با وی چنین گفت
که ای آصف، چرا از حق نترسی
کجا منسوخ شد تورات موسی؟

تو کردی مرکب اقبالشان لنگ
تو کردی کفش را در پایشان تنگ
بکردی جور با این قوم بسیار
که از ملک و سرا گردید بیداد
بگفتی دور شهران جا بگیرید
همه از گُشنگی آنگه بمیرید
تمامی را بُدی طفلان کهتر
نبودی چاره شان در راه دیگر
یقین اندر زبان گفتند شهادت
به دل در، کی کنند آن ترک عادت

اعتماد الدولة زیر سایه و حمایت شاه عباس دوم به آزار و اذیت یهودیان ادامه داد، تا اینکه در این برهه از زمان ملا محسن فیض موفق شد یهودیان را از چنگال گرگ صفتان انسان نما رهایی بخشد.

شاه عباس دوم، که تظاهر به مسلمانی و مؤمن بودن میکرد، در شرابخواری و عیاشی کمتر کسی بپای او میرسید. این عنصر مردم آزار و ناجوانمرد، که بزرگترین رنج و شکنجه را بر پیکر نحیف اقلیت یهود و ارمنی و زرتشتی در قلمرو ایران وارد آورد، سرانجام از بیماری سیفلیس و افراط در عرق خوری در سن ۳۵ سالگی در گذشت و نام زشتی از خود بجای گذاشت.

هنگامی که این مقاله را مینوشتم (اوائل اکتبر ۱۹۹۹)، دوستی از من مطلبی پرسید و برایش نوشتم:

اسلام، همانطور که از نام آن پیداست، دین سلام، یعنی دین صلح و صفا، و نیز دین تسلیم به رضا و اراده پروردگار است. خداوند به زیستی و خوشبختی مخلوقات خویش را میخواهد، لذا آزار و اذیت بندگان خدا، و در تنگدستی و ذلت و خواری نگاه داشتن آنان، اهانتی است جبران ناپذیر به رضا و اراده خداوندی. بیهوده نیست که واژه ای که بیش از همه در زبان مقدس عبری به کار میرود «شالُم» است که مفاد و معنی گسترده آن در برگیرندهٔ صلح و صفا و تندرستی و آرامش خاطر و بالاخره همان «سلام» اسلام در مفهوم واقعی آن در زبان مقدس قرآن است.

آنچه نوشتیم ایدآل و آرزوی ماست. ما همه آن را میخواهیم که خواست خداوند است: زندگی در منتهای سلامت و مسالمت.

گویند ملا محسن فیض نسبت به علامه معروف کاشان، ملا مُشه هَلوی، که از پیروان قبالا بود، ارادتی مخلصانه داشت. خدایشان بیامرزاد و روانشان شاد.

من قولم را نگاه میدارم،
تو هم فاصله‌ات را با من کم کن.

ما در سازمان سیامک، برای آنکه خانواده‌ای شرم بی بضاعتی‌اش
را کس دیگری نبیند سر قولمان ایستاده‌ایم
شما هم فاصله‌تان را با ما و آن‌ها کم کنید

برای کمک پاکت وسط مجله را با کمک اهدایی خود بفرستید

دردهای این دیار



نوشته: منصور مقیمی

از رویدادهای تند و خشونت آمیز که شراره آن موجب سرگشتگی‌ها برای جامعه ایرانی به ارمغان آورد و انقلابش نام داده است مدتی است مدید گذشته و اینکه ادعا میشود مدید روشن است چراکه طفلی شیرخواره به هنگام وقوع این حادثه شوم اکنون دوران شباب را پشت سر میگذارد و اما یهودیان ایرانی کوچکتر که به اجبار از دیار مأنوس خود به جبر رانده شده‌ایم و از آن سرزمین که نیاکانمان طوق بیگانه و تهمت و افترا را به گردن داشتند و با خشونت‌های هر از گاه چندی سر خود را در مقابل ارتجال و جهالت پایین انداختیم وارد دنیای دیگری شدیم در آن سوهای اقیانوسها که در فضایش آزادی بیان و اندیشه حاکم است که با آنچه ما در ایران بسر میبردیم تفاوت دارد در این وادی سلطهٔ رسانه‌های گروهیش از نوشتار گرفته تا رادیو تلویزیون، کامپیوتر و اینترنت بر فضای زندگی حضور دایمی دارد و به همین دلیل مشاهده میشود حتی خوش نام‌ترین و برترین آدمها را از آن بلندای دستنیافتنی به پایین میکشند و حال ما یهودیان گریخته از میهن بویژه کسانی که با سن و سالهای از بیست به بالا در آن ساکن شده‌ایم و به هر دلیل و توجیهی که به آن معترفیم همگی به عنوان تابع این کشور در آمده‌ایم و یا بهتر بشود گفت سیتیزن شده‌ایم واقعیت این است که وقتی که آدم وارد یک جای غریب میشود بایستی به جستجو بپردازد که چگونه با مردم آن دیار روبرو شده که بتواند حداقل نیازهای طبیعی خود را تأمین کند که از ادامه زندگی باز نماند. این کنکاش و یا کاوش چگونه نتیجه داده است؟ عده‌ای از افراد که خود را چند سر و گردن از دیگران بالاتر میدانند و بدون اینکه کوچکترین رعایت آزادی را که در این کشور از مهمترین مسائل شناخته شده ندیده گرفته خود را مختار دانسته انجمن و سازمان و بهمان را راس و ربس میکنند دفتر و دستک میگذارند با بوق و کرنا رهبری را در دست میگیرند که انگار در جنگلی بر پرندگان و وحوش فرمان میرانند که همگان ناچار باید سر تسلیم و تعظیم در مقابل آنان فرود بیاورند آخر عزیزان این بوم و بر سابقه‌ای ممتد در آزادی خواهی دارد لااقل قدری پیرامون خود نگاه کنید. در خبرهاست که در یکی از مجله‌های معروف نیویورک ستاره شش پر داود را که باد یک پر آنرا برده نوشته است «آیا یهودیان آمریکا ناپدید می‌شوند و بدنبال آن اشاره دارد جامعه یهودی آمریکا راه زوال را نه اندک اندک بلکه سریع طی میکند جای آن دارد که از نویسنده و مترجم این بحث که در یکی از نشریات به حق قابل تحسین در سرمقاله‌اش چاپ شده را خوانده و بعد به داورش نشست و غرض از اشاره به این مسئله و وضع جامعه ماندگار یهودیان ایرانی در آمریکاست که چه تدابیری بدون کوچکترین پیش‌بینی از سوی عده انگشت شمار که خود را داعی رهبری مردم میدانند گرفته میشود و چه فردی به مرحله عمل در می‌آورد بسنده کنیم. می‌بینیم و می‌شنویم که جامعه یهودی آمریکا قبلاً پیش‌بینی‌های لازم را به جهت حفظ و صیانت فرهنگ اصیل یهودی و پیروان این فرهنگ میکردند کمتر دچار وضع مخاطره آمیز فعلی یعنی جلب و جذب یهودیان به آیین و جامعه مسیحی می‌شدند. تدابیری که بایستی به موقع انجام دهند ندادند که اکنون با عوارض آن روبرو شده‌اند و این واقعیت باید برای ما اندرز و دست‌آوردی پر بها باشد که از هم اکنون برای جلوگیری از این مشکل موانع منطقی و مستدلی را باید فراهم

کنیم.

اکنون پرسش این است که چه باید کرد نکته مهم این است از افرادیکه خود را قیم ما میدانند پرسیده شود شما این همه کنیساها را برای چه کسانی بر پا میکنید که پس از برپایی آن ناچار شوید برای جلب و جذب افراد یهودی ایرانی که قطعاً برای نیایش به کنیسا مراجعه دارند آش عدس نوشابه و دیگر اغذیه‌ها را فراهم کنید که مجانی از آنها پذیرایی شود با چه مدارک و اسنادی و کدام مطالعه‌ای و به چه نحو سرشماری را برای برپایی و تأسیس کنیسا را بعمل آوردید اگر واقعاً در فکر جلب و جذب مردم برای حفظ آیین و دین یهودیت است که آنهایی که سنشان بیشتر از ۳۰ سال است یهودی مانده یهودی باقی خواهند ماند و اگر برای جلب و جذب جوانان و نوآموزان است که واقعیت این است که هر کس را باید با زبانی که بدان تکلم میکند باید رابطه برقرار کرد زیرا این گروه‌ها با زبان انگلیسی تحصیل میکنند و توصیه‌ها و اندرزها و نصایح و گفتمان شرایع مذهبی آنهم با زبان فارسی کارساز نیست و اگر هم نهایت کوشش شود که این گروه‌ها را به این کنیساها جلب و جذب نمایید مسلماً زحمت بیهوده‌ایست چراکه مهمترین مسئله‌ایکه این نوآموزان دانش آموزان و جوانان با آن روبرو هستند محل‌های تحصیلی از کودکستان گرفته تا دانشگاههاست که اینها بطور عموم در مدارسی تحصیل میکنند که اکثریت محصل‌های این مدارس دارای آیین و دینی دیگری هستند.

عقل سلیم حکم میکند که ابتدا باید در فکر تهیه و تأسیس مدارس بود که به جامعه یهودی ایرانی تعلق داشته باشند و شرایط ثبت نام و دریافت هزینه تحصیل به گونه‌ای باشد که همگان بتوانند به سهولت در آن مدارس نام‌نویسی و تحصیل کنند تا مقداری از خطر فرار مرتفع شود و اگر موانع شما دوستدار حفظ آیین و شرع یهود هستند در جنب این مدارس، کنیسا نیز صورت تحقق می‌پذیرد.

گفته میشود دریافت هزینه‌های تحصیلی با توجه به حوائج و تأمین امکانات در سطح بالایی قرار دارد این گفته کاملاً صادق و قابل پذیرفتن است بنابراین تأمین بودجه را باید از راههای مشروع تأمین کرد که اگر همتی بشود و عموم افرادی که خود را به حق رهبر و راهنمای مردم میدانند میتوانند بودجه این مدارس را از طریق کمکهای فرهنگی مردم که مسلماً با رغبت و حتی علاقه و شور مردم روبرو خواهد شد میتوان تأمین کرد.

تأمین نیازهای ضروری در راههای تأسیس مدارس اختصاصی یهودیان کار شاقی نیست کافی است که عمده یهودیان در این حرکت همه‌گیر شرکت داده شوند معاضدت و یاری مردم است که استقلال سیاسی را در جهان فراهم کرده به کوشش ایثار گرایانه مردان و زنان یهودی در طی این ۵۲ سال استقلال اسرائیل اندیشه کنید که چگونه این استقلال که خواب و خیالی بیش نبوده به وقوع پیوسته است واقعیت این است که انجام این مهم حتی از ظهور ماشیح هم باید بیشتر جلوه داشته باشد.

مورد دیگری که ورد زبان مردم است ولخرجی‌های بی حساب و رقابت و مسابقه‌ای است که در برگزاری مراسمهای مختلف بهدر میرود. چرا این هزینه‌های گران را صرف ایجاد مدارس و کودکستان‌ها و دبیرستانها نمی‌کنید چه کاری بهتر و ارزنده‌تر و شعف انگیزتر از این هدف و آرمان انسانی که در یهودیت از اهمیت بسزایی برخوردار است انجام نمی‌گیرد.

چه لذتی و شعفی از این بهتر که این هزینه‌های گزاف را در جهت تأمین سلامتی دیگران صرف کرده و سلامتی و بهبود تن انسانها را از آفت‌های بیماری‌ها برهانند.

چه شادی بهتر از آن پای‌کوبی‌ها و دست افشانی‌های زودگذر که اگر به دقت نظاره کنیم خطراتی را که در کمین بسرعت علیه ما رشد پیدا کرده و توسعه سرطانی را طی میکنند تا حداقل خون عده حتی کمی را بریزند و نه هالوکاست دیگری را بیافرینند. آیا این حرفها شنیدنی است؟ اگر شنیده شد بیایید در فکر آینده خود باشیم. □

UNIQUE OPPORTUNITY

Join the before-need sales team of one of the country's best-known, most successful Jewish cemeteries & mortuaries.

- Commission Based
- Thorough Training
- Excellent Benefits
- Ad & Marketing Support
- Must know Jewish Customs

Fax to Mrs. White at (323)465-8677

MOUNT SINAI MEMORIAL PARKS and MORTUARY

Los Angeles (FD-1010)

استخدام

خانمی مهربان و دلجو در منطقه ویلشر آمادگی نگهداری از کودکان شما به صورت تمام وقت یا نیمه وقت در خانه خود و یا در منزل شما می‌باشد.

تلفن: ۱۱۴۱ - ۲۳۴ (۳۱۰)

خانمی به یک هم اطاقی احتیاج دارد در منطقه سانتامونیکا روبروی فروشگاه ستاره با اطاق مجزا.

تلفن منزل: ۴۸۷۱ - ۸۲۰ (۳۱۰)

تلفن شرکت: ۹۷۸۹ - ۴۵۴ (۳۱۰)

جویای کار

به چند نفر فروشنده آشنا به کار در آژانس مسافرتی مورد نیاز است.

تلفن: ۱۴۱۴ - ۷۷۴ (۸۱۸)

از دلبندان شما در خانه نگهداری میشود.

تلفن: ۰۲۳۲ - ۲۷۸ (۳۱۰)

خانمی با دانستن تایپ فارسی و انگلیسی - فایلینگ جویای کار می‌باشد.

تلفن: ۳۹۲۰ - ۸۵۹ (۳۱۰)



زنگ خطر

ترجمه: شهره نوفر

اروپا زنگ خطر را برای آمریکا، بزرگترین استراق سمع کننده جهان بصدا در آورده است. جاسوسی محرمانه‌ترین اداره امریکا از سایر کشورهای دنیا هشدار دهنده است. کشورهای اروپایی این روزها خود را آماده جنجالی‌ترین و بزرگترین کشمکش قانونی در تاریخ جهان می‌کنند. آینده محرمانه‌ترین اداره جاسوسی و ضد جاسوسی دنیا بنام آمریکن سکیورتی American Security Agency (NSA) در گرو این دادخواهی است.

کار اصلی NSA استراق سمع از طریق ارتباط تلفنی به نفع آمریکا است. این اداره از طریق وسایل جاسوسی به استراق سمع تلفنی در تمام کشورهای دنیا مشغول است. کار این اداره بحدی محرمانه است که در خارج از خاک آمریکا این اقدامات بدون هیچ اجازه رسمی از دولتهای خارجی و یا اجازه قانونی از آنها به اجرا در می‌آید.

اروپا در ظرف سال گذشته با راز بزرگی پی برده است. NSA با کمک دولت انگلستان دستگاه استراق سمعی اختراع کرده که می‌تواند به هر مکالمه تلفنی، فکس، ای‌میل و ارتباط کامپیوتری در اروپا دست درازی کند.

این موضوع مسلماً برای کشورهای جامعه اروپا بسیار ناخوشایند بوده. در همین ارتباط دستگاه قضایی ایتالیا مشغول رسیدگی به فعالیتهای NSA در خاک ایتالیا می‌باشد.

کشورهای اروپایی کم و بیش از فعالیتهای NSA با خبر بوده‌اند و گوشزدهای خبرگزاریهای انگلیسی در طی سالها در این مورد ندیده گرفته شده است.

دلیل انفجار این موضوع نتایج دو تحقیق اخیر است که توسط پارلمان اروپا به انجام رسیده و شواهد اثبات شده نشانگر آن است، در انگلستان دستگاههای جاسوسی تلفنی از طریق NSA مشغول بکار می‌باشند. نتایج یکی از این پژوهشها بی تردید نمایانگر وجود دستگاههای نظارت گیری است که می‌تواند تمام ارتباطات را از طریق خطهای تلفنی در سرتاسر اروپا تحت نظر داشته باشد. همچنین وجود مافوق کامپیوتری بنام Echelon که قادر به ردیابی ارتباطات مهم از طریق کامپیوتری است.

یکی از نکات مهم در این گزارشها که برای پارلمان اروپا بسیار گران می‌آید، پرورش قابلیت جاسوسی بازرگانی NSA می‌باشد. بنظر می‌رسد که NSA بطور روزمره ارتباطات مربوط به خرید، فروش، ادغام و سرمایه‌گذاری بین‌المللی شرکتها و همچنین پیشنهادهای بازرگانی بزرگ را به نفع شرکتهای آمریکایی جاسوسی می‌کند.

سال گذشته کشورهای آلمان، نروژ، سوئد، دانمارک و هلند این اقدامات را مورد سوآل قرار دادند. امسال پارلمان اروپا در نشست آخر، فعالیتهای NSA را بطور رسمی مورد مواخذه قرار داده و خواستار اطلاعات بیشتر و شناسایی مسئولان اعمال NSA شده است.

اتهامات اخیر به هیچ ترتیب بازده فیلمهای جاسوسی و یا سریال Xfile نیست. در ماه جون اخیر نتایج گزارش دوم به پارلمان اروپا دقیقاً از کار و تکنیک و مشخصات برنامه‌های دستگاههای جاسوسی ارتباطات تلفنی پرده برداشته است. این گزارش خبر از نقشه‌های محرمانه‌ای می‌دهد که به موجب آن وسایل جاسوسی در کار (WEB) ارتباطات کامپیوتری بدون داشتن حد جغرافیایی به کار ادامه خواهند داد.

طبق این نقشهٔ محرمانه NSA با کمک FBI و با تحریک یکی از محرمانه‌ترین سازمانهای برنامه ریزی بنام «اجراگذار سمینار قوانین بین‌المللی ارتباطات تلفنی» International Law Enforcement Telecommunican Seminar به اجرا در خواهد آمد. در این برنامه، دو برنامه‌ریزی مختلف یکی برای NSA و دیگری دستگاههای پلیس با ادغام یکدیگر خواهند توانست که ردیابهای اروپا را برای یافتن ردپای و نظارت کننده NSA را خنثی سازند.

صدای این رسوایی به واشنگتن نیز راه یافته است. کمیته جاسوسی در کنگره آمریکا به NSA دستور داده تمام مدارک مربوط به Echelon را تحت اختیار کمیته قرار دهد. برای اولین بار در تاریخ این کمیته، NSA از این کار سر باز زده و امتیاز قانونی و وکیل و موکل را مدعی آن دانسته است.

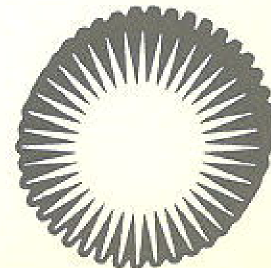
این سرشکنی می‌تواند پایانی به امتیاز داخلی NSA باشد. **آقای باب بار** عضو کنگره آمریکا عقیده دارد که این موضوع می‌تواند یکی از مواد قانون اساسی که آزادی

موضوعات خصوصی را تضمین کرده، پایمال کند. به همین خاطر او لایحه‌ای به کنگره ارائه داده که بر طبق آن در سال ۲۰۰۰ رؤسای سازمان مرکزی جاسوسی CIA و NSA و **خانم ژانت رینو، دادستان کل کشور** می‌باید طبق گزارشی به کنگره خط مشی اساسی برنامه Echelon را اعلام کرده تا بدین ترتیب موضوعات خصوصی شهروندان آمریکایی طبق قانون پایمال نگردد.

سکوت NSA به خشم قانونگذاران ایتالیایی دامن زده است. معاون دادستان ایتالیا اعلام داشته که وی بهر ترتیب از اعمال NSA و مقاربت آنها با قوانین ایتالیا پرده بر خواهد داشت.

یکی از نگهبانان تضمین قانون خصوصی در ایتالیا اخیراً مصاحبه‌ای اعلام کرده که دولت آمریکا هنوز به درخواست ایتالیا و پارلمان اروپا پاسخی نداده و از سایر همقطاران خود در اروپا خواسته است نه تنها بصورت رسمی از دولت آمریکا تقاضای اطلاعات در مورد برنامه Echelon را بکنند، بلکه سیستم برنامهٔ Echelon را در کشورهای خود مورد موشکافی دقیق قرار دهند.

وقایع اخیر، ناظران امر را با حقیقت تلخی روبرو ساخته. اول اینکه حدود جغرافیایی رفته رفته از میان می‌رود و NSA و همکارانش می‌توانند مکالمات تلفنی سرتاسر جهان را استراق سمع کنند. دوم اینکه فرق میان دستگاه پلیس و دستگاه جاسوسی و ضد جاسوسی دیگر واضح و مشخص نیست. بطور یقین آینده خبر از دنیایی بی مرز و حدود می‌دهد که در تار عنکبوت کامپیوتری و جاسوسی، مکالمات خصوصی همگی به طریقی ضبط خواهد شد. □

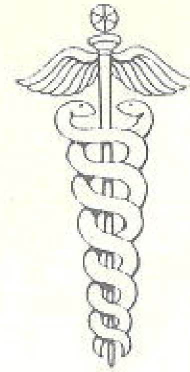


این سیاه بختی در خانه یهودی هم پیدا می‌شود
اگر در خانه مورد خشونت خانوادگی قرار می‌گیرید
با سازمان سیامک تماس بگیرید.
(۳۱۰)۸۴۳-۹۸۴۶

منصور شناسافر

با بیش از ۴۵ سال تجربه و سابقه کار حسابداری در آمریکا
با همکاری حسابداران مشاور قسم‌خورده CPA
کلیه خدمات حسابداری، حسابرسی مالیاتی تشکیل و انحلال شرکتها
تهیه و تنظیم گزارش مالی شرکت‌های تجارتی
تهیه وتنظیم گزارش‌های مالیاتی شخصی و تجارتی
برنامه‌ریزی و سرمایه گذاری

15300 Ventura Blvd., # 223
Sherman Oaks, CA 91403
مقابل شرمن‌اوکس گالریا، تقاطع ونتورا و سپولودا
Tel: (818) 728-9800
Fax: (818) 783-1182

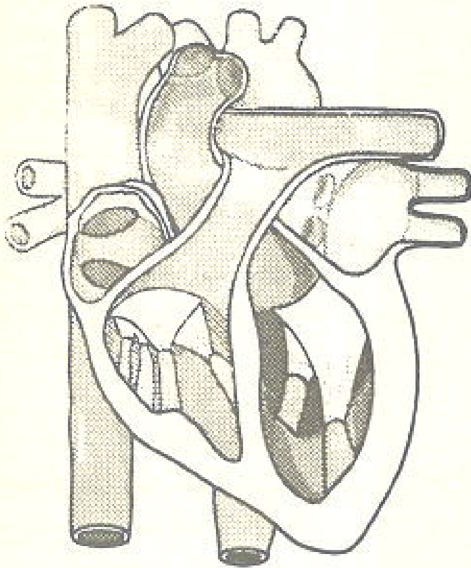


تازه‌های پزشکی



نوشته: دکتر نیسان بامداد
دبیر بخش پزشکی چشم‌انداز

بیماریهای قلبی Lifestyle and Heart Disease
چگونه با تغییر در شیوه‌ی زندگی میتوان از شدت بیماریهای قلبی کاست؟



نتیجه‌ی دهها بررسی و پژوهش نشانگرِ کارساز بودن رژیم غذائی و شیوه زندگی در کاهش میزان کلسترول خون و پیشگیری از حمله‌ی قلبی است.

پیرو توصیه‌ی انجمن قلب آمریکا، میزان کالری بدست آمده از کل چربی مصرفی نباید بیش از ۳۰ درصد جمع کالری غذایی باشد و از ۳۰ درصد چربی تنها ۷ درصد آن یا کمتر از چربی حیوانی.

بررسی دیگر که به تازگی از سوی دکتر **Dean Ornish** بعمل آمده است توصیه می‌کند که رژیم غذایی جدی‌تر همراه با تغییر اساسی در شیوه‌ی زندگی، پرداختن به ورزش، پیشگیری از فشارهای روانی و پیروی از یک برنامه‌ی یوگا و دعا **(Meditation)** و ترک سیگار می‌تواند کلسترول خون را کاهش داده و از بیماری‌های قلب جلوگیری نموده و بیمار نیازی به مصرف دارو هم نداشته باشد.

دکتر **Ornish**، ۴۸ بیمار قلبی را برگزید. ۲۸ نفر از آنها از رژیم غذایی و شیوه‌ی زندگی دکتر **Ornish** پیروی کردند. بدین معنی که غذای آنها شامل مواد غذایی گیاهی بوده و میزان چربی ده درصد یا کمتر از کل کالری را تشکیل می‌داد و میزان کلسترول دریافتی در روز ۱۰ میلی‌گرم و یا کمتر. این گروه هر روز یکساعت به یوگا و دعا می‌پرداختند، ۳۰ دقیقه پیاده‌روی، و اگر معتاد به سیگار بوده آنرا ترک می‌کردند.

گروه دیگر ۲۰ نفر، تنها از یک برنامه‌ی غذایی توصیه شده از سوی انجمن قلب آمریکا پیروی کردند.

در پایان ۵ سال، ۲۰ نفر از برنامه‌ی **Ornish** و ۱۵ نفر از برنامه‌ی انجمن قلب آمریکا پیروی کردند. همه‌ی افراد هر دو گروه سابقه‌ی حمله‌ی قلبی داشتند.

نتیجه: پس از یکسال، گرفتگی رگهای قلب در گروه Ornish، ۵ درصد بهبودی نشان میداد. پس از ۵ سال بهبودی در گرفتگی رگهای قلب به ۸ درصد رسید.

در گروهی که تنها از برنامه‌ی غذایی انجمن قلب آمریکا پیروی کرده بودند. در پایان سال یکم ۵ درصد بر گرفتگی رگهای قلب افزوده شده بود و پس از ۵ سال، ۲۸ درصد این گرفتگی افزایش نشان میداد.

افزون بر آن، تکرارِ حمله‌ی قلبی و بستری شدن در بیمارستان و عمل انژیوپلاستی و Bypass Surgery و موارد مرگ و میر در اثر بیماریهای قلبی در گروه Ornish، ۵۰ درصد کمتر از گروه دیگر بود (در پایان ۵ سال).

گزارش این پژوهش، به گونه‌ی مفصّل، در شماره‌ی ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸ نشریه‌ی انجمن پزشکان آمریکا انتشار یافت.

فشار خون
هنگامی که مهار کردن آن مشکل می‌شود
Hypertension

در بیشتر موارد، فشار خون با پیروی از شیوه‌ی ویژه‌ی زندگی، رژیم غذایی و انجام دستورهای پزشک و دارو قابل کنترل است. در مواردی کمیاب، فشار خون به ناگهان بالا میرود و داروهای فشار خون روی آن اثر نمی‌کند. در چنین موارد شما و پزشک شما بدنبال علت خواهید گشت. این علل ممکن است شرایط زیر باشد:

- **آیا داروی فشار خون را به میزانِ دستور داده شده در شبانه‌روز مصرف می‌کنید؟**
- **آیا بتازگی داروی تازه‌ای هم افزون به داروی فشار خون مصرف می‌کنید؟ در چنین شرایطی ممکن است داروی تازه با داروی فشار خون ناسازگاری داشته باشد و آنرا بی اثر کند. با پزشک خود مشورت کنید. حتی پاره‌ای از غذاها و مواد ضد اسید روی داروهای فشار خون و میزان جذب آن اثر می‌گذارد.**
- **آیا فشار خون خود را به گونه‌ی درست اندازه می‌گیرید؟ بهتر است فشار خون را در حال استراحت و نشسته اندازه بگیرید. ورزش، فعالیت و فشار روانی ممکن است فشار خون را موقتاً بالا ببرد.**
- **رژیم غذایی خود را زیر بررسی قرار دهید. میزان نمک (سدیم) در غذا اگر بیش از حدّ مجاز باشد ممکن است فشار خون را بالا ببرد.**
- **اگر بتازگی افزایش وزن داشته‌اید، این امر خود ممکن است فشار خون شما را بالا ببرد بویژه اگر دچار بیماری قند (دیابت) هم باشید.**
- **مصرف آب و مایعات بیش از حد معمول فشار خون را بالا می‌برد. مصرف الکل، کشیدن سیگار و نوشیدن قهوه نیز ممکن است باعث بالا رفتن فشار خون شود.**
- **داروهایی که فشار خون را بالا می‌برند عبارتند از:**

داروهای ضد درد و احتقان مانند داروهای گروه NSAIDS که بدون نسخه، برای برطرف کردن درد مصرف می‌شود (Orudis, Aleve, Naprosyn, Motrin) و داروهایی که برای سرماخوردگی مصرف می‌شود و دارای افدرین است.

استروئیدها، داروهای روان درمانی، قرص‌های ضد بارداری و بسیاری از داروهای دیگر، فشار خون را بالا می‌برند.

- **عامل دیگر:** بعضی از افراد اگر فشار خونشان در خانه آزمایش شود، میزان آن طبیعی است ولی در نزد پزشک میزان آن بالا می‌رود (White Coat Hypertension). بنابراین میزان طبیعی فشار خون شما همان میزانی است که در خانه آزمایش شده است.
- **فشار خون ممکن است با بالا رفتن سن، افزایش پیدا کند.** بنابراین با مشورت با پزشک ممکن است لازم شود در میزان داروی فشار خون تغییر داده شود.

اما اگر هیچیک از موارد بالا شامل حال شما نمی‌شود، بایستی در نظر گرفت که ممکن است عواملِ تازه‌ای در بدن شما بوجود آمده باشد که آن عوامل باعث بالا رفتن فشار خون شده است. (Secondary Hypertension). این عوامل عبارتند از:

- **بیماریها و نارسایی کلیه.**
- **Reno-Vascular Hypertension** که رگهای خون رسان به کلیه بیمار هستند.
- **تیروئید فعال (Hyper Thyroidism)**
- **افزایش ترشح ادرنالین در خون (Phenochromocytoma)**
- **افزایش کار غده‌ی بالای کلیه. در این بیماری میزان پوتاسیوم خون کاهش می‌یابد.**
- **در گروهی از سالخوردگان بعلت سخت شدن دیوار رگها، فشار خون بالاتر از میزان واقعی نشان داده می‌شود این حالت را** Pesudo-Hypertension می‌نامند که تشخیص آن مشکل است و در پاره‌ای موارد باعث گمراهی پزشک می‌شود.□

دستگاه پاسداری و ایمنی بدن
Immune Syste

گویچه‌های سفید خون دستگاه پاسداری و ایمنی بدن را تشکیل می‌دهند. این گویچه‌ها شبانه روز و در همه‌ی دورانهای زندگی بدن را در برابر یورش عوامل بیگانه نگهداری می‌کنند. هنگامی که ویروس و یا باکتری وارد خون و یا بافتها و یاخته‌های بدن شود با آنها پیکار می‌کنند و آنرا از بین می‌برند. هر مادّه‌ی ناآشنا نیز بعنوان جسم

بیگانه مورد حمله‌ی این گویچه‌ها قرار می‌گیرد.

دستگاه ایمنی هر قدر تواناتر باشد، تندرستی بیشتر تأمین می‌شود. هنگام بیماری، این دستگاه، فعالیت خود را افزایش می‌دهد و تلاش می‌کند تا بدن تندرستی را باز یابد.

بیماریهای میکربی تا زمانی که زندگی را با خطر مواجه نسازند نیازی به درمان با دارو ندارند ولی اگر پزشک تشخیص دهد که امکانِ بروز عوارض و آزارهای بیشتر وجود دارد، آنگاه به تجویز آنتی بیوتیک‌ها مبادرت می‌کند.

تعجب نکنید اگر هنگام بیماریهای میکربی، پزشک شما برایتان آنتی بیوتیک تجویز نمی‌کند. زیرا درمانِ شما در وهله‌ی نخست وظیفه‌ی دستگاه ایمنی است. اگر آن دستگاه نتوانست، عامل بیماری را از بین ببرد، آنگاه پزشک، دارو را به کمک می‌طلبد. در اینگونه موارد اگر از آغاز بیماری پزشک به تجویز آنتی بیوتیک اقدام کند، میکربِ عامل بیماری، تغییر حالت داده و نسبت به آن دارو مقاوم می‌شود و اگر بار دیگر همان میکرب وارد بدن شود آنتی بیوتیک روی آن کارساز نخواهد بود.

آنتی بیوتیک‌ها روی ویروس‌ها کارساز نیستند. بنابراین هنگام سرماخوردگی و آنفلوانزا نیازی نیست که آنتی بیوتیک مصرف شود. پزشک زمانی آنتی بیوتیک را در این موارد تجویز می‌کند که افزون بر ویروس‌ها، باکتری‌ها هم فعال شده و آزارهایی را باعث شوند.

امّا در موارد بیماریهای میکربی، اگر بلافاصله به تجویز آنتی بیوتیک پرداخت شود، دستگاه پاسداری و ایمنی بدن خود را به کنار می‌کشد و وظیفه‌ی خود را به دارو واگذار می‌کند و با تکرار اینگونه موارد، دستگاه ایمنی بیش از پیش نسبت به انجام وظایف خود بی علاقه شده و شما عملاً آنرا از کار می‌اندازید. چنین افرادی بمحض بیمار شدن، به دارو پناه می‌برند و دستگاه ایمنی بدن آنها در واقع از کار می‌افتد. کمی بیندیشید، با اینکار شما، بزرگترین عامل دفاعی بدن خود را بیکار و بیهوده کرده‌اید.

اما درباره‌ی بیماریهای غیر میکربی: به گونه‌ی مثال سر درد را در نظر بگیریم. شما بدون آنکه علتِ سر درد را بدانید، یک قرص ضد درد مصرف می‌کنید. با اینکار علامتِ سر درد که دردِ سر است تسکین می‌یابد ولی عاملِ سر درد، پیدا نمی‌شود و برای شما پنهان است. اینکار را شما بارها و بارها در دوران زندگی خود تکرار می‌کنید و شاید هرگز عاملِ سر درد روشن نمی‌شود. به ویژه آنکه با مصرف یک قرصِ ضد درد علامتِ بیماری پوشیده می‌شود و پزشک نمی‌تواند تشخیص را روشن سازد. چون علایم بیماری است که پزشک را بسوی تشخیص راهنما می‌شود. از سوی دیگر با بکارگیری دارو بدون تشخیصِ روشن، دستگاه ایمنی هم در این گونه موارد، وظیفه‌ی خود را به دارو واگذار می‌کند و نسبت به درمانِ علتِ بیماری بی تفاوت باقی می‌ماند.

اما ببینیم قرص ضد درد و ضد تورم در بدن چگونه عمل می‌کند. به گونه‌ی مثال دردِ زانو را در نظر بگیرید که با تورم همراه است. شما برای تسکین درد و تورم یک قرص آسپیرین مصرف می‌کنید به احتمال زیاد درد و شاید تورم برطرف می‌شود. آیا بیماری بهبود یافته است؟ در بیشتر موارد پاسخ منفی است.

درد و تورم زانو و یا هر مفصلِ دیگر بدن ناشی از بیماری استخوان، یا کیسه‌ی مفصل و یا دنباله‌ی ماهیچه‌هایی است که به مفصل اتصال دارد. تورم، خود یک نتیجه‌ی پدیده‌ی دفاعی است. گویچه‌های سفید خون به محل بیماری جمع شده‌اند تا عامل بیماری را درمان کنند. یورش این گویچه‌ها به محل باعثِ ورم مفصل شده است و ورم مفصل هم در بیشتر موارد درد را بدنبال می‌آورد. قرص آسپیرین مصرف شده چه می‌کند؟ مادّه‌ی تشویق کننده‌ی گویچه‌های سفید خون بمحل را که **Prostaglandin** نامیده می‌شود بی اثر می‌کند. این ماده از سوی یاخته‌ها و بافت بیمار ترشح می‌شود تا دستگاه ایمنی را به محلِ درد دعوت کند تا برای درمان بیماری اقدام کنند ولی با مصرفِ قرصِ ضد درد، این ماده‌ی مفید، بی اثر شده و دستگاه ایمنی بکار نمی‌افتد، بیماری درمان نمی‌شود ولی درد و تورم بگونه‌ی موقت از بین می‌رود.

دستگاه ایمنی و پاسداری بدن، بزرگترین وسیله‌ی درمانی است که بدن ما در اختیار دارد. باید این دستگاه را توانمند ساخت، باید بدین دستگاه امکان داد تا وظیفه‌ی خود را بموقع انجام دهد، باید این دستگاه را تشویق کرد که در برابر بیماریهای گوناگون تمرین کند و توانا باشد. توانایی بیشتر این دستگاه، ضامن تندرستی است. آنرا نادیده نگیرید و بیشترین استفاده را از آن ببرید.

دکتر ایزک یافائی
دندانپزشک

کلیه خدمات دندانپزشکی

روت کانال - باندینگ - روکش‌های چینی

(منطقه ولی) انسینو — قبول بیمه‌های درمانی

(۸۱۸)۹۰۶-۸۳۴۳ — (818) 906 - 8343

16661 Ventura Blvd. Suite 215 Encino, CA 91436

فردا خیلی دیر است فرزندانتان را برای همکاری با سازمان ما تشویق کنید.
شاید این کار شما بزرگترین سرمایه و بهترین بیمه برای آینده آنان باشد.



راه‌های طبیعی کاهش سریع کلسترول

راهبردهای جدید برای بهبود این ارقام

از: روز زن
نوشته: کاترین هوک
ترجمه: روزا کیائی

شما مسلماً وزن، شماره رمز بانکی، و شماره پلاک اتومبیل خود را می‌دانید. ولی آیا سطح کلسترول خود را نیز می‌دانید؟ به احتمال بسیار قوی این ارقام هم در خاطر شما نیست.

این نوع غفلت می‌تواند خطرناک باشد. کلسترول بالا که بیش از ۳۶ میلیون بزرگسال همراه با ۵۹ میلیون نفر دیگر با سطح کلسترول مرزی گرفتار آن هستند، عامل خطر عمده برای بیماری قلبی و علت مرگ اصلی مردان و زنان در این کشور به شمار می‌رود.

و این تنها مردان و زنان مسن‌تر نیستند که باید نگران باشند. دکتر جیمز کلیمن، هماهنگ کننده برنامهٔ آموزشی ملی کلسترول در انستیتوی ملی سلامتی می‌گوید: «این یک افسانه است که کلسترول قبل از ۴۵ سالگی همیشه پایین است».

خبرهای خوب - پزشکان اکنون روشهای بهتری برای غلبه بر کلسترول کشنده دارند و اینک خبرهای خوب: پزشکان راهبردهای بهتری را برای غلبه بر کلسترول کشف می‌کنند. این یافته‌ها می‌توانند به شما کمک کند تا ارقام ناسالم خود را سریعاً تصحیح کنید.

چربی‌های «خوب» را بیشتر بخورید

چربی‌های «خوب» را بیشتر بخورید

چنانکه چربی‌های اشباع نشده تک پایه که در آوکادو و برخی دانه‌ها مانند گردو، و نیز در روغن زیتون و کانولا یافت می‌شوند، جایگزین چربی‌های اشباع شده شوند. کلسترول «بد» LDL (لیپو پروتئین با غلظت کم) را پایین می‌آورند. علاوه بر آن، این چربی‌ها HDL (لیپو پروتئین با غلظت بالا) یعنی کلسترول «خوب» را پایین نمی‌آورند.

مطالعه‌ای در دانشکدهٔ بهداشت عمومی هاروارد برآورد کرده است که اگر فقط کمتر از نیمی از چربی اشباع شده موجود در رژیم غذایی زنان با کربوهیدراتها جایگزین شود، خطر بیماری قلبی حدود ۴۵ درصد کاهش می‌یابد. ولی اگر این چربی اشباع شده با

چربی اشباع نشده تک پایه جایگزین شود این خطر تا ۳۵ درصد کاهش می‌یابد.

دکتر رینارد برگ، از همکاران دانشگاه کالیفرنیا، سان فرانسیسکو، و سخنگوی انجمن آمریکایی قلب (AHA) توصیه می‌کند: «روغن زیتون را جایگزین کره سازید، بجای شیر کامل از شیر بدون چربی استفاده کنید و برشهای گوشت کم چربی مصرف کنید».

بار دیگر از تخم مرغ لذت ببرید

گر چه خوردن کلسترول، کلسترول خون را بالا می‌برد، ولی این خوردن چربی اشباع شده است که کلسترول را بیشتر بالا می‌برد. بنابراین تخم مرغ، که کلسترول آن از چربی اشباع شده بیشتر است، برای بیشتر مردم بلامانع است. (توصیه‌های AHA به مردم اجازه می‌دهد که تا چهار عدد تخم‌مرغ در هفته بخورند).

ولی بنا به گفتهٔ دکتر رابرت ناپ، مدیر کلینیک تحقیقاتی لیپید در دانشگاه واشنگتن در سیاتل، گروه‌های در معرض خطر باید بیشتر مراقب باشند. «افراد با کلسترول بسیار بالا، بی نظمی لیپیدارتی کلسترول بالا در سنین جوانی)، و افراد با بیماری قلبی باید تخم‌مرغ را به دو عدد در هفته محدود کنند».

چربی «بد» را محدود سازید

رعایت احکامی مانند «بیشتر از ۳۰ درصد کالری از چربی نگیرید» می‌تواند مشکل باشد. با این حال کاهش میزان جذب چربی اشباع شده همچنان مهمترین قدم در کاهش کلسترول به شمار می‌رود. چربی اشباع شده که اساساً در گوشت و مواد لبنی یافت می‌شود، بیشتر از هر جزء غذایی دیگر کبد را وادار به تولید LDL مسدود کننده شریان می‌کند.

دکتر ویلیام کاستلی، یکی از نویسندگان کتاب **چربی خوب، چربی بد** می‌گوید که در یک رژیم غذایی مناسب، روزانه ۲ گرم چربی بد برای افراد سالم مانعی ندارد. برای چند هفته برچسب مواد غذایی را به دقت مطالعه کنید، و مقدار چربی را در هر چه که می‌خورید یادداشت کنید تا متوجه مطلب شوید.

یک چربی بد دیگر: اسیدهای چرب ترانس (TFA) این چربی‌ها وقتی بوجود می‌آیند که چربی اشباع نشده، هیدروژنه شده یا طی فرایند شیمیایی تبدیل به جامد شود. این چربی‌ها نه تنها LDL و جمع کلسترول را بالا می‌برند، بلکه در مقادیر زیاد می‌توانند عملاً HDL را کاهش دهند. برچسبهای مواد غذایی این نوع چربی‌ها را که در انواع مارگارین‌های بسته بندی شده در کاغذ، روغن‌های جامد، و غذاهای آماده سرخ شده، و نیز در بسیاری از شیرینی‌های بسته بندی شده، کراکرها و بیسکویت‌ها یافت می‌شوند، نشان نمی‌دهند.

تیروئید خود را کنترل کنید

با کمال تعجب کم کاری تیروئید، بخصوص در زنان، شایع است. اگر این کم کاری درمان نشود، می‌تواند سطح کلسترول را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. علایم کم کاری تیروئید گمراه کننده هستند. خستگی، افزایش حساسیت به سرما، ریزش مو، افزایش وزن، خشکی مفصلها و افسردگی.

یک آزمایش خون که ۵۰ دلار هزینه دارد می‌تواند به تشخیص کم کاری تیروئید کمک کند که به آسانی با تجویز داروهای روزانه قابل درمان خواهد بود.

وزن خود را پایین نگهدارید

دکتر مارگو ونک، محقق HDL، پرفسور همکار پزشکی داخلی در مرکز پزشکی دانشگاه تگزاس می‌گوید: «در هر گروه از مردم، HDL چاق‌ترین افراد ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر از لاغرترین مردم است». با این حال، با کاهش وزن، HDL افزایش می‌یابد.

این سیاه بختی در خانه یهودی هم پیدا می‌شود
اگر در خانه مورد خشونت خانوادگی قرار می‌گیرید
با سازمان سیامک تماس بگیرید.
(۳۱۰)۸۴۳-۹۸۴۶

تحرک داشته باشید

دکتر روبرگ از AHA می‌گوید: «افزایش HDL تنها با رژیم غذایی مشکل است. ولی ترکیب ورزش با تغذیه مناسب، HDL را بهبود می‌بخشد». ورزش همچنین تری گلیسرید، چربی دیگر خون را که با بیماری قلبی مرتبط است، پایین می‌آورد. یک مطالعه در دانشگاه کلرادو، بولدر، نشان داده است که تری گلیسرید در زنان یائسه غیر فعال تقریباً ۸۵ درصد بیشتر از زنان جوانتر است. ولی تری گلیسرید زنان مسن‌تری که مرتباً می‌دویدند، تنها ۳۱ درصد بیشتر بود.

به سلامتی قلبتان بنوشید

گر چه نوشیدن روزانه هر نوع نوشابه الکلی می‌تواند HDL را پنج تا ده درصد افزایش دهد، تنها شراب قرمز که سرشار از فلاونوئید آنتی اکسیدان است، می‌تواند مانع مسدود شدن شریانها توسط LDL شود. آبجوی تیره، شراب غیر الکلی و آب انگور بنفش نیز دارای فلاونوئید ولی به میزان کمتر هستند.

سیگار را ترک کنید

بنا به گفته محققین در بنیاد تحقیقات خون در اسکاربرو، ماین، سیگار کشیدن HDL را به طور متوسط شش در صد پایین می‌آورد. این کاهش در افرادی که خیلی سیگار می‌کشند بیشتر است. بعضی مطالعات نشان می‌دهد که دود سیگار می‌تواند HDL افراد غیر سیگاری را نیز پایین بیاورد. AHA می‌گوید که سیگار یک عامل بیماری قلبی و رگها است که باعث مرگ ۴۰,۰۰۰ نفر در هر سال می‌شود.

کمتر استرس داشته باشید

مطالعات بسیاری نشان می‌دهند که استرس می‌تواند خطر بیماری قلبی را افزایش دهد. محققین در دانشگاه اوهایو دریافته‌اند که افرادی که همیشه خشم خود را نسبت به دیگران بروز داده‌اند یا مرتباً آن را سرکوب کرده‌اند، LDL خونشان افزایش یافته است. کسانی که احساسات خود را در موقع مناسب نشان داده‌اند ولی عصبانیت خود را در موقع دیگر کنترل کرده‌اند تا ده درصد LDL کمتری داشتند.

ویتامین‌های مکمل مصرف کنید

خوردن روزانه ۴۰۰ واحد بین‌المللی ویتامین E برای ترکیب با LDL در گردش خون، می‌تواند مانع تشکیل رسوب مسدود کننده شریان شود. ویتامین نیز زمانی که HDL پایین یا تری گلیسرید بالا است می‌تواند مؤثر باشد. ولی به خاطر عوارض جانبی نظارت پزشکی لازم است.

بیشتر بخورید...

فیبر قابل حل. این فیبر که به فراوانی در سبوس جو دوسر، سبوس برنج، لوبیا، نخود، جو، مرکبات، توت فرنگی، هویج و سیب یافت می‌شوند، LDL را پایین می‌آورند بدون اینکه HDL کاهش یابد. بعضی حبوبات با پسیلیوم در روز مصرف می‌کنند، می‌توانند کل کلسترول را تقریباً ۵ درصد کاهش دهند.

● **لوبیای سویا** - یک مطالعه در «ژورنال پزشکی نیوانگلند» نشان داده که خوردن روزانه سه تا چهار قاشق سوپخوری پروتئین سویا، LDL را تقریباً تا ۱۳ درصد و تری گلیسرید را تا بیش از ده درصد پایین می‌آورد. این موارد را امتحان کنید. پودر سویا را با آب میوه مخلوط کنید، سویا برگر یا لوبیای سویای سرخ کرده بخورید، یا شکلات داغ تهیه شده از شیر سویای وانیلی بخورید.

● **اسیدهای چرب امگا - ۳** - این چربی که در ماهی آزاد، ماهی خالدار و ماهیهای دیگر یافت می‌شود، می‌تواند تری گلیسرید را پایین بیاورد و از آنجا که ماهی دارای چربی اشباع شده کمی است، راه بسیار خوبی برای کاهش کل کلسترول و LDL نیز به شمار می‌رود. چند بار در هفته و هر بار ۳ تا ۴ اونس ماهی بخورید.

● **مارگارین های جدید** - مارگارینی که از عصار درخت آناناس گرفته شده است مانع جذب کلسترول در مسیر گوارشی می‌شود یا مارگارین مشتق از لوبیای سویا را امتحان کنید.□

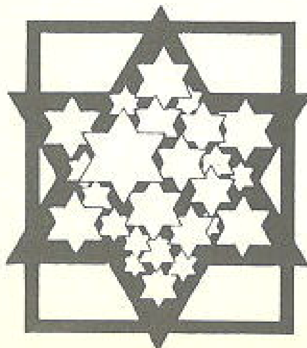
نمودارهای کلسترول

LDL (لیپو پروتئین با غلظت کم)
کلسترول «بد» که شریانها را مسدود می‌کند.
مطلوب: کمتر از **130 mg./dl.**
بالا: **140 mg/dl.** یا بیشتر

HDL (لیپو پروتئین با غلظت بالا)
کلسترول «خوب» که LDL را از دیواره‌های شریان منتقل می‌کند.
مطلوب: هر چه بالاتر بهتر **35 mg/dl.** یا کمتر خطر بیماریهای قلبی را افزایش میدهد.

تری گلیسریدها
چربی خون مرتبط با بیماری قلبی.
مطلوب: کمتر از **200 mg/dl.**
بالا: بیش از **400 mg/dl.**

کل کلسترول
جمع مقادیر همه کلسترول‌های خون.
مطلوب: کمتر از **200 mg/dl.**
بالا: **240 mg/dl.** و بیشتر
- برنامه آموزشی ملی کلسترول



آیندهٔ علم پزشکی

بچه‌های طراحی شده

امروز والدین می‌توانند جنسیت بچهٔ خود را انتخاب کنند و او را از نظر بیماریهای ژنتیکی تست و پاکسازی سازند آیا روزی نیز خواهد رسید که بتوان نغز و زیبایی را انتخاب کرد؟

والدینی که به امکانات پیشرفته علم ژنتیک دسترسی دارند می‌توانند جنسیت بچهٔ خود را تعیین کنند. شاید طی چند دههٔ آینده بتوان بسیاری از خصوصیات دیگر را مثل قد، رنگ مو و چشم، مقاومت در مقابل برخی بیماریها و حتی بهرهٔ هوشی و نوع شخصیت نیز بیش از تولد تعیین کرد.



تکمیل شناسایی ژنهای انسان

نوشته: فریده شبانفر

پیش بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۳ طرح تکمیل شناسایی ژنهای انسان به مرحله نهایی خود دست یابد. قرار است تا این تاریخ کل ژنهای انسان در DNA (واحد حیات) که ۷۵ هزار تخمین زده شده است شناسایی گردد. در ضمن توالی سه بیلیون جفت عنصر شیمیایی ژنها نیز تعیین و مشخص شود. این کشف پیروزی بزرگی در تاریخ پزشکی بشمار می‌رود و تأثیر عظیمی بر علم و درمان پزشکی خواهد داشت که البته دستیابی به نتایج عملی آن سالها وقت و کوشش لازم دارد.

گر چه مطالعهٔ تاریخچهٔ خانوادگی و بیماریهای موجود در یک خانواده کمک می‌کنند که احتمال بروز یک بیماری خاص در فرد پیش بینی شود ولی شناسایی ژنها و توالی آنها کار پدید آوردن آزمایشهای ژنتیکی را تسهیل می‌سازند و می‌توان به کمک این آزمایش‌ها و با دقتی بیشتر پیش‌بینی کرد که چه کسی در معرض خطر ابتلاء به یک بیماری خاص می‌باشد. به این ترتیب می‌توان افراد را از نظر احتمال ابتلاء به برخی بیماریها مورد آزمایش قرار داد و برای پیشگیری آن بیماری تدبیرهای خاص پیشه کرد.

والدینی که به امکانات پیشرفته علم ژنتیک دسترسی دارند می‌توانند جنسیت بچهٔ خود را تعیین کنند. شاید طی چند دههٔ آینده بتوان بسیاری از خصوصیات دیگر را مثل قد، رنگ مو و چشم، مقاومت در مقابل برخی بیماریها و حتی بهرهٔ هوشی و نوع شخصیت نیز بیش از تولد تعیین کرد.

مثلاً در روانپزشکی می‌توان با استفاده از اطلاعات ژنتیکی، شاخص‌های خاصی را برای ارزیابی بیماریهای روانی و تأثیر داروها بر آنها بوجود آورد.

در واقع اگر ژن درمانی به وعده‌های خود عمل کند روزی خواهد رسید که شاید والدین بتوانند نه تنها بسیاری از بیماریهای مهم و خطرناک ژنتیکی را قبل از تولد تشخیص داده و ژن سالم جایگزین آنها سازند بلکه خواهند توانست ژنهایی را که دلخواهشان است و در آزمایشگاه تولید شده انتخاب کرده و به جنین خود وارد سازند. این مسأله یعنی بچهٔ طراحی شده مسأله‌ای است که ذهن بسیاری از جمله پزشکان، رهبران اخلاقی و مذهبی و سیاستمداران را به خود مشغول داشته است. البته هنوز وقت باقی است. چون فعلاً علاوه بر تعیین جنسیت فقط توانسته‌اند بعضی از بیماریهای مهم ژنتیکی را در همان ابتدا تشخیص دهند و هنوز بسیاری ژنها شناخته نشده‌اند و اگر هم علم ژنتیک در دهۀ آینده به آن مرحله برسد شاید آنرا در خدمت پیشگیری از بیماریها بکار برد و نه برای تغییر طبیعت نوزادان.

انتخاب جنسیت در واقع از آنجا آغاز شد که بسیاری از بیماریها مانند هیدروسفالی،

هموفیلی، نوعی از دیستروفی عضلانی و چند بیماری دیگر ژنتیکی فقط عارض پسران می‌شود و پزشکان تصمیم گرفتند برای خانواده‌هایی که پسرانشان در خطر ابتلاء به این بیماریها قرار دارند این روش را به کار برند. از آنجا که دختران دارای دو کروموزوم X هستند که از مادران به آن‌ها منتقل می‌شود و مردان دارای یک کروموزوم X و یک کروموزوم Y هستند و در واقع مردان هستند که جنسیت جنین را تعیین می‌کنند نه زنان، پس دانشمندان با تکنیک‌های علمی توانستند کروموزومها Y مردان را جدا کرده و کنار بگذارند و فقط از کروموزومهای X آنها برای لقاح جنین استفاده کنند. به این ترتیب این خانواده‌ها می‌توانستند صاحب دختر شوند که از نظر ژنتیکی سالم بود.

ولی اینک که والدین به امکانات تکنولوژی ژنتیکی پی برده‌اند و بخصوص آنها که امکانات مالی کافی هم در اختیار دارند، تنها به تعیین جنسیت جنین اقدام نخواهند کرد و انتظارات دیگری نیز خواهند داشت. مسائل اخلاقی ناشی از این امر بسیار گسترده و پیچیده است. شاید هم روزی فرا رسد که جامعه به دو جبههٔ ژن فقیر و ژن غنی تقسیم گردد. یعنی کسانی که طبیعی دنیا آمده‌اند و کسانی که ژنهایشان طراحی و انتخاب شده است. روزی که ساختار DNA انسان شناخته شد، دروازه‌ای بر روی بشریت گشوده شد که گر چه می‌تواند راه‌گشای علم پزشکی و مداوای بسیاری از دردها باشد ولی می‌تواند مشکلات اجتماعی و اخلاقی دیگری را نیز به دنبال داشته باشد. □

همه با هم در راه هدف مقدس سازمان آرم به پیکار برخیزیم و حمایت از آنرا وظیفه خود بدانیم.

تلفن: ۲۰۶۴-۲۲۲(۸۱۸)

شماره تلفن سازمان سیامک:

۹۸۴۶-۸۴۳(۳۱۰)

هفته را متوقف کنید



زندگی زمانی اتفاق می‌افتد که شما آنقدر مشغول هستید که حضور آن را حس نمی‌کنید. چندین سال قبل یک روز صبح رئیس دانشگاه هاروارد **Neil Rudenstine** کمی دیرتر از معمول از خواب بیدار شد. برای شخصی که همیشه همهٔ کارها را بدون نقص انجام می‌داد خوابیدن تا دیروقت در زمانی که مشغول جمع کردن اعانه بود یک زنگ خطر به حساب می‌آمد. بعد از چندین سال کار طاقت فرسا در محیطی که همهٔ افراد آن به سختی تلاش می‌کنند، **Rudenstien** دچار خستگی مفرط شده بود.

فقط بعد از سهٔ ماه مرخصی و استراحت کامل و خواندن کتاب و قدم زدن در سواحل کارائیب بود که او توانست دوباره به سر کارش باز گردد. در آن هفته عکس او در روی جلد مجلهٔ نیویورک انتشار یافت. زیر مقاله‌ای تحت عنوان **«خستگی بیش از حد»**.

در بحبوبه زندگی مدرن همهٔ ما فرق بین استراحت و کار کردن را فراموش کرده‌ایم. به عنوان بنیانگزار کمک مالی، رفتن به محل کار افرادی که کمک مالی می‌کردند، رفتن به ادارات شلوغ مددکاران اجتماعی و همچنین رفتن به خانه‌های کوچک افراد فقیر، همهٔ اینها زندگی شلوغ آقای **Rudenstien** را تشکیل می‌داد.

ما مدام به یکدیگر می‌گوییم که خسته هستیم و کار داریم، فکر می‌کنیم که هر چه بیشتر مشغول باشیم در نظر خودمان و در نظر دیگران خیلی مهم جلوه می‌کنیم. اگر قادر نباشیم به افراد فامیل و دوستانمان برسیم، اگر وقت نداشته باشیم که ظهور و طلوع و غروب آفتاب را حس کنیم و یا حتی قادر نباشیم بگوییم که حتی آفتاب سر زده است یا خیر انجام تمام وظایف زندگی بدون سرعت و بدون تأمل، به نظر ما اینها همه نشانهٔ یک زندگی موفق به حساب می‌آید.

هر چه سرعت زندگی بیشتر باشد ما بیشتر خسته و حیران می‌شویم. زندگی و حرفهٔ ما هرگز حالت سبکی و لذت را دارا نمی‌باشد. بر عکس همانطور که همهٔ کارها رویهم انباشته می‌شوند تمام مفهوم زنده بودن به یک امر اجباری تبدیل می‌شود.

به علت عدم استراحت ما راه خود را گم کرده و نمی‌دانیم که به کجا می‌رویم. چطور ما اجازه می‌دهیم که این اتفاق برای ما بیافتد. من معتقدم که وجود شبات را فراموش کرده‌ایم. تعداد زیادی از تعطیلات مذهبی شبیه شبات در دینهای مسیحیت و یهودیت وجود دارد. زمانی که انسان‌ها فرصت دارند که مکث کنند و مظاهر خوب و زیبای زندگی را جشن بگیرند. فرصت داشته باشند که شمع شبات را روشن کنند، شعر بخوانند، نیایش کنند، داستان بگویند و به خود و فرزندانشان دعا کنند و آنها را دوست داشته باشند. از خداوند متعال تشکر کنند، غذایشان را با دیگران قسمت کنند، کمی استراحت کنند، قدم بزنند و حتی روابط جنسی داشته باشند.

با کوشش همه جانبهٔ ما برای رسیدن به یک زندگی موفق و پر از مسئولیت وقتی که استراحت می‌کنیم احساس گناه به ما دست می‌دهد.

ولی شبات به ما اجازه می‌دهد که همهٔ کارهای روزمره را متوقف کرده و روح خودمان را تقویت کنیم و پرورش دهیم. در حقیقت عبارت **«شبات را به یاد بیاورید»** تنها یک اجازه نیست یک فرمان است از طرف خداوند.

من تقاضا می‌کنم که همگی روز شبات را محترم بشمارید، بگذارید دستها را از روی وسایل شخم زنی برداریم و بگذاریم زمین خودش از خود نگهداری کند. زمانی که ما از موارد استراحت و خوشحالی سرشار می‌شویم بگذارید فقط برای یک روز عطش بیشتر طلبی را متوقف کنیم. □

برگردان: فائزا پوراتی

درخواست آگهی پیوند دلها

نشریه چشم‌انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم را کاملاً پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید.

روی پاکت مرقوم فرمایید «**پیوند دلها**» در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند.

به هر فرد یک شماره کد داده خواهد شد.

نام و نشانی افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهند باشند، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند.

برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم احتمالی لطفاً کپی کارت شناسایی خود را با فرم بفرستید.

سازمان سیامک، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی‌ها جواب می‌دهند، نخواهد داشت.

(۳۱۰)۵۳۵-۶۷۱۹

P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212

- **اگر مایل به انتشار پیام خود در این صفحه نیستید خواهشمند است ما را مطلع کنید.**
- **هزینهٔ آگهی برای شش شماره ۲۴ دلار میباشد.**

آگهی دهنده

نام .... نام خانوادگی .... قد ....

تاریخ تولد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

آیا قبلاً ازدواج کرده‌اید؟ بله ☐ نه ☐ اگر بله، تعداد فرزندان ....

نشانی:

تلفن خانه (　　　) محل کار (　　　)

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند:

همسر مورد علاقه:

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

مجرد ☐ قبلاً متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید:

پیوند دلها

برای تماس با افراد زیر با تلفن
۶۷۱۹ - ۵۳۵ (۳۱۰) تماس حاصل نمائید



آقایی هستم ۳۶ ساله، شاغل، خوش قلب و علاقه‌مند به موسیقی. از لحاظ ذهنی زیاد پیشرفته نیستم و ملایم هستم. از لحاظ جسمی بسیار فعال، خوش هیکل و خوش تیپ. مایل به آشنایی با خانمی حدود ۳۰ تا ۳۵ سال که در صورت توافق مایل به آغاز زندگی مشترک یگانه باشیم. کد ۶۴۶۲۲

آقایی هستم ۴۴ ساله دارای یک دختر سیزده ساله از همسر آمریکایی خود، شغل آزاد، درآمد کافی مایل به ازدواج با خانمی بین ۳۰ تا ۳۷ ساله، قبلاً ازدواج کرده مهم نیست، خوشگل و خوش اندام و سازگار و پای‌بند به اصول اخلاقی. کد ۶۲۷۶۲

آقایی هستم ۴۱ ساله، تحصیلکرده، قد بلند، روشنفکر، با اصالت، معتقد به ارزشهای اخلاقی و علاقمند به مسافرت و موسیقی مایل به آشنایی و ازدواج با دختر خانمی تا سن ۳۷ سال با شرایط فوق می‌باشم. کد ۶۱۹۱۴

آقایی هستم ۳۶ ساله، تحصیلکرده آمریکا و از خانواده اصیل، خوش قلب، خوش اندام، خوش تیپ، رومانتیک، با شخصیت، روشنفکر و با احساس، علاقمند به موسیقی و مسافرت مایل به ازدواج با دختر خانمی ۳۰-۲۴ ساله تحصیلکرده، خوش قلب، روشنفکر، علاقمند به تشکیل خانواده می‌باشم.
کد ۶۱۴۵۵

آقایی هستم ۶۱ ساله، پزشک، بیوه، دارای دو فرزند با درآمد مکفی، نسبتاً خوش قیافه با سلامتی کامل، با شخصیت، خوش قلب، مهربان، خوش پوش و علاقه‌مند به موسیقی مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی زیبا و سبزه گون، قد و هیکل متوسط، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده باشد و تمایل به داشتن فرزند نباشد، فعال، شاغل، اجتماعی و مهربان و پایبند به اصول اخلاقی. آشنا به زبان انگلیسی. کد ۶۳۶۴۲

آقایی هستم ۴۳ ساله، قد ۵.۸ ، خوش اندام، خوش تیپ علاقه‌مند به خانواده و مسافرت، شاغل درجه اول، متدین، خواهان همسری ایرانی، سن زیر ۴۰ سال، متدین و متناسب با خودم. کد ۶۳۲۳۵

آقایی هستم ۴۳ ساله دارای فوق لیسانس، قد ۵/۸ با درآمد مکفی، به قول دوستان جذاب و خوش تیپ، خوش پوش، از خانواده اصیل و تحصیل کرده، بدون اعتیاد، اهل ورزش، مسافرت، قایقرانی، مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی ۲۸ تا ۴۰ ساله، زیبا، خوش اندام، خوش قلب، مهربان، غیر سیگاری، روشنفکر و اجتماعی. کد ۶۴۴۳۹

آقایی هستم ۴۵ ساله، خوش قیافه، ورزشکار، تحصیل کرده، شغل آزاد، روشنفکر، عاشق طبیعت، مسافرت، قبلاً ازدواج کرده علاقمند به آشنایی با خانم ۴۷-۳۷ ساله، مطلقه یا بیوه یا مجرد - جذاب - خوش قلب، و خوش اخلاق، برای تشکیل خانواده.
کد ۷۱۲۷۴۴

خانمی هستم ۴۵ ساله، دیپلمه، شاغل، دارای سه فرزند از ازدواج قبل، خونگرم، خانواده دوست و معاشرتی، خوش اندام، اهل ورزش و مسافرت، علاقه‌مند به طبیعت و موسیقی و عاشق زندگی مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی تا سن ۵۵ سال، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده، با درآمد کافی، ورزشکار، خونگرم، انساندوست، اهل زندگی، مسافرت و معاشرت و دست و دلباز. کد ۶۳۳۲۸

دختر خانمی هستم ۲۹ ساله، خوشگل، جذاب، خونگرم، تحصیلکرده، علاقمند به طبیعت، موسیقی و ورزش میباشم. مایلم با شخصی با خصوصیات مشابه تا سن ۴۰ سال آشنا و ازدواج نمایم. کد ۶۰۹۲۱

دختر خانمی هستم ۳۹ ساله، تهرانی، با مدرک لیسانس، متدین، قد ۵/۶، چشم و ابرو مشکی، مجرد، زیبا، مایل به آشنایی با آقای مجرد بین ۳۹ تا ۴۵ سال، قبلاً ازدواج نکرده، شاغل، متدین، خانواده دوست، خوش قلب و صمیمی می‌باشم. کد ۶۷۵۸۵

دختر خانمی هستم ۳۸ ساله، فوق دیپلم، قد "۲'۵، شغل آزاد، زیبا و مهربان، پای بند به اصول اخلاق، مایل به آشنایی با آقایی ۵۰-۴۰ ساله جذاب و با وقار، علاقمند به تشکیل خانواده، اهل ورزش و با درآمد مکفی. کد ۶۴۳۴۴

دختر خانمی هستم ۳۹ ساله، تهرانی، با مدرک لیسانس، متدین، قد ۵/۶، چشم و ابرو مشکی، مجرد، زیبا، مایل به آشنایی با آقای مجرد بین ۳۹ تا ۴۵ سال، قبلاً ازدواج نکرده، شاغل، متدین، خانواده دوست، خوش قلب و صمیمی می‌باشم. کد ۶۷۵۸۵

آقایی هستم ۳۷ ساله، قبلاً ازدواج کرده، دارای یک فرزند، فوق لیسانس، مهندس، قد ۵/۶، راستگو، جذاب، فروتن، اهل مسافرت مایل به آشنایی و ازدواج با دخترخانمی ۲۶ تا ۳۶ ساله، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده با قد حداکثر ۵/۶ با خصوصیات مشابه می‌باشم. کد ۶۹۰۸۳

آقایی هستم ۴۶ ساله، فوق دیپلم، شغل آزاد، قد متوسط، قبلاً ازدواج کرده بدون فرزند، خواهان ازدواج با خانمی خوش قیافه، سن بین ۳۵ تا ۴۵ سال، جذاب، خوش اندام، خوش قلب و درستکار، علاقمند به طبیعت، مطلقه یا بیوه با فرزند و بدون فرزند قابل قبول است. کد ۷۲۲۶۲۸

دختر خانمی هستم ۳۴ ساله، زیبا و مهربان، خوش قلب و با محبت، قبلاً ازدواج کرده، بدون فرزند، مایل به ازدواج با آقایی مجرد یا قبلاً ازدواج کرده با مسئولیت و پای‌بند خانه و خانواده با درآمد کافی برای زندگی راحت می‌باشم. کد ۶۸۸۴۱

خانمی هستم ۴۳ ساله، لیسانسیه، شاغل، دارای دو فرزند، اهل معاشرت و تفریحات سالم، خوش اخلاق و خانه‌دار، مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی تا سن ۶۰ سال، قبلاً ازدواج کرده، خونگرم و انساندوست با درآمد کافی می‌باشم. کد ۶۸۷۶۵

Who Doesn't Love A Wedding?

By Ted Roberts

Why is it that a Jewish wedding always does a number on our heartstrings? Even my Cousin Myra's that featured a garage sale hupa and a one-man band blowing a kazoo.

I say it's our pessimism. Pharaoh, Haman, Hitler, and Stalin did it to us. Somewhere deep down in the midnight of our soul we're expecting the Cossacks to break down the door instead of the gentle knock of the caterer with 300 Chicken Breasts Florentine. And we're thinking that this union – these two young people brought together by who knows what motive; love, lust, economics – are our last hope at survival. How silly. On an evolutionary scale, we're tougher than cockroaches.

Me and my wife, we love a good wedding. She says it takes a bris, a family reunion, and a 25th wedding anniversary to equal the joy of a single marriage ceremony. That's why last week we drove 400 miles to a wedding on roads that didn't sport a single decent deli. We lucked out, this wasn't simply a marriage ceremony. It was a seven-day extravaganza, rich with the rewards we out-of-town guests expect. I mean to say that we out-of-towners are demanding. And why not. Didn't I spend $20 on gas? Did I not spend six excruciating hours in the vocal company of three Barry Manilow CDs – my wife's favorite tenor? Find that in our pre-nup! I was promised NO Barry Manilow and lots of kugel when we stood under the hupa 48 years ago. Real kugel with plenty of raisins – not Mama Manishevitz frozen noodles. I tried to insert it into the ketuba. My Rabbi, a straight arrow traditionalist, refused.

Anyhow at the wedding, I was all set for a suitable gustatorial payoff (maybe a kugel entrée!) for my $20 gas bill, six hours of Barry, and our wedding gift – a lovely set of monogrammed, his and her key chains that cost almost as much as the gas. Also contributing to the gift were several family members who chose not to make the trip. ("Are you kidding – you guys and Barry Manilow for six hours! Here, take a fiver for those beyoootiful key chains.")

The wedding was not disappointing. The ceremony and symbolism were overpowering. They did it all, beginning with the signing of the ketuba. The ketuba, of course, is written in antique Aramaic so that the groom doesn't understand his commitment to his wife, his in-laws, and her Uncle Louis, who hasn't worked steady since he was fired as a flagman for the State Highway Department.

They did the badeken, too. The veiling of the bride. Necessary, says tradition, so that the groom is not overwhelmed by the beauty of the bride. He shouldn't miss the goodness of her soul. With this bride, the veil should have been of lead; such was her radiance. And for good measure they should have blindfolded the groom.

There was frenzied dancing by the hungry guests who were magically transported to Jerusalem, Minsk and the lower East side by an incredible band from New York.

After dinner the bride and groom were chaired around the room clinging to each other with a white handkerchief. Not touching – just clutching the end of the hanky. This is a source of much debate among scholars of Judaica. One school holds that it symbolizes the physical separation that must prevail before marriage. Others, notably the Alte Rebbe Chaleria in Hotlox, Alabama, says that it signifies the last clean handkerchief, sock and shirt, the young groom will see until he visits his mama on weekends. Who knows?

Me and Mrs. Manilow stayed two days after the wedding so as not to miss a single free meal. And why did she blush when I asked the hostess at the last feed if I could have a couple of corned beefs on rye for the road? What a mitzvah opportunity for the hostess! And can you name one decent deli I-65 between Nashville and Huntsville.□

granddaughter – ten years hence – standing under the hupa with a nice, but non-Jewish Persian. "Listen, it's OK," she shouts to the audience over her shoulder. "It's all in the Book of Esther, as told by my zayde." Great! Well, the Book of Esther doesn't say specifically the king's NOT Jewish. And it doesn't say that he DIDN'T convert.

All this you should explain to your kids – along with fudge ripple ice cream. Elaborate on the plot – on the actors. What a movie the Purim plot would make. I can't wait for some smart producer to realize this. And no script royalties. I mean the story's in the best-read book of all time – the Bible: in the public domain, as the layers say. And the casting is easy. Demi Moore plays Esther. Charleston Heston's the king. (Think he's got enough biblical experience?)

Haman? Decidedly Jack Nicholson. And Anthony Hopkins is a shoo-in for Mordechai. Watch for it.

We certainly dodged a bullet that day in Shushan, 2,500 years ago. And recall that the "Persia" of the Scroll of Esther is the Iran of today – supporters of Hezbollah – still threatening Jews. Somewhere in the Talmud I'm sure it says; the more things change, the more they stay the same. If it doesn't it should.

WANTED

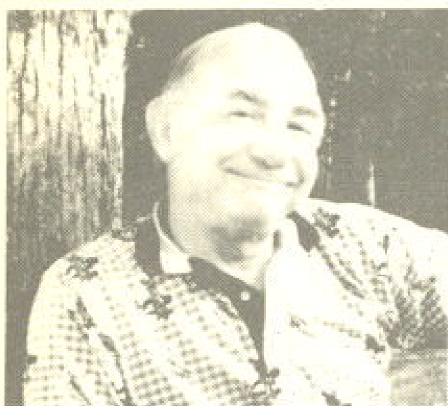
WRITERS
EDITORS
ARTISTS
DESIGNERS

We are looking for Writers, Editors, Artists and Designers for the English section. If you have the to knowledge, commitment and interest, please Email to comclub@pacbell.net for an interview.

You may get college credit, money on the side and great experience for future in a very friendly job environment!

Esther Carries The Day

By Ted Roberts



My Rabbi loves Purim because he doesn't have to prepare a speech. The Megillah is enough, he says. The congregation is stuffed like after the Pesach feast – not one more word can they take, he claims.

My friend Herb, however, hates Purim because he has no respect for those triangular, tough, Hamentashen that Israelis use for cannon ammo.

"It must be a minor holiday," says Herb, "or our ancestors would have celebrated with a standing rib roast or a Capon roasted in onion and wine sauce instead of those stale cookies."

I explain to Herb that there's no relationship between the significance of a holiday and its entrees. I remind him that Pesach is significant because it celebrates the Exodus, not because you get matzoh ball soup, tsimmus, and roast.

Unlike Herb, I love Purim and so do my grandchildren. Every year about this time I invite them over. We sit around my kitchen table that's laid out with bowls of fudge ripple ice cream. In my house, ice cream in March comes with a Purim chaser. Who wouldn't listen to my Purim stories for a big bowl of fudge ripple? What's wrong with bribery in the cause of Jewish education?

But before that, I freshen up my 69 year old head. I read the book of Esther. A wise stratagem – even wiser than selecting Fudge Ripple rather than Neapolitan, or what we used to call three-way. (Kids hate Neapolitan.)

The book of Esther, I discovered, had difficulties I needed to attend to before I told this story to youngsters. Bible scholars have been fascinated with this Megillah for centuries. They point out that G_d is repeatedly mentioned in Exodus as our Deliverer, but he plays no role in the drama of Shushan. Esther, a mere mortal, is our Agent. Well, so what. You know the old saying. "If you want to add a third bathroom to your split-level colonial, better call a contractor – don't pray for miracles." I'm not saying you should neglect heavenly virtues. I'm just telling you to call the contractor FIRST, then you can pray that A) he knows a toilet bowl from a wash basin and B) he's cheap.

The fact that our Angel of salvation is a mere slip of a girl who dazzles the king doesn't bother me a bit. And who's to say that if Esther's wiles had failed her, the Creator of Persians and Jews wouldn't have grabbed hold of Ahasueros' heart and turned it in our direction – as he did to Pharaoh. Notice that in the Egyptian crisis Moses carries the ball at first. Only when he fumbles, does the Lord of Hosts run out on the field with a bag full of tricks. First call the contractor – then pray.

In the Shushan case, Esther succeeded. Had she fainted with the weight of our cause on her shoulders, HE would have picked her up.

Some theologians tell us that the Lord hates miracles. HE likes to leave the natural world alone, ticking along in accordance with his specifications. If Esther, her friends, and family can get the job done, then fine. FIRST call the contractor, remember?



But there's another problem with the scroll of Esther. It's our heroine's relationship with the king, who doesn't seem to be a member of a Shushan synagogue or temple. We don't want young Camille, my

According to Professor George Grebner of the University of Pennsylvania, one of the most prominent authorities on violence in television, "the more children watch violent programs, the easier they accept it and the more enjoyable it becomes for them." Psychologists believe that "watching violent programs may have a relaxing effect to some extent, but once it reaches a certain level, it cannot be digested by human psyche. In this case, the child may have nightmares or suffer anxiety and try to relieve himself by acting and imitating the violent actions."

Sissela Bok, the author of "Murder" believes that as people in ancient Rome, after having dinner and wine, would lay down, relax and watch one gladiator being killed by another or being ripped apart by wild animals. Today, after having dinner, we sit in front of television and watch murder and violent acts at the end of a day of work.

Obviously, we used to see murder and violence in films and on television, but we were able to digest them in our psyche. Nowadays, however, the pictures are excessively real, more brutal and more explicit than ever before. The heroes in these pictures are celebrities who reap the rewards designed by this new order, namely money and fame, more than anyone else.

On whom the bulk of the blame for this situation should be placed? And who or what people should have the responsibility of putting this genie back into the bottle? The family? The government? The media? Teachers? Religious leaders? Should we concede defeat or take action to bring love, compassion and kindness back to the society?

I believe we should take action. Man's mind power is infinite. We, as parents and civilized people have a moral obligation to strive to improve our society. And everybody should participate in this endeavor. Our children should be taught that killing and destruction is not the way to solve problems.

The family, as the foundation of the society, without any equivocation, is that first and most effective teacher of values, ethics and traditions. If we as parents distance ourselves from our children and give them the feeling that we don't want to be bothered by them, we will pay a tremendous price in not a distant future. We should spend time with our children. We should learn what to say and how to say it to them. Parents who show their children that they listen to them, care for them and spend time with them, show their children that they love them. A kind of love that they can rely on. The way this is done is not as important as the sincerity that is done with. The more we practice the values we preach, the more they become acceptable by our children. A consensus in advanced between the parents and teamwork is a prerequisite for success in this endeavor.

Fortunately, one of the beautiful traditions that we have brought to this land is closeness among friends and family. The sense of belonging and love that grandparents, aunts, uncles and their sons and daughters give to children is absolutely vital and immensely valuable.

On a broader scale, membership in and affiliation with social organizations such as SIAMAK that foster your values, or membership in places of worship will provide children the much needed sense of belonging and identity. For sense of belonging creates belief and trust in children. Once there is belief, children adjust their behavior in accordance with the values of the organization they are a member of.

Another way to be active is to join forces with the organizations that fight against violence and other harmful and undesirable standards, lobby the government to pay more attention and encourage the media to adopt a self-censorship policy. Of equal importance is trying to abolish violent video games, being aware about the type of movies children watch, having a set rule regarding the kind of films and games they can watch and play, having knowledge about the types of friends they associate with and finally, being present and being there for them.

There is still hope. Parents who are fatigued by too much work, who are terrified by the thought of falling behind in the material race, and are distressed about the future in the relentless bombardment of propaganda and invisible imposition of undesired values, can utilize the power of their minds and psyche, win the one-sided battled pull the dagger out of their children's souls.



کیترینگ گلت کاشر شادی

SASON CATERING

آبروی شما، آبروی ماست



اگر مهمانان خود را واقعاً دوست دارید فقط با کیترینگ گلت‌کاشر **شادی** از آنان پذیرائی نمایید.

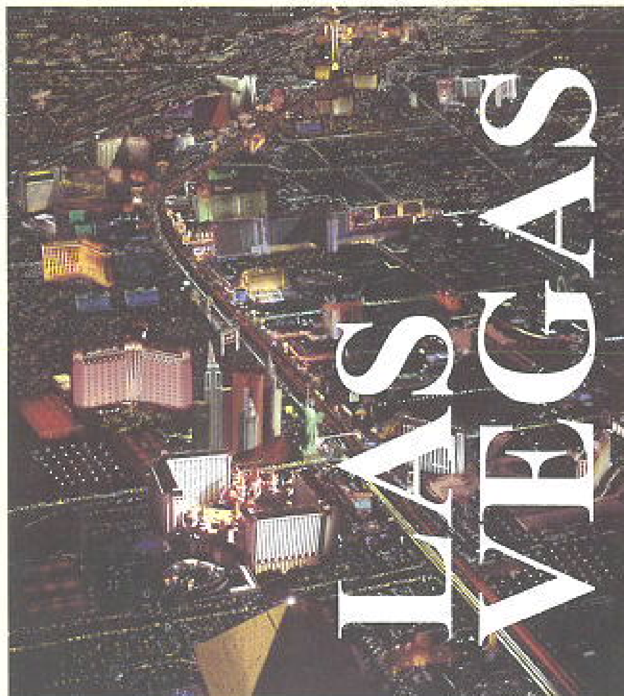
اگر غذای لذیذ و دلچسب و سرویس خوب و به موقع می‌خواهید کیترینگ گلت کاشر **شادی** را انتخاب نمایید.

کیترینگ گلت کاشر **شادی** زیر نظر ربانوت ایرانی و امریکایی یا زیر نظر هر مقام مذهبی که شما معرفی نمایید از مهمانان شما پذیرائی می‌نماید.
کیترینگ گلت کاشر **شادی** مورد تأیید همگان

با یک تلفن ، ما به شما آسایش خیال می‌دهیم

تلفن: ۵۹۸۲-۶۵۹(۳۱۰)   عضو ۸۰ ایرانیان   پیجر: ۸۸۸۵-۵۸۸(۳۱۰)
فکس: ۰۱۳۸-۳۶۰(۳۱۰)

بالاترین رشد جمعیت و کمترین میزان بیکاری
در امریکا را فقط در شهر



از رحیم



بشنوید می‌توانید تمام اطلاعاتی که لازم دارید را
با تلفن جویا شوید.

بیائید به لاس وگاس بیائید و از نزدیک رشد بی‌سابقه
این شهر و محل مورد نظر خود را ببینید.

بپرسید و بدون مطالعه نخرید. با سرمایه‌گذارانی که
میلیون‌ها دلار در سال گذشته با پیشنهاد من
سرمایه‌گذاری کرده‌اند، صحبت کنید.

می‌توانید پیدا کنید

زمین

مستغلات

شاپینگ سنتر

فکس ۱۵۵۱-۷۹۶ (۷۰۲)

اگر می‌خواهید در لاس وگاس همیشه برنده باشید، پول خود را فقط روی این شماره بگذارید

702– 493– 5858

C141 P504 ********AUTO**3-DIGIT 916
PRINTEX PAPER I
13133 SATICOY ST
NORTH HOLLYWOOD CA 91605-3403



International Judea Foundation
P.O. Box 3074 – Beverly Hills, CA 90212-9879

NON-PROFIT ORG
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 5013
Santa Clarita, CA